

سروش پیام گلپایگان

Sorush-e Payam Golpayegan

شماره اول - شهریورماه ۱۳۹۶-۳۲ صفحه



موسسه آموزش عالی
پیام گلپایگان

یادداشتی درباره مفاهیم ولی و ولایت در مثنوی معنوی مولانا

پشت پرده اسم های ایرانی عربی؟

گلپایگان و آثار باستانی اش

کمدین های به یاد ماندنی



اسکلت های عظیم الجثه از خیال تا واقعیت



عجایبی از جهان



دنیای توربین های بادی



خدا حافظ فرمانده

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
که زیارتگه زندان جهان خواهد بود



خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد حافظ شیرازی (۷۲۷ ه ق)، (۷۹۲ ه ق) معروف به لسان‌الغیب ، ترجمان الاسرار ، لسان‌العرفا و ناظم‌الاولیا شاعر بزرگ سده هشتم ایران برابر قرن چهاردهم میلادی و یکی از سخنوران نامی جهان است. بیشتر شعرهای او غزل هستند که به غزلیات حافظ شهرت دارند. گرایش حافظ به شیوه سخن‌پردازی خواجه‌جوی کرمانی و شباهت شیوه سخن‌اش با او مشهور است. او از مهم‌ترین تأثیرگذاران بر شاعران پس از خود شناخته می‌شود. در قرون هجدهم و نوزدهم اشعار او به زبان‌های اروپایی ترجمه شد و نام او به گونه‌ای به محافل ادبی جهان غرب نیز راه یافت. هر ساله در تاریخ ۲۰ مهرماه مراسم بزرگداشت حافظ در محل آرامگاه او در شیراز با حضور پژوهشگران ایرانی و خارجی برگزار می‌شود. مطابق تقویم رسمی ایران این روز روز بزرگداشت حافظ نامیده شده است.

بسمه تعالی

به نام آنکه ما را نام بخشید
زبان را در فصاحت کام بخشید

و کشف موضوع جدید بودند در جامعه صنعتی اصالت به ماده و انرژی داده شد و کسب و کار یدی و کار فکری به جای کار یدی تحول پیدا کرد.

۳- جامعه فراصنعتی یا اطلاعاتی: در این جامعه که در حال حاضر جوامع بشری پیشرفته در آن قرار دارند سرعت تغییر و تحولات به گونه ای است که از آن به عنوان شگفتی های سرعت و تحولات نام می برند. در این دوره از اهمیت کار یدی کاسته شد و به جای آن نیروی انسانی کیفی که توان خلاقیت و نوآوری با به کار گیری فکر و اندیشه اهمیت پیدا کرده است، در این جامعه منبع قدرت دانش و دانایی است.

در حال حاضر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در تولید علم و دانایی سهم بسزایی خواهند داشت و دسترسی به دانش و اطلاعات روز و زود هنگام از نیازهای جامعه علمی است.

موسسه آموزش عالی پیام گلپایگان با تفکر اطلاع رسانی و دانش افزایی و مشارکت اساتید و دانشجویان در این نهضت علمی - پژوهشی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به تالیف فصلنامه سروش پیام نموده است از کلیه اساتید و صاحب نظران و دانشجویان و دانش پژوهان موسسه جهت مشارکت علمی و پژوهشی در انتشار این فصلنامه دعوت بعمل می آید.

محمد جعفر بزرگ پیمان

انسانها در زندگی اجتماعی خود همواره با دو پدیده متناقض روبرو هستند. از یک طرف منابع در اختیار آنان محدود و از طرف دیگر خواسته ها و نیازهای بشر نامحدود است. بر این اساس انسان ها کوشیده اند تا بین کم یابی منابع و نیازهای نامحدود خود نوعی توازن ایجاد کنند. هر چه جوامع انسانی متکامل تر شده است. در توازن سازی خواسته ها و منابع با مشکلات بیشتری مواجه شده اند و کم یابی منابع نیز محسوس تر گشته است. با وجود تحولات علمی و تکنولوژی و توسعه توانایی های بشر در کنترل و بهره برداری از منابع، نگرانی های زیادی در مورد نحوه ایجاد تعادل بین امکانات و نیازهای روبه تزاید وجود دارد. بشر به دلیل اراده قوی خود، دهها هزار سال برای بهبود و توسعه ی شرایط زندگی خود کوشیده است و هنوز هم همین راه را طی میکند. در مجموع جوامع بشری سه مرحله تکاملی را پشت سر گذاشته اند که عبارتند از:

۱- جامعه سنتی: در این جامعه بشر نیازهای خود را از طریق شکار و کشاورزی تامین کرده و صاحبان کسب و کار از یک رشته آداب و رسوم و هنجارهای مشخص پیروی میکردند و کمتر کسی به فکر تغییر و تحول بنیادی بوده است و کسب و کار بشر در این جامعه کاریدی و ماهیت قدرت، خشونت بوده است.

۲- جامعه صنعتی: با پیدایش انقلاب صنعتی کار فکری به عنوان مکمل کار یدی مطرح شد. در این دوره که آنرا جامعه صنعتی می نامند میل به ابداع و خلاقیت در بشر افزایش یافت و کم کم شخصیت هایی ظهور کردند که در پی ارضای کنجکاوی

یادداشتی درباره مفاهیم ولی و ولایت در مثنوی مولانا



آنچه در آثار و اقوال عرفانی درباره ولی و ولایت بیان شده، حکایت از ارزش و منزلت عالی این دو مفهوم در منظومه عرفان دارد. ولایت منزلی از منازل سلوک و مقامی دون نبوت و مستفیض از آن است. اولیاء نیز کاملانی هستند که مراتب مختلف دارند. آنان ظهور حق تعالی و راهنمای خلق هستند. از نگاه عرفاء، وصول به مرتبه ولایت موقوف است به عبور از چندین حجاب و مقام و دریافت جذبه تجلی. اولیاء در تمام ادوار تاریخ حضور دارند و دستگیر خلافت هستند. ولی سایه حق است و سالک با اتصال به او می‌تواند به خدا برسد.

در عرفان اسلامی، ولی سالک کاملی است که تشخص الهی را منعکس می‌کند؛ او رسانای لطف و عنایت خدا به طالبان و جویندگان خداست زیرا که با خدا متحد گشته است (نیکلسون، تصوف اسلامی...، ۱۳۷۴، ۱۰۷). پیامبر در صدر مراتب اولیاء، قرار دارد و آنان خود را میراث‌داران او می‌دانند (همو، ۱۱۷). ۱۱۸ - حال و مقام اولیاء یکسان و یک‌گونه نیست، چون به رغم آنکه در خدا و با خدا زندگی می‌کنند، باز اما با خلق معاشرت دارند، خود را در شکلهای نازل پنهان می‌سازند و از نیروها و سرمایه‌های شگفت خویش دم نمی‌زنند. آنچه از قرآن می‌گویند هم تفسیر آن است و هم بیان سری از اسرار آن (شیمل، ۱۳۷۸، ۱۲۹، ۱۵۰ - ۱۴۹). هر کاری که از آنها سر بزند، حکمت و مصلحتی دارد. اولیاء کار همدیگر را، در ارشاد خلق، تکمیل می‌کنند و هر یک با نص یا اشارت ولی سابق جایگزین او می‌شود. (شهیدی، ۱۳۷۳، ۲۳/۱، ۳۶۵؛ ۶۳۳/۳).

یادداشت کوتاه حاضر می‌کوشد با نگاهی گذرا به مثنوی معنوی، در پی پاسخهایی کلی به پرسشهایی از این دست برآید که ولی کیست، وظایفش کدام است و چه ربط و نسبتی با خدا، و سالکان طریقت دارد.

مولانا هم به سبب وابستگی به گفتار عرفان اسلامی و هم به سبب ارتباط ژرفی که با شمس تبریزی داشت شأن و مرتبت بسیار بالایی برای ولی و مقام ولایت قائل بود. این معنا در سراسر آثار او مشاهده می‌گردد. از دید او، اولیاء به دو دسته بخش می‌شوند: اهل دعا و راضی به قضای خدا (همایی، ۱۳۷۶، ۳۴۱-۳۴۲). ولی کسی است که در خواب است از دنیا و بیدار است به حق تعالی؛ او مظهر اعظم اسماء و صفات خداوند و قلبش عرش مجید حق تعالی است (سبزواری، ۱۳۷۴، ۱/ ۱۸۱، ۳۴۹). اساساً از دید مولانا، اولیاء از نوع و نژادی ممتاز هستند که فقط در سیمای ظاهری با خلائق مشابعت دارند؛ اما این بدان معنا نیست که آنان از جنس حق و همذات اویند، بل بدان معناست که در وجود خداوند فانی گشته‌اند (همایی، ۱۳۷۶، ۱/ ۲۴۳).

صوفیه عقیده دارند که ولی قادر به تصرفی است که آنرا "ولایت تکوینی" یا "خلق به همت" می‌خوانند. در این وضع، ولی محل ظهور فعل خداوند است. اولیاء براساس همین قدرت تصرفشان در رابطه‌ای که با مریدان و سالکان طریقت دارند، قادرند لوح ضمیر آنان را از خواطر شیطانی و سخنان ناراست بپیرایند و گاه نیز آن‌را از خواطر رحمانی و کلمات پسندیده آکنده سازند (همایی، ۱۳۷۶، ۸۲۵-۸۲۶). مولانا باور دارد که زدودن تاریکی درون، بینا شدن، و تحوّل درونی فقط با یاری و هدایت ولی ممکن است (شهیدی، ۱۳۷۳، ۱/ ۶۵، ۲۳۱). ولی کیمیا ساز و میناگری است که خدمت به او باعث تبدیل مس وجود سالک می‌شود (مولانا، ۱۳۷۳، ۶۰۸). سالکان طریقت نیز موظفند در همه حال، پیوستگی و ارتباط خویش را با ولی حفظ کنند (شهیدی، ۱۳۷۳، ۲/ ۴۳۰-۴۳۱).

اولیاء هر چند به رفع حجب توفیق یافته‌اند، لیک همواره در معرض بازپیدایی آنها هستند. بزرگترین حجابهای آنها عبارت است از خودبینی، کبر، تقلید، تعصب خام، و سوسه نفس و عقل و اوهام باطل (همایی، ۱۳۷۶، ۸۲۹).

مولانا قائل بدان است که اولیاء، همچون پیامبر، به معراج حق می‌روند. وی معراج اولیاء را "معراج خاص" نام نهاده و آن را متناسب با درجه کمال و صفای باطن ولی می‌داند. معراج بسوی حق و یا استقرار در علم حس هر دو حالاتی هستند که ولی به اختیار خود آنها را برمی‌گزیند (فروزانفر، ۱۳۷۶، ۲/ ۶۳۵-۶۳۷). از مقامات اولیاء یکی هم مقامی است که او در آن، دست و چشم خدا می‌شود و برای وضع و لغو امور در باطن مریدان و جهان خارج قدرت مطلق می‌یابد؛ آن مقام را "قرب نوافل" و این تصرف را "خلق به همت" خوانند. گاه نیز تصرف ولی یا تأثیرگذاری او بر جان سالک، از طریق "پیوند ولایت / بیعت ولویه" است. این پیوند آنگاه صورت می‌گیرد که سالک در نتیجه‌ی صحبت ولی به تدریج از صفات مذموم پیراسته و به باطن ولی متصل می‌گردد. بر اثر این اتصال باطنی، سالک از خود تهی و از هستی ولی آکنده می‌شود تا بدانجا که دوگانگی از بین رفته و یک جان می‌گردند. سالک با این اتصال به ولی است که به خدا می‌تواند به خدا برسد، زیرا ولی سایه حق و دلیل نورخوردید او است (همو، ۱/ ۱۹۶-۱۹۷؛ ۲/ ۵۸۰-۵۸۳؛ ۲/ ۶۴۹-۶۵۰، ۶۶۷-۶۷۰).

در همین راستا مولانا در داستان پادشاه و کنیزک ولی را جمال الهی می‌داند که از جانب حق بر روح فرو فرستاده شده تا بیماری نفس را شفا داده و آن‌را به سعادت نفس مطمئنه برساند (نیکلسون، شرح مثنوی...، ۱۳۷۷، ۲۸-۲۹). مقام دیگری که اولیاء بدان رسیده‌اند، مقام "زنده خدا" است؛ آنان در این مقام به سبب بقای در حق از حیات دائم بهره‌مند گشته و جان‌های مرده را به ابزار معرفت زنده می‌کنند و پرورش می‌دهند. هم بدین سبب است که مولانا اولیاء را اسرافیل و ظهورشان را معنی‌ای از معانی قیامت می‌شمارد (همو، ۱/ ۱۹۵-۱۹۶).

مولانا به مانند تمام صوفیان معتقد است ولایت، بر خلاف نبوت، خاتمه نمی یابد. حاج ملاهادی سبزواری در تفسیر خویش علت این امر را آن می داند که چون ولی از اسماء خداست و اسم همیشه مظهر می خواهد، بنابراین انقطاع ولایت جایز نیست (۱۳۷۴، ۴۲۴/۱). استمرار ولایت را از منظری دیگر نیز می توان نگریست و آن برخورداری اولیاء از حقیقت نوعیه است. بر این اساس، اولیاء در هر عصر و زمانه ای نزد حقیقت جان آدمیان حضور دارند (زمانی، ۱۳۸۴، ۶۲۰-۶۲۱). فقط کسی که چشم و گوش باطنی اش در حجاب غفلت پوشیده نباشد، می تواند این حقیقت نوعیه را، که چون نور خورشید بر جان آدمی می تابد، دریابد (همانجا، ۱۶۵-۱۶۶).

مأخذ: چیتیک، ویلیام سی، *طریق صوفیانه عشق*، ترجمه مهدی سررشته داری، تهران، مهراندیش، ۱۳۸۳ ش؛ زمانی، کریم، *شرح جامع مثنوی*، تهران، اطلاعات،

۱۳۸۴ ش؛ شهیدی، سید جعفر، *شرح مثنوی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش؛ شیمل، آنه ماری، *من بادم و تو آتش*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، توس، ۱۳۷۸ ش؛ فروزانفر، بدیع الزمان، *شرح مثنوی شریف*، تهران، زوار، ۱۳۶۷ ش؛ ملاهادی سبزواری، *شرح مثنوی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش؛ مولانا جلال الدین، *مثنوی معنوی*، تصحیح توفیق سبحانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش؛ همائی، جلال الدین، *مولوی نامه*، تهران، هما، ۱۳۷۶ ش؛ نیکلسون، رینولد آلن، *تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا*، ترجمه محمدرضا شفیع کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۷۴ ش.

(محمد صبائی . دکترای الهیات و معارف اسلامی)

مولانا جلال الدین محمد بلخی - مولوی

عنصری، ناصر خسرو، مسعود سعد، خیام، انوری، نظامی، خاقانی راه درازی سپرده و در قرن هفتم هجری که زمان زندگانی مولوی است، به کمال خود رسیده بود. شعر عرفانی هم در همین دوره به پیشرفت های بزرگ نائل آمده و بدست عرفای مشهوری همچون سنایی، عطار و دیگران آثار با ارزشی مانند حدیقه، منطق الطیر، مصیبت نامه، اسرار نامه و غیره پدید آمده بود. مولوی را نمی توان نماینده دانشی ویژه و محدود به شمار آورد. اگر تنها شاعرش بنامیم یا فیلسوف یا مورخ یا عالم دین. در این کار به راه صواب نرفته ایم.. هنر بزرگ او بحث و بررسی های دلنشین و جاودانه ای است که به دنبال داستان ها پیش می آورد و اندیشه های درخشان عرفانی و فلسفی خود را در قالب آنها قرار میدهد. داستان بهانه ای است تا بهتر بتواند در پی حوادثی که در قصه وصف شده، مقاصد عالی خود را بیان دارد. در غروب روز ۵ جمادی الاخر ۶۷۲ ه. ق در سن ۶۸ سالگی در قونیه فوت کرد که الان مقبره این شاعر بزرگ قرن ششم در قونیه (ترکیه امروزی) می باشد که محل زیارت عاشقان و شیفتگان این شاعر بزرگ هستند.

مولانا جلال الدین محمد بلخی؛ رومی؛ فرزند بهالالدین الولد سلطان العلماء در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ در شهر بلخ متولد شد. هنوز بحد رشد نرسیده بود که پدر او به علت رنجشی که از سلطان محمد خوارزمشاه پیدا کرده بود شهر و دیار خود را ترک کرد و با خاندان خود به عزم حج و زیارت کعبه از بلخ مهاجرت نمود. در نیشابور به زیارت ((عطار)) عارف مشهور قرن هفتم شتافت. « جلال الدین » را ستایش کرد. و کتاب اسرارنامه ئ خود را به او هدیه داد. جلال الدین محمد پس از پدر در حالی که بیش از ۲۴ سال از عمرش نمی گذشت بر مسند پدر نشست و به ارشاد خلق پرداخت. در سال ۶۴۲ هجری به شمس تبریزی برخورد. شمس و افادات معنوی او در مولانا سخت اثر کرد. مولانا قبل از ملاقات با شمس مردی زاهد و متعبد بود و به ارشاد طالبان و توضیح اصول و فروع دین مبین مشغول بود. ولی پس از آشنایی با این مرد کامل ترک مجالس و عطف و سخنرانی را ترک گفت و در جمله صوفیان صافی و اخوان صفا درآمد و به شعر و شاعری پرداخت و این همه آثار بدیع از خود به یادگار گذاشت. شعر فارسی در دوره های پیش از مولانا با طلوع امثال رودکی،

بم شب دیده من بر فلک استاره شمرد

خواب من ز حرف فراق تو بوشید و ببرد

خسته ای را که دل و دیده به دست تو سپرد

صافی ارمی ندی کم ز یکی جرعه درد

بچ کس بی تو در آن جرعه ره راست نبود

بم نهند و من دلشده را خواب نبود

خوابم از دیده چنان رفت که هرگز ناید

چه شود که ز ملاقات و دانی سازی

ز بیک بار نشاید در احسان بستن

بم انواع خوشی حق بر یکی جرعه نهد



همچنین پنل‌های خورشیدی و سیستم آب گرم نه تنها می‌توانند در روز به بهترین نحو انرژی مورد نیاز را تامین کنند بلکه پنج برابر نیازشان هم انرژی تولید می‌کنند.

خانه آفتابگردان

خانه گردان خورشیدی یا آفتابگردان که محصول تفکر رالف دیچ است یک خانه خورشیدی است که همچون آفتابگردان به دنبال خورشید می‌چرخد. ایده این کار وقتی در ذهن آقای دیچ شکل گرفت که ۲۵ سال پیش مسئولان شهر فرایبورگ تصمیم به احداث یک نیروگاه اتمی در این شهر گرفتند.

او اما علاقه‌مندانه طرح سبز جایگزینش را تعقیب کرد و حالا اولین خانه کاملش ساخته شده است. در این طرح، ساختمان هر روزه ۱۸۰ درجه به همراه خورشید می‌چرخد تا از نور خورشید برای روشن کردن خانه استفاده شود.

راز سخن گفتن انسان :

تیم بین‌المللی از محققان به رهبری توماس مورگان، محقق پسا-دکترای دانشگاه برکلی کالیفرنیا و ناتالی اومینی، باستان شناس دانشگاه لیورپول می‌گویند که نخستین کلمات احتمالا زمانی بین ۱/۸ تا ۲/۵ میلیون سال قبل، از دهان یکی از اعضای خانواده انسان‌ها خارج شده است. شواهد به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد ساخت این ابزارها و آموزش در این باره محرک اصلی برای پدید آمدن زبان در گرم دشت‌های آفریقا بوده است. مورگان در این باره می‌گوید: «حداکثر می‌توانیم که استفاده از ابزار باعث تکامل زبان شده و کلماتی که نخستین بار بشر به زبان آورده، در مورد این ابزارها بوده‌است. استفاده از اصوات یا حرکات دست و صورت برای مفاهیم غیراحساسی همانند بله یا خیر، اینجا، آنجا، خوب و بد در دورانی شکل گرفته که انسان برای انجام کارهایش از ابزارهای دست ساز، استفاده می‌کرده و نیاز داشته این شیوه را به دیگر هم‌نوعانش بیاموزد.»

ما چطور و از کی سخن می‌گوییم و اصلا چه شده که ما توانایی سخن گفتن یافته‌ایم؟ این سؤالی است که طی چندین قرن محل بحث‌های مختلفی بوده‌است.



حالا یک بررسی پژوهشی نشان می‌دهد، احتمالا نخستین مکالمات زمانی شکل گرفته که انسان اولیه شروع به ساختن ابزارهای سنگی کرده‌اند. یک

قویترین اسید دنیا را بشناسیم :

این ابر اسید که ((کربوران اسید)) نام دارد به سهولت یون‌های هیدروژن خود را ازاد میکند و در عین حال کمترین میزان خوردندگی را هم دارد. بین قدرت اسید و خوردندگی آن تفاوت وجود دارد قدرت اسید بر اساس میزان تمایل آن برای از دست دادن یون هیدروژن تعریف می‌شود اما خوردندگی آن به پایداری بنیان باقیمانده و میزان واکنش پذیری آن بستگی دارد کربوران اسید با فرمول $H(CHB^{11}CL^{11})$ تمایل بسیار زیادی برای دادن یون هیدروژن دارد و صد تریلیون بار از آب استخر اسیدی تر است، اما بنیان باقیمانده ی این اسید که نتیجه ی از دست دادن یون هیدروژن است شامل ۱۱ اتم بور و ۱۱ اتم کلر و یک اتم کربن است که در یک ساختار بیست وجهی قرار گرفته اند و بسیار پایدار است.

تا چند سال گذشته فلورئوروسولفوریک اسید ($HFCO^3$) رکورد قوی ترین اسید دنیا را به خود اختصاص داده بود اما محققان یکی از دانشگاه های کالیفرنیا موفق شدند اسیدی بسازند که چند صد مرتبه از این اسید و دست کم یک میلیون مرتبه از سولفوریک اسید غلیظ، قوی تر است



وحشتناک بریدگی با کاغذ این است که به خاطر ایجاد شکافی تیغ مانند، همزمان تعداد زیادی از گیرنده های درد را در ناحیه ای بسیار کوچک تحریک می کند. همچنین از آنجا که بریدگی با کاغذ چندان عمیق نیست و خونریزی محدود است گیرنده های درد در معرض محیط باز قرار می گیرند.



چرا بریدگی انگشت با کاغذ دردناک است ؟

اگر با میکروسکوپ به لبه ی کاغذ نگاه کنید متوجه ساختار دنداندار آن می شوید این ویژگی در کنار نازکی کاغذ آن را به چاقویی خطرناک تبدیل می کند دلیل درد



کند. معمولاً روتور توسط یک برج در ارتفاع مناسبی نسبت به زمین قرار می گیرد و البته پیش بینی های لازم برای هم جهت شدن امتداد شفت یا جهات مختلف باد و همچنین برای کنترل سرعت آن صورت می گیرد و قدرت جذب شده توسط این روتور مستقیماً و یا توسط یک سیستم مکانیکی به ماشینی که قرار است رانده شود منتقل می گردد. تعداد پره ها معمولاً متغیر بوده و پهنای پره (کورد) ممکن است در تمام طول پره ها ثابت و یا آنکه متغیر باشد و پره از هاب به سمت نوک باریک شود. ضمناً پره ممکن است در امتداد محور طولی تاب داشته باشد یا اصطلاحاً پیچیده باشد و بالاخره گام پره ممکن است ثابت و یا متغیر باشد.



پره :

یکی از مهمترین بخشهای توربین بادی بوده و وظیفه آن تولید نیروی لازم برای چرخاندن شفت اصلی توربین بادی است. پره به گونه ای ساخته می شود که استحکام و استقامت بسیار بالا در برابر نیروهای دینامیکی و آیرودینامیکی داشته باشد.

برج :

سازه های مشبک فولادی - برج های استوانه ای فولادی یا بتنی و همچنین ستون های مهار شده توسط کابل از رایج ترین برج های نگهدارنده محسوب می شوند. ارتفاع برج معمولاً بین یک تا یک و نیم برابر قطر روتور در نظر گرفته می شود. انتخاب نوع برج بستگی به شرایط سایت دارد. همچنین سفتی برج فاکتور مهمی در دینامیک سازه توربین باد محسوب می گردد چرا که احتمال کوپل شدن ارتعاشات بین برج و روتور که منجر به خطر رزونانس می گردد وجود دارد.

ناسل :

شامل پوشش خارجی مجموعه توربین، شاسی و سیستم دوران حول محور برج می باشد که روتور به آن متصل است. ناسل در بالای برج قرار دارد. بعضی از ناسل ها آنقدر بزرگند که تکنسین ها می توانند داخل آن بایستند.

سیستم انتقال قدرت :

سیستم انتقال قدرت شامل اجزاء گردنده توربین باد است. این اجزاء عمدتاً شامل محور کم سرعت (سمت روتور)، گیربکس و محور سرعت بالا (در سمت ژنراتور) می باشد. سایر اجزاء این سیستم شامل یاتاقان ها، یک یا چند کوپلینگ، ترمز مکانیکی و اجزاء دوار ژنراتور می باشد. در این مجموعه وظیفه گیربکس افزایش سرعت نامی روتور از یک مقدار کم (در حد چند ده دور در دقیقه) به یک مقدار بالا (در حد چند صد یا چند هزار دور در دقیقه) که مناسب

دنیای توربین های بادی

انرژی بادی :

منظور از توان بادی تبدیل انرژی باد به نوعی مفید از انرژی مانند انرژی الکتریکی است که این کار به وسیله توربین های بادی صورت میگیرد. در آسیاب های بادی از انرژی باد مستقیماً برای خرد کردن دانه ها و یا پمپ کردن آب استفاده میشود. در انتهای سال ۲۰۰۶ میزان ظرفیت تولیدی برق بادی در سراسر جهان برابر ۷۳،۹ گیگاوات بود. گرچه این میزان چیزی در حدود یک درصد از کل انرژی الکتریکی تولیدی در جهان محسوب میشد اما در طول بازه زمانی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ تقریباً چهار برابر شده است. در این میان کشورهای دانمارک با ۲۰ درصد، اسپانیا با ۹ درصد و آلمان با ۷ درصد از نظر درصد تولید برق بادی از کل تولید انرژی الکتریکی در جایگاههای نخست قرار دارند. انرژی بادی در مقادیر زیاد در مزارع بادی تولید و به شبکه الکتریکی متصل میشود. از توربین ها در تعداد کم معمولاً فقط برای تامین برق در مناطق دور افتاده استفاده میشود. اما از جمله دلایل تمایل کشورها برای افزایش ظرفیت تولید برق بادی مزایا بسیار زیاد این روش تولید انرژی الکتریکی است چراکه انرژی بادی فراوان، تجدیدپذیر و پاک است و همچنین در مقایسه با استفاده از انرژی سوخت های فسیلی میزان کمتری گاز گلخانه ای منتشر میکند. منشا باد یک موضوع پیچیده است. از آنجاییکه زمین بطور نامساوی به وسیله نور خورشید گرم میشود.

بنابراین در قطبها انرژی گرمایی کمتری نسبت به مناطق استوایی وجود دارد همچنین درخشکی ها تغییرات دما با سرعت بیشتری انجام میدهد و بنابراین خشکی های زمین نسبت به دریاها زودتر گرم و زودتر سرد میشوند. این تفاوت دمای جهانی موجب به وجود آمدن یک سیستم جهانی تبادل حرارتی خواهد شد که از سطح زمین تا هوا کره، که مانند یک سقف مصنوعی عمل میکند، ادامه دارد. بیشتر انرژی که در حرکت باد وجود دارد را میتوان در ساعت بالای جو پیدا کرد جایی که سرعت مداوم باد به بیش از ۱۶۰ کیلومتر در ساعت میرسد و سرانجام باد انرژی خود را در اثر اصطکاک با سطح زمین و جو از دست می دهد. یک برآورد کلی اینگونه میگوید که ۷۲ تراوات (TW) انرژی باد بر روی زمین وجود دارد که پتانسیل تبدیل به انرژی الکتریکی را دارد و این مقدار قابل ترقی نیز هست.

در اینجا شما را با سه اصطلاح مهم در توربین های بادی آشنا کنیم.

Cut - in: حداقل سرعت باد که از آن پس توربین بادی شروع به تولید برق می کند.

Cut- Out: حداکثر سرعتی که از آن پس برای حفاظت سلامت توربین و جلوگیری از واژگونی آن حرکت توربین بادی متوقف می شود.

Rated Wind Speed: مقدار متوسط سرعت باد که چنانچه با آن سرعت، باد به توربین بوزد معادل توان نامی توربین برق تولید می شود.

اجزاء اصلی توربینهای بادی محور افقی

روتور :

روتور توربین باد شامل پره، هاب، دماغه و یاتاقان های پره می باشد. روتور یک توربین بادی محور افقی بطور خلاصه متشکل از تعدادی پره می باشد که بطور شعاعی در اطراف یک شفت که موازی باد قرار می گیرد نصب شده اند و بدین ترتیب روتوری را تشکیل می دهند که عمود بر جهت باد دوران می



دریافت فرمان، پمپ مقداری روغن را از داخل مخزن به محفظه جلو یا عقب سیلندر جک پمپ می کند تا جک بتواند به مقدار مورد نیاز محور تراورس را در جهت مورد نیاز حرکت دهد.

محور تراورس محوری است که از سوراخ داخل شفت اصلی عبور می کند و یک سمت آن با جک هیدرولیکی و طرف دیگر آن با مکانیزم مثلثی واقع درون هاب مرتبط است. وظیفه این محور انتقال حرکت جک هیدرولیکی و در واقع فرمان کنترلر به مکانیزم مثلثی است که باعث چرخش پره ها می گردد. مکانیزم مثلثی درون هاب باعث تبدیل حرکت انتقالی محور تراورس به حرکت چرخشی و نتیجتاً چرخش پره ها به دور محورشان می گردد .

چرخش توربینهای بادی بر پایه نیروی لیفت

با استفاده از نیروی لیفت انرژی بیشتری نسبت به نیروی درگ بدست می آید. ولی تنها نیاز آن سطحی ایرودینامیکی شکل می باشد شبیه چیزی که در بالهای هواپیما استفاده می شود. این مقطع ایرودینامیکی برای ایجاد اختلاف فشار بین سطح بال و پایین و ایجاد یک نیروی خالص عمود بر جهت باد می باشد.

داخل توربین بادی به چه صورت می باشد:

۱ - باد سنج (Anemometer): این وسیله سرعت باد را اندازه گرفته و اطلاعات حاصل از آنرا به کنترل کننده ها انتقال می دهد .

۲ - پره ها (Blades) : بیشتر توربین ها دارای دو یا سه پره می باشند. وزش باد بر روی پره ها باعث بلند کردن و چرخش پره ها می شود.

۳ - ترمز (Brake) : از این وسیله برای توقف روتور در مواقع اضطراری استفاده می شود. عمل ترمز کردن می تواند بصورت مکانیکی ، الکتریکی یا هیدرولیکی انجام گیرد.

۴ - کنترلر (Controller) : کنترلر ها وقتی که سرعت باد به ۸ تا ۱۶ mph میرسد ما شین را، راه اندازی می کنند و وقتی سرعت از ۶۵ mph بیشتر می شود دستور خاموش شدن ماشین را می دهند. این عمل از آن جهت صورت میگیرد که توربین ها قادر نیستند زمانی که سرعت باد به ۶۵ mph می رسد حرکت کنند زیرا ژنراتور به سرعت به حرارت بسیار بالایی خواهد رسید.

۵- گیربکس (box Gear) : چرخ دنده ها به شفت سرعت پایین متصل هستند و آنها از طرف دیگر همانطور که در شکل مشخص شده به شفت با سرعت بالا متصل می باشند و افزایش سرعت چرخش از ۳۰ تا ۶۰ rpm به سرعتی حدود ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ rpm را ایجاد می کنند. این افزایش سرعت برای تولید برق توسط ژنراتور الزامیست. هزینه ساخت گیربکس ها بالاست درضمن گیر بکس ها بسیار سنگین

هستند. مهندسان در حال انجام تحقیقات گسترده ای می باشند تا درایو های مستقیمی کشف نماید و ژنراتورها را با سرعت کمتری به چرخش درآورند تا نیازی به گیربکس نداشته باشند .

۶ -ژنراتور (Generator) : که وظیفه آن تولید برق متناوب می باشد.

توربین های نسل جدید مغناطیسی:

این توربین ها که نسل جدید توربین های بادی می باشند قابلیت تولید برق در سرعت های پایین در حدود ۱ متر بر ثانیه می باشند، که کاملاً بی صدا بوده و دارای عمر طولانی تر نسبت به توربین های افقی و سایر توربین های عمودی می باشد .

برای تحریک یک ژنراتور استاندارد است، میباید. عمدتاً دو نوع گیربکس در توربینهای بادی مورد استفاده قرار می گیرد:

گیربکس های با شفت های موازی و گیربکس های سیاره ای. برای توربینهای سائز متوسط به بالا (بزرگتر از) ۵۰۰ KW مزیت وزن و سائز در گیربکس های سیاره ای نسبت به نوع دیگر یعنی گیربکس های با شفت موازی کاملاً بارزتر است. بعضی از توربین های باد از یک طرح خاص برای ژنراتور استفاده می کند (ژنراتور با تعداد قطب بالا) که در آن نیازی به استفاده از گیربکس نمیباشد.

ژنراتور :

پره های توربین بادی انرژی جنبشی باد را به انرژی دورانی درسیستم انتقال تبدیل می کنند و در قدم بعدی ژنراتور، انرژی توربین را به شبکه برق منتقل می نماید. بطور معمول از سه نوع ژنراتور در توربین های بادی استفاده می شود - ژنراتور جریان مستقیم - آلترناتور یا ژنراتور سنکرون - ژنراتور القایی یا آسنکرون

گیربکس (جعبه دنده) :

از آنجائی که محور توربین دارای دور کم و گشتاور بالا و بر عکس آن محور ژنراتور دارای دور بالا و گشتاور کم است، سیستم انتقال قدرت باید به نحوی این دو محور را به یکدیگر متصل نماید.

ترمز :

در توربینهای بادی با ظرفیت بسیار پایین (۱ الی ۵ کیلووات) معمولاً از سیستم های ترمز کشکی استفاده می شود، زیرا جهت متوقف نمودن پره ها، نیروی زیادی مورد نیاز نیست. در توربین های بادی با ظرفیت بالا، از ترمزهای دیسکی استفاده می شود.

سیستم کنترل :

برای بدست آوردن حداکثر راندمان از یک توربین بادی، باید بتوان همواره صفحه دوران توربین را عمود بر جهت وزش باد قرار داد. برای این منظور از سیستم هایی برای تغییر جهت توربین بادی و قرار دادن سیستم در مسیر باد استفاده می شود. این سیستم (system yaw) یک سیستم ترکیبی الکتریکی - مکانیکی است که هدایت آن توسط واحد کنترل انجام میشود.

در توربین های بادی سائز کوچک به جای چرخ انحراف (system yaw) از بالچه استفاده می کنند . همچنین سیستم هایی جهت کنترل و تنظیم سرعت دورانی در توربین بادی مورد استفاده قرار می گیرند. چنین سیستمهایی علاوه بر کنترل دور روتور، مقدار قدرت تولیدی و نیروهای وارده بر روتور در بادهای شدید را نیز محدود می کنند.

سیستم هیدرولیک :

سیستم های هیدرولیک به مجموعه جک و یونیت هیدرولیکی و اتصالات جانبی آنها اطلاق می شود. جک هیدرولیکی از یک سیلندر و پیستون دو طرفه تشکیل شده است و با انتقال سیال به هر ناحیه از آن، جک به سمت مخالف حرکت می کند. یونیت هیدرولیکی از الکتروموتور، پمپ، مخزن تامین فشار اولیه، شیرهای هیدرولیکی، شیلنگ های انتقال سیال به دو ناحیه داخل سیلندر جک، مخزن روغن، روغن مخصوص و تجهیزات جنبی تشکیل شده است. پس از

اسکلت های عظیم الجثه از خیال تا واقعیت

یا The road toubar از نیکلاس کلاب و مقالات قوم عاد سازندگان اهرام مصر از عابدینی اشاراتی انجام گرفته است . نویسنده مقاله به پیامبر قوم عاد اشاره می کند و می نگارد که پیامبر این قوم هود از نسل سام بن نوح بوده که بر این قوم نازل شده قومی که استعداد وافری در ساخت بنا های محکم و استوار داشته اند و به سوره فجر آیه ۸ رجوع میکند ((همان شهری که ماندش در شهر ها آفریده نشده بود)) خداوند برای این قوم هود را فرستاد ولی آنها او را سفیه پنداشتند (اعراف ۶۶- هود / ۵۴) واز پرستش خدای یگانه سر باز زدند و خود را ملزم به پیروی از آیین پدری دانستند و همواره راه کبر و غرور را در پیش گرفتند پس عذابی سخت گریبانگیر آنها شد و همه نابود شدند .

اما راستی چه بر سر این قوم نافرمان آمد ؟

نویسنده در ادامه به نعماتی که طبق آیات قرآن به آنها داده شد اشاراتی دارد ارسال پیامبری امین و درستکار برای آنها، برخورداری از قدرت جسمی و فکری برای بنا کردن قصرها و قلعه های پاربرجا و مستحکم ، دراختیار داشتن چهارپایان ، بهرمندی از پسران برومند و بی عیب و نقص ، در اختیار داشتن باغ ها و چشمه ها البته طبق آیات قرآن بیان می شود که مدتی بر این قوم باران نازل نشد و هوا گرم و خشک و خفه کننده شده بود پس گروهی ابرهایی را دیدند و گمان کردند که این ابرها ابرهای باران زا هستند ولی آنها بادهای شنی بودند که از دور شبیه به ابرهای باران زا به نظر می رسیدند اما همان ابرهای شنی شهر را درنوردیدند و در پی آن طوفان سهمگین، شهر در میان طبقاتی از شن مدفون گردید و مردم شهر به جز هود و عده ای قلیل از یارانش برای همیشه زیر آن شن ها مدفون شدند .

باگسترش فضای مجازی عده ای میکوشند که این تصاویر ساختگی و رایانه ای را به آیات قرآن ربط دهند و چنین وانمود میکنند که این اسکلت های چند ده متری متعلق به این قوم مدفون شده هستند ولی در واقع چنین نیست و طبق آیات این کتاب الهی ((فهل تری لهم من باقیه)) و آیا از آنان هیچ بازمانده ای میبینی اساسا هیچ بازمانده ای از آنها باقی نمانده است و یا آیه دیگری ((فاصبحوا لا یری الا مساکنهم)) پس صبح کردند در حالی که جز خانه هایشان دیده نمی شد و این آیه بیان گر این موضوع است که مساکن آنها باقی مانده ولی اجساد آنها نیست و نابود گردیده است . پس از بررسی این آیات و تحقیقات عمقی به این نتیجه دست یافتیم که این تصاویر مربوط به یک مسابقه عکاسی و طراحی بوده که جهت جلوه بیشتر همه این تصاویر برجسته و بزرگ شده اند و به این ترتیب و به استناد آیات قرآن به داستان اسکلت های عظیم الجثه غیر واقعی پایان می دهیم .



با رشد روز افزون فضای مجازی گاه گاهی خبرهایی در برخی از سایت ها و کانال ها دست به دست می چرخد که بسیار جای تفکر و تأمل دارد این روزها می شنویم ، میبینیم و می خوانیم که در پی حفاری در برخی مکان های خاص و بعضا کشورهای عربی اسکلت انسان های غول پیکری سر از خاک بیرون می آورند که طول هر کدام از استخوان های شان به تنهایی به چندین و چند متر می رسد و در یک تصویر که یک مجسمه کشف شده را نشان می داد مجسمه آنقدر بزرگ بود که با یک جرثقیل چند ده تنی حمل می شد حالا درون آن چه مغزی بوده خدا می داند .

حال بماند که این استخوان ها چطور بعد از گذشت چندین سال سالم و بدون آسیب دیدگی کنار هم مانده اند. اما ادعا بر این است که این اجساد متعلق به قومی بوده اند که چندین هزار سال پیش می زیسته اند و به ناگاه تمام آنها بر اثر حادثه ای هولناک از میان رفته اند و به نیستی و نابودی گراییده اند و حالا استخوان های آنها یافت شده اند و ادعا بر این است که این قوم مردمانی نیستند جز قوم عاد که مورد نفرین خداوند قرار گرفته اند و به ناگاه گرفتار خشم خداوند شده اند و طعم مرگی سخت و دشوار را چشیده اند

حال می خواهیم با مطالعه مستندات موجود و رجوع به کتب مربوطه و با رجوع به مقاله ای علمی چاپ شده در دو فصلنامه علمی ترویجی قرآن و علم (شماره چهاردهم) صحت موضوع را بررسی کنیم .

نویسنده مقاله در ابتدا به قوم عاد اشاره می کند و بیان می دارد که این قوم در سرزمینی حاصل خیز به نام احقاف زندگی می کردند و داستان زندگی آنها فقط در قرآن ذکر شده است و در کتب الهی دیگر به آن اشاره ای نشده است و این امر را از اعجاز قرآن می داند . البته سال های سال گمان بر این بود که داستان این قوم جز داستان و افسانه چیز دیگری نیست که باستان شناس مشهور اروپایی نیکلاس کلاب به تمام این شک و تردیدها پایان داد و با کشف محل زندگی این قوم و کشف آثار باقیمانده آنها در کشور عمان واقعیتی دیگر را از این کتاب الهی آشکار ساخت . او در کشفیات خود باقیمانده برج های بلند ، خانه های قدیمی این قوم و برخی لوازم زندگی آنها که زیر لایه هایی از شن و ماسه مدفون شده بودند را مشاهده کرد که مطابق با آیات این کتاب الهی است .

نویسنده در ادامه به کلمه عاد اشاره می کند که ۲۴ مرتبه در ۱۸ سوره و در ۲۴ آیه به کار رفته است . این قوم در طبق آیات قرآن در ناز و نعمت زندگی می کردند که چون راه ناسپاسی و نعمت را در پیش گرفتند مورد خشم خداوندگار خویش قرار گرفتند و نابود شدند اما هیچ کدام از کتب الهی به این موضوع اشاره نکرده است و تا به حال هیچ کتاب یا مقاله ای که زندگی این قوم را مورد بررسی و کاوش قرار دهد انتشار نیافته فقط اشاراتی شده است که کافی و فراگیر نیست مثلا در کتب هارون یحیی ((اعجاز قرآن)) ، ((الامم البائنه)) و اعجاز علمی قرآن از زغلول نجار

اسم ایرانی یا اسم عربی؟

نامگذاری

مساله نامگذاری فرزندان یکی از مسائلی ست که تقریباً همه ی خانواده ها با آن سروکار دارند و در فرهنگ عمومی دنیا از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در سال های اخیر مشاهده شده است که تلاش هایی در جهت گسترش نام های ایرانی در جامعه و در تقابل با نام های عربی در حال انجام است.



در این مقاله به شیوه ای علمی و تحلیلی، نشان داده می شود که هدف کلی از مد ساختن و گسترش نام های ایرانی در جامعه اولاً سو استفاده از حس وطن پرستی و ثانیاً تلاش در جهت از بین بردن نام اهل بیت علیهم السلام می باشد.

الف: نام ایرانی یا عربی؛ مغلطه ی بسیار ساده

اگر اهل گشت و گذار در سایت های اینترنتی و شبکه های اجتماعی باشید، در اکثر آن ها لینک هایی وجود دارد که در آن ها پرسش ها و نظر سنجی هایی در مورد نامگذاری فرزندان وجود دارد. مدل پرسیدن سوال و نظرسنجی در این سایت ها و شبکه ها به نحوی است که به نوعی تقابل نام های ایرانی و نام های عربی در آن ها مشاهده می شود. اما به دلایل زیر این سوالات دارای اشکالات اساسی است و به نوعی همراه با فریب است.

در ایران نام عربی داریم؟

نکته ی مهم این است که اصلاً آن چیزی که این سایت ها به عنوان نام عربی مطرح کرده اند، نام عربی نیست و در ایران جز نواحی جنوبی و غربی که با کشورهای عربی همسایه هستیم و مردم اکثراً عرب هستند، چیزی به عنوان نام عربی (با تعریفی که این سایت ها دارند و در جامعه نیز این تعریف در بین افراد مختلف دیده شده است) وجود ندارد.

آنچه که در ایران وجود دارد، غالباً اسامی اسلامی است که به دلیل علاقه ی مردم به دین اسلام، سالیان متوالی بر روی فرزندان ایرانی گذاشته می شده است. در واقع اسم های عربی اسم هایی است غالباً به صورت هایی چون سالم، جاسم، الدعا، عبدالغنی، خالد، مالک و... گذاشته می شود.

چیزی که به هیچ عنوان با آنچه که در این سایت ها و در جامعه به عنوان اسم عربی مطرح می شود تطابق ندارد.

تحریک حس وطن پرستی

در اکثر سایت ها پیش از پرسیدن در مورد انتخاب اسم عربی یا فارسی، معمولاً به شیوه ای، حس وطن پرستی کاربران نسبت به اعراب تحریک می شود و سپس با مغلطه ای ساده کاربران را به فریبی ذهنی دچار می کنند. در واقع فضای پرسش و نظرسنجی به هیچ عنوان طبیعی نیست.

مدل کار به این صورت است که ابتدا با طرح مباحثی چون «خلیج عربی» و شیطنت اعراب در جعل کردن نام «خلیج فارس»، حمله ی اعراب به ایران و سو استفاده ی جنسی اعراب حاشیه ی خلیج فارس از برخی زنان ایرانی، کاملاً کاربران را احساسی و نسبت به اعراب بدبین می کنند. کل کل با عرب ها، رو کم کنی عرب ها و ... از مهم ترین و پرفراوانی ترین عنوان هایی است که به تالارهای بحث و گفتگو در این سایت ها اختصاص داده می شود.

ایراد اصلی از آنجا شروع می شود که پس از تحریک حس وطن پرستی و عرب ستیزی کاربران، طی یک عملیات بسیار ساده، اعراب را مستقیماً به اهل بیت (ع) وصل می کنند و (نعوذ بالله من قصدهم) اهل بیت (ع) را نیز نمونه ای از این اعراب می دانند. بلافاصله پس از چنین فضایی از کاربران در مورد اسم گذاری پرسیده می شود و غالباً با چنین عبارتی:

اسم ایرانی یا عربی؟

دقت شود که در این سایت ها، در طرح سوال نام ایرانی یا نام عربی، وقتی برای نام های عربی مثال آورده می شود، نام های ائمه و پیامبران به عنوان مثال ذکر شده است. مسلم است که هرکس اندکی عرق ملی داشته باشد، تحت تاثیر چنین فضایی به نام ایرانی رای می دهد. چرا که حس وطن پرستی او به شدت تحریک شده و دیگر قدرت تشخیص ندارد که نام هایی که به عنوان نام عربی آورده شده است، به هیچ عنوان ربطی به خلیج فارس و ... ندارد.

پاسخ حدوداً ۹۶ درصد افراد شرکت کننده در بحث های این سایت ها به نام های ایرانی بوده است و با مغلطه ی ایجاد شده دقیقاً نام ایرانی در مقابل نام ائمه و به نام اسم عربی به خورد مخاطبان داده شده است.

ب: صدا و سیما و شبکه ی سینمای خانگی و فارسی وان! متأسفانه طی یک سال برخی رفتارها در صدا و سیما و شبکه ی سینمای خانگی دیده شده است که نشان از جریانی آگاهانه در جهت ترویج نام های ایرانی (نه به هدف ایران دوستی و گسترش حس ملی گرایی) بلکه در جهت مقابله با فرهنگ اسلامی طراحی شده است.

خوانندگان مستحضرند که سینما و صداوسیما یکی از تاثیرگذارترین رسانه های جامعه ی کنونی ایران می باشند. متأسفانه همواره در هر جامعه ای مردم عادی غالباً تحت تاثیر جو غالب جامعه قرار می گیرند و بدون تفکر و اندیشه به پیروی از مدهای جامعه می پردازند. یکی از مدهای جامعه که مردم به شدت از آن تقلید می کنند و عمدتاً نا آگاهانه است، بحث نامگذاری است.

در بحث نامگذاری و چگونگی تاثیر پذیری مردم از جریان های اجتماعی به دو مثال اشاره می شود.

تاثیر پذیری مردم عادی و عوام: گاس هیدینگ و سریال ستایش

شومشان راه به جایی نمی‌برد. فرهنگی که صدر و ساقه‌ی آن عقلانیت و شعور و آگاهی است؛ لذا هدف اصلی این جریان نه بسط فرهنگ ایرانی که ترویج فرهنگ ایرانی به عنوان آلت‌ناتیوی در مقابل فرهنگ اسلامی است. در واقع این جریان قصد دارند همان استفاده‌ی ابزاری که در تاریخ از دین شده است، این بار از حس وطن دوستی ایرانیان کنند.

لازم به توضیح است که نگارنده به هیچ عنوان مخالف نامگذاری ایرانی نمی‌باشد، بلکه هدف از این مقاله این است که حس وطن دوستی افراد تحت تاثیر فریبکاری عده‌ای دنیاپرست قرار نگیرد.

وظیفه‌ی علاقه‌مندان به اهل بیت

این پاراگراف مربوط به کسانی است که ادعای حسینی بودن دارند. آنانی که عشق به اهل بیت در وجودشان ساری و جاری است. اگر از این دسته نیستید می‌توانید خواندن مقاله را در همین جا به انتها برسانید. اما اگر خود را از زمره‌ی ارادتمندان اهل بیت (ع) بر می‌شمارید، وظیفه‌ای بر دوش شماست. بنابر آنچه گفته شد، جریان آگاهانه و به طرق مختلف در تلاش برای از بین بردن نام اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. ساده انگارانه است اگر این جریان را ناشی از وطن دوستی عده‌ای خاص بگذاریم. احمقانه است اگر با این شعار که «خدا دین خود را حفظ می‌کند»، بی تفاوت از کنارش بگذریم. وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که مردم عامی را که به شدت احساسی‌اند از قرار گرفتن در دام این جریان اجتماعی برحذر داریم.



آگاه کردن جوانان به شیوه‌ای منطقی و نه احساسی، ترغیب و تشویق دیگران به انتخاب نام‌های ائمه و از همه مهم‌تر انتخاب اسامی مذهبی (به ویژه اسامی ائمه) برای فرزندان مان، به عنوان مقابله با این جریان، از دیگر وظایف ماست.

در پایان با حدیثی از امام صادق (ع) سخن را به پایان می‌برم:
قال الصادق (ع): **أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَكَلَدُهُ أَنْ يَسْمِيَهُ بِه اسم حَسَنِ فُلَيْحَسْنَ أَحَدَكُمْ اسْمٌ وَكَلَدُهُ؛**

اولین نیکی که انسان به فرزندش می‌توان بکند این است که نام نیک بر وی بگذارد. پس به نیکی بر فرزندان نام بگذارد.

(وسائل الشیعه، ج اول، صفحه‌ی ۲۹۷)

(نگارنده: سید مصطفی میرشریفی)

(برداستی آزاد از سایت‌های اینترنتی راسخون و شمسا)

داستان «گاس هیدینگ» به عنوان نمونه‌ای است که نشان می‌دهد مردم عادی و عوام چگونه تحت تاثیر مسائل احساسی قرار گرفته و این مسائل در تمام زندگی‌شان جاری می‌شود.

«گاس هیدینگ» یکی از مربیان بزرگ و موفق فوتبال جهان است. وی در جام جهانی ۲۰۰۲ با تیم فوتبال کره جنوبی توانست برای اولین بار در طول تاریخ، تیمی آسیایی را تا مرحله‌ی نیمه نهایی جام جهانی بالا ببرد. افتخاری که مردم کره جنوبی را واقعاً خوشحال و شادمان کرد. یکی از نکات بسیار جالبی که پس از این واقعه وجود داشت، این بود که تحت تاثیر حضور «گاس هیدینگ» و رتبه‌ی افتخارآمیز چهارمی جهان، تا چند سال نام «گاس» یکی از پر فراوانی ترین نام‌ها در کشور کره بود که برای نوزادان انتخاب می‌شد. دقیقاً مشابه این اتفاق در ایران و هنگام پخش سریال «ستایش» افتاد.

در سال ۱۳۸۴ نام ستایش در ایران ۴۸۵۴ بار برای فرزندان انتخاب شده بود. در این سال نام ستایش حتی جزو ده نام اول ایران هم نبوده است اما در سال ۱۳۸۹ تعداد نام ستایش به عدد خیره‌کننده ۳۱۳۵۶ می‌رسد که نشان می‌دهد پخش این سریال تا چه اندازه بر مردم تاثیر گذاشته است.

در واقع می‌توان گفت که صداوسیما در این روند نزولی اسامی مذهبی و روند صعودی اسامی یادشده تاثیر بسیار زیاد داشته است.

از آن سو شاهد هستیم که چگونه شبکه‌های ماهواره‌ای به تخریب نام‌های اسلامی و دینی مشغولند. به عنوان مثال شبکه‌ی فارسی وان که ماموریتی قابل توجه در سست کردن بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی دارد، نام‌هایی که نزد ایرانیان مقدس است برای بازیگرانی که در سریال، نقش‌های غیر اخلاقی را ایفا می‌کنند، استفاده می‌کند.

به عنوان نمونه این شبکه در یکی از سریال‌های خود برای زن‌های بازیگری که نقش‌های غیر اخلاقی را ایفا می‌کنند نام‌های مقدس زینب و خدیجه را انتخاب نموده است.

این جریان‌های داخلی و خارجی آیا بی هدف است؟ به راستی هدف از این جریان اجتماعی چیست؟

هدف از ترویج

بررسی دقیق موارد یادشده نشان می‌دهد که دو هدف عمده در این جریان وجود دارد. ۱- ایجاد حس نفرت و یا بی تفاوتی نسبت به اسامی ائمه با مغلطه‌ای که در بالا توضیح داده شد. ۲- گسترش نام‌های ایرانی در جهت جای‌گزینی نام‌های ائمه (آگاهانه توسط شبکه‌های ماهواره‌ای و ناآگاهانه و شاید هم آگاهانه: توسط صداوسیما و شبکه‌ی سینمای خانگی).

چیزی که بسیار واضح است این است که کسانی که آگاهانه به این جریان می‌پردازند، به شکوه و عظمت فرهنگ اسلامی پی برده‌اند. آنان به راستی دریافته‌اند تا زمانی که فرهنگ حسینی در جامعه باشد، اینان نمی‌توانند به اهداف خود برسند. فرهنگی که کشته شدن در راه حق و خدا را به پذیرفتن ننگ و ذلت ترجیح می‌دهد. اینان آگاهند که تا فرهنگ علوی، فرهنگ فاطمی و محمدی در جامعه باشد، مقاصد

جدول کلمات متقاطع شماره ۱

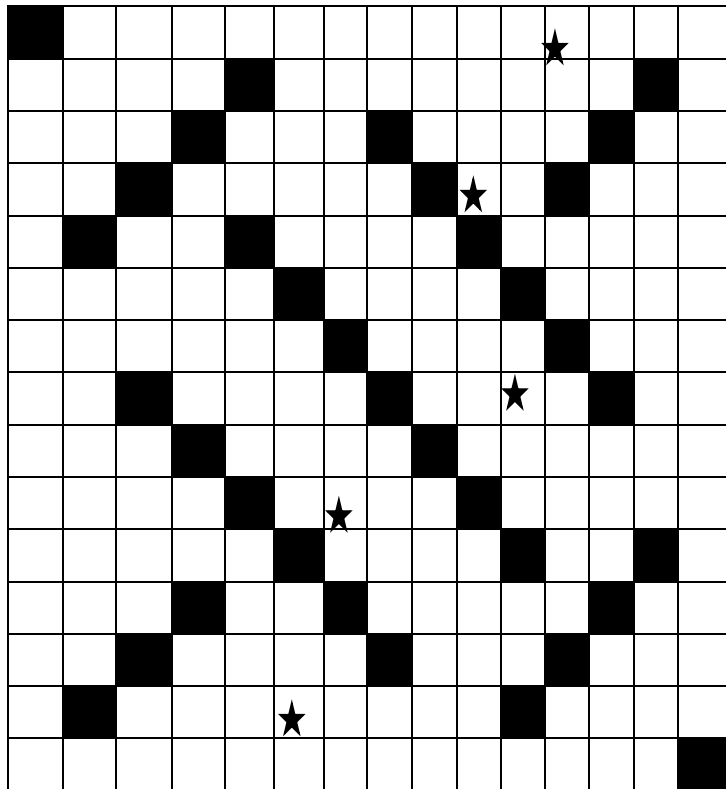
افقی

- ۱ نویسنده کتاب معروف ایران در زمان ساسانیان که توسط رشید یاسمی به فارسی ترجمه شد.
- ۲ بخیل، خسیس - همان چنگ خودمان است.
- ۳ آب منجمد - هم رودی در آلمان هم شهری در کرمان - اسم - یاری، دستگیری.
- ۴ هر یک از پادشاهان سلسله اشکانیان - مذکر - ابزاری که با آن دندان ها را می شویند - همه، تمام.
- ۵ از خنیاگران دوره ساسانی که معاصر باربد بود - ناله و زاری - دریا.
- ۶ مایعی که از نشاسته یا کتیرا درست می کنند و به پارچه می زنند تا سفت و براق شود - گردنده - ناله و زاری - دریا
- ۷ خجستگی - اسباب هدایت وسیله - های شناور - کنایه از بامحبت
- ۸ بندگی - دورو، تزویرکننده - شایسته، سزاوار - پنبه پاک نکرده.
- ۹ آثار ادبی - آذین و زینت - در یک چشم به هم زدن.
- ۱۰ گلی است خوشبوی به رنگ سرخ یا سفید که درختش خاردار است - میوه درخت بالنگ - جایی در زورخانه که مرشد ضرب می زند و می خواند.
- ۱۱ حرص و طمع - تأخیر کردن - خوش آواز در قفس.
- ۱۲ دفع کردن - اسب قوی، اسب پرزور - ابر نزدیک زمین - بیست و نهمین حرف.
- ۱۳ رها، ول - پاک و بی غش - آرامگاه - ورزش پایه.
- ۱۴ محل ورود - کنایه از موافق، مناسب.
- ۱۵ از آثار معروف دکتر زرینکوب است در دو جلد قبل و بعد اسلام.

ح ر ف ب

www.jadvalbaz.blog.ir

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



عمودی

- ۱ کتابی از نیبرگ ایرانشناس معروف.
- ۲ در ظواهر امور دینی سخت گیر است - در نواحی بیابانی، به برجستگی های بین شیارهای U شکل می گویند که معروفترین آنها در دنیا در کویر لوت یافت می شوند.
- ۳ تنها، یگانه - خیمه گردی که به یک ستون برپا باشد - نام حرف دوم یونانی - فریاد سهمناک.
- ۴ به معنی نظیر و مانند - راز - نویسنده، منشی - مروارید.
- ۵ جریان برق را از خود عبور می دهد - یکی از تاثیرگذارترین نقاشان مدرن فرانسوی - نفس خسته.
- ۶ نوعی بیماری پوستی - خاموشی - انتقال روح شخص مرده به بدن انسانی دیگر.
- ۷ ریسمان، طناب - خراش یا شکاف باریک روی چیزی - صبح زود که هنوز هوا تاریک باشد.
- ۸ حرف دهن کجی - بین - زیرک، باهوش - درازگوش.
- ۹ کنترل و بازرسی حاکمیت بر فعالیت سیاسی، اجتماعی و... خاصه فرهنگی - عضو بویایی - روش و طریقه.
- ۱۰ سهل انگاری کردن - طغیان کردن - روی زخم می گذارند تا بهبود یابد.
- ۱۱ ضمیر اول شخص جمع - کرایه دهنده - به عقب برگشتن، بازگشتن.
- ۱۲ آخرین یک رقمی - هر یک از طبایع چهارگانه - عمر - پست، ضعیف.
- ۱۳ یکی از ۳ پسر فریدون - مفهومی که نشان دهنده پایان حیات موجودات چند سلولی است اما برای موجودات تک سلولی صدق نمی کند - نام باستانی جمهوری آذربایجان - زبانه آتش.
- ۱۴ تارمی چوبی - نامی که ایرانیان به دجله داده بودند و امروز به اشتباه بر شط العرب اطلاق می شود.
- ۱۵ لقبی که جولوس روسکا و دکتر استیپتون به رازی دانشمند بزرگ ایرانی داده اند.

رمز جدول کلمه ایست که نام یکی از روستاهای گلپایگان، پنج حرفی که از بهم پیوستن کلمات موجود در خانه های ستاره دار به ترتیب از بالا تا پایین جدول بدست می آید.

شما میتوانید با ارسال رمز جدول به ادرس اینترنتی ما payamsorush96@gmail.com به قید قرعه از جوایز ارزنده ای بهره مند شوید.

رهبری معنوی و کاربرد آن در سازمان

بعد از سال ها تحقیق و تجربه هم اکنون سازمان ها به سمتی در حرکتند که معنویت نام گرفته است و مقصد و هدف جدیدی برای سازمان ها در حال شکل گیری است و رهبری معنوی با کاربرد جهانی است و در نشریات مشهور و ادبیات علمی و تحقیقی مطالب زیادی در مورد آن آمده است. به رغم فراوانی نوشته ها درباره رهبری هنوز هم محققان مردم را به یک کوشش جدی برای فهم آن دعوت می کنند. در این مقاله رهبری معنوی در یک مدل انگیزشی توسعه یافته است که چشم انداز امید / ایمان و عشق به نوع دوستی و بینش مشترک در محیط کار و بقاء معنوی را در هم آمیخته است. منظور از رهبری معنوی ایجاد و تحقق چشم انداز و همسانی ارزشها در ماورای رهبری استراتژیک می باشد که تشدید انگیزه برای معنویت در محیط کار نیاز کلی انسان را برای بقای معنوی از طریق معناداری و عضویت و تمایز بین دین و معنویت توصیف می کند.

مقدمه:

اکنون رویکردهای مطالعاتی در زمینه رهبری فرهنگ سازمانی و مدیریت منابع انسانی توجه اندکی به اعمال و عقاید مذهبی و معنوی در محیط کار داشته اند. در مدل های غیر مذهبی کسب و کار دین و مذهب جزء مسائل شخصی هر فرد به شمار می آمدند و به این ترتیب لزومی به مطرح کردن آنها در درون سازمان مشاهده نمی شد.

تکامل تاریخی در حوزه ی مدیریت و سازمان به لحاظ تئوری و عملی تحت تاثیر نیروی قدرتمند قرار گرفته است نیرویی که اگر به درستی هدایت و اداره شود به نظر می رسد توانایی لازم برای منجر شدن به ژرفترین تشریک مساعی نه تنها در زمینه های حرفه ای آن بلکه برای انسانیت تمام عبار را دارا باشد. اگرچه طی چند دهه ی اخیر باور بر این بود که این نیرو برای جهان کسب و کار چندان مناسبی ندارد. همچنین منحصراً در ادبیات عامه پسند مورد بحث و گفتگو قرار می گرفت. اما اکنون به عنوان موضوع تحقیق و پژوهش کاملاً جدی در بسیاری از حوزه ها و قلمروهای آکادمیکی و عملی قرار گرفته است. این نیرو چنان بر اصول مدیریت و سازمان تاثیر گذارده است که برخی افراد آن را به عنوان پیشرفت و تحولی اساسی در حوزه ی مدیریت و سازمان توصیف کرده اند.

این نیروی عظیم و ژرف «معنویت» است. تا جایی که اداره و هدایت آن در سازمان به عنوان مهم ترین فعالیت آینده مدیریت خواهد بود.

ماموریت ارزش ها و چشم انداز انقلاب اسلامی بر معنویت اسلامی بنا نهاده شده و سال ۱۳۸۹ با عنوان همت و کار مضاعف توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی نام گذاری شده است. در ادبیات مدیریت و تحقیقات این حوزه نیز به معنویت در زمینه رهبری و در انجام کار همچنین بر عملکرد بیشتر و کار موثر بسیار تاکید شده است بنابراین لازم است تا تحقیقات و زمینه های کاربردی نمودن این مفاهیم در حوزه سازمان ها انجام شود. این مقاله تاثیر رهبری معنوی کاری در سازمان را بررسی و تعیین کرده همچنین با ارائه الگویی از معنویت در کار، ادبیات این مفاهیم را در حوزه ی مدیریت و سازمان در ایران معرفی کرده است.

مروری بر ادبیات موضوع مقاله:

تاریخچه و تعاریف

تقریباً از نیمه قرن نوزدهم در اروپا و امریکا مباحثی تحت عنوان مدیریت مطرح شد و دانشمندان علوم اجتماعی اعلام داشتند که همه نظام های اجتماعی در موضوعی تحت عنوان معنویت مشترک هستند. اگرچه برخی از نویسندگان غربی بر این باورند که واژه معنویت صرفاً در دهه های اخیر به کار رفته است. اما این واژه در قرن نوزدهم و حتی

پیش از این در زمینه مقایسه های اجتماعی سایر ملل (به طور مثال هندوستان) به کار رفته بود.

معنویت:

از آنجا که محققان از زوایای گوناگونی به معنویت نگریسته اند در نتیجه تعاریف متفاوتی از معنویت ارائه کرده اند و باید گفت که توافق جامعی بر سر تعریف معنویت وجود ندارد. برخی از این تعاریف عبارتند از: معنویت، نیروی نشاط آور و انگیزاننده زندگی است و انرژی که سوق دهنده فرد به سمت غایتی شخصی و یا هدفی غیر شخصی است.

معنویت قلب دین و زندگی معنوی زندگی کامل و اصیلی است که انسان برای آن خلق شده است. از دیدگاه مسلمین زندگی معنوی هم بر ترس خدا مبتنی است و هم بر عشق او و هم تسلیم در برابر اراده خدا و هم جستجو برای شناخت او که هدف نهایی آفرینش است معنویت اسلامی با الگوهای آداب اسلامی که ساخته و پرداخته ارکان دین است رابطه دارد. معنویت اسلامی مسلمین را در طول دروه های مختلف جان تازه بخشیده و عامل شکوفایی و ظهور برخی از برجسته ترین فیلسوفان و دانشمندان شهره جهان را فراهم آورده است.

معنویت با نوع دوستی، امید، مهربانی، عشق و خوش بینی به طور تفکیک ناپذیری مرتبط است. از راه منطقی و علمی نمی توان پدیده ها را به عنوان یک کل موجود ثابت کرد. معنویت ایمان بنیادین به این پدیده هاست. ایمان چیزی است که برای اثبات آن نیاز به ادله محکم ضروری نیست. اما تعریف دیگری که تقریباً جامع تر از بقیه تعاریف می باشد معنویت را این گونه تعریف کرده است:

معنویت نیروی اصلی جنبش درونی روح انسان به سوی مقصدی متعالی و الهی است. معنویت تلاشی برای تربیت حساسیت نسبت به خویش، دیگران، سایر موجودات و خداست و جستجویی است برای آنچه که جهت رسیدن به انسانیت کامل نیاز است.

رهبری معنوی:

نهیض رهبری معنوی شامل مدل های خدمتگزاری رهبری مشارکت دادن کارکنان و توانمند سازی آنان می باشد و بر اساس فلسفه رهبری خدمتگزار بنا شده است. نوعی رهبری که بر ارائه خدمت به دیگران دیدگاه کلی نسبت به کار توسعه فردی و تصمیم گیری مشترک تاکید دارد. در واقع رهبری معنوی کسی است که با استفاده از ارزش ها، طرز تلقی ها و رفتارهایی که لازمه انگیزش درونی خود و دیگران است بقای معنوی اعضای سازمان را فراهم کند. وی این کار را در دو مرحله زیر انجام می دهد:

۱- در حالی که هریک از رهبران و پیروان سازمان از طریق دیگر همکاران احساس می کنند که دارای شغل با اهمیت و معنا دار می باشند رهبری معنوی اقدام به ایجاد چشم اندازی مشترک می کند.

۲- رهبر معنوی با استقرار فرهنگ سازمانی / اجتماعی بر اساس ارزشهای انسانی موجب می گردد که کارکنان علاقه خاصی به خود و دیگران نشان می دهند و این احساس در آنان به وجود می آید که سایرین نیز دارای اهمیت می باشند و باید از آنان به خاطر شغلشان قدردانی به عمل آید. در واقع رهبر معنوی از طریق ایجاد حساسیت نسبت به خود و دیگران در افراد سازمان آنها را نسبت به شغل و کار خود علاقه مند می کند سپس با برانگیختن آنان نسبت به وظایف کاری خود می شود و در نتیجه موجبات بقای معنوی آنان را فراهم می آورد (ضیائی و همکاران ۲۰۰۸).

در حقیقت نظریه رهبری یک نظریه علی برای تحول سازمانی می باشد که به منظور ایجاد سازمانی یادگیرنده و دارای محرک درونی به وجود آمده است. با توجه به نظریه رهبری تحول آفرین این نظریه نیز توانایی رهبران را در به کارگیری قابلیت های پیروان خود در محیط متغیر

نظریه رهبری معنوی یک نظریه علی برای تحول سازمانی می باشد که به منظور ایجاد سازمانی یادگیرنده و دارای محرک درونی به وجود آمده است. نظریه رهبری معنوی بر اساس مدل انگیزش درونی توسعه یافته است که ترکیبی از چشم انداز ایمان به تحقق هدف، عشق به نوع دوستی و بقای معنوی می باشد. هدف رهبری معنوی توجه به نیازهای اساسی پیرامون می باشد تا موجبات بقای معنوی آنان را فراهم آورد. چنین رهبری موجب می گردد که کارکنان معنای واقعی شغل خود را درک کرده و برای شغلی که دارند اهمیت قائل شوند (معناداری) همچنین به آنها این احساس دست می دهد که شغلشان از نظر سازمان و سایر همکاران نیز دارای اهمیت است (عضویت). این رهبران چشم انداز و ارزشهای مشترکی برای کارکنان ایجاد کرده و موجبات توانمندی تیمی و سازمانی آنان را فراهم کرده و در نهایت سطح رفاه زیستی و سلامتی و تندرستی کارکنان و همچنین بهره وری و تعهد سازمانی آنان افزایش خواهد یافت. در واقع رهبر معنوی با ویژگی های منحصر به فرد خود چشم اندازی از آینده سازمان ایجاد کرده و به گونه ای در کارکنان نفوذ می کند که آنان به تحقق چشم انداز سازمان ایمان آورند و به آینده سازمان امیدوار باشند. به این ترتیب انگیزه درونی کارکنان برای تلاش بیشتر افزایش می دهد. از طرف دیگر با رواج فرهنگ نوع دوستی درون سازمان موجب می گردد که افراد توجه عمیقی به خود و زندگی گذشته خود داشته باشند و روابط مطلوبی با دیگران برقرار کنند.

در مدل رهبری معنوی، ماموریت و ارزشها به همراه معنویت شکل می گیرند. حتی فراتر از این، زندگی شخصی و حرفه ای کارکنان نیز بر مبنای معنویت شکل می گیرد. البته باید توجه داشت که چنین رهبرانی در ایفای نقش خود تعاملات گسترده ای با دیگران داشته و بیش از سایر افراد سازمان به مهارتهای عاطفی و معنوی نیاز دارند تا سازمانی معنوی ایجاد کرده و توسعه معنوی پیروان خود را موجب گردند. به طور کلی یک رهبر خوب در سازمان نقشهای زیر را ایفا می کند.

- ارزشها و اهداف را ایجاد و تقویت می کند.
- چشم انداز سازمان و استراتژی های لازم برای دستیابی به آن چشم انداز را ایجاد می کند.
- نوعی محیط اجتماعی در درون سازمان ایجاد می کند که استراتژیهای تدوین شده عملی گردند.
- تغییرات مورد لزوم را اعمال و مدیریت می کند تا سازمان سالم مانده و رشد کند.

رهبران معنوی هویت اخلاقی پیروان خود را جلا داده، تعهد عمیقی در آنان بوجود می آورند و میان انعکاس اخلاقی درونی و بیرونی کار و روابط و روابط اجتماعی کارکنان پیوند برقرار می کنند. این رهبران دارای پنج مشخصه اصلی میباشند:

۱. تعریف اهداف الهی برای پیروان (وظیفه رهبر معنوی این است که افراد را از جایی که هستند به جایی که خداوند میخواهد باشند انتقال می دهد).
 ۲. متوسل شدن به روح مقدس
 ۳. احساس مسئولیت در مقابل خدا
 ۴. توانایی نفوذ بر همه افراد، نه فقط نفوذ بر افراد خدانشناس
 ۵. کار بر اساس فرامین خداوند.
- رهبران معنوی در برخورد با سیستمهای ارزشی رک و راست بوده و کاملاً سنجیده و با تفکر و مشورت اقدام می کنند. این رهبران صحبت از ارزش برتر معنویات در مدل های رهبری دارند.
- بر اساس تحقیقات مختلف صورت گرفته، رهبری معنوی شامل عناصر زیر می باشد:

- ایجاد ارزشهای مشترک
- ایجاد چشم اندازی از آینده

امروزی کاملاً همساز نموده و به رهبری از دیدی تازه نگاه می کند. نظریه رهبری معنوی بر اساس مدل انگیزش درونی توسعه یافته است که ترکیبی از چشم انداز ایمان به کار و نوع دوستی می باشد. لذا هدف رهبری معنوی توجه به نیازهای اساسی پیروان می باشد تا موجبات بقای معنوی آنان را فراهم آورد.

کاربرد رهبری معنوی در سازمان:

- چشم انداز سازمانی
تحقیقات نشان می دهد که رهبران معنوی حتماً باید دارای چشم انداز باشند و در حرکت به سمت چشم انداز رهبران معنوی سه کار انجام می دهند.

- ۱- به واقعیت موجود احترام می گذارند.
 - ۲- زمینه را برای تحقق چشم انداز فراهم می کنند.
 - ۳- همه چیز را برای تحقق یافتن چشم انداز همراستا می کنند.
- در واقع رهبری معنوی با ویژگی های منحصر به فرد خود چشم اندازی از آینده سازمان ایجاد کرده و به گونه ای در کارکنان نفوذ می کند که آنان به تحقق چشم انداز سازمان ایمان می آورند و به آینده سازمان امیدوار باشند. به این ترتیب انگیزه درونی کارکنان را برای تلاش بیشتر افزایش می دهند.

ب- نوع دوستی

رهبر معنوی با رواج فرهنگ نوع دوستی در درون سازمان موجب می گردد که افراد توجه عمیقی به خود داشته باشند و روابط مطلوبی با دیگران برقرار کنند که این امر موجب می شود که شبکه های ارتباطی بین افراد شکل گیرد رهبران به نیازها و علایق کارکنان توجه نمایند و در نهایت به رشد و توسعه آنان جهت واگذاری مسئولیت توجه نمایند.

ج- ایمان به کار

رهبری معنوی در سازمان باعث شکل گیری اعتقادات معنوی و ایمان به کار در کارکنان می گردد و این امر به عنوان یک محرک درونی در کارکنان باعث توسعه خود و اینکه وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهند و در نهایت باعث افزایش مسئولیت در کارکنان می شود.

معنویت در کار (سازمان):

تعریف معنویت در کار همانند تعریف معنویت مشکل است زیرا در این زمینه تعاریف بسیاری مطرح شده و از طرفی نمی توان به یک تعریف که مورد قبول اکثریت باشد دست یافت. با وجود این تجربه معنویت در کار اگرچه هنوز در ابتدا راه است اما تحقیقات تجربی بسیاری آن را پشتیبانی می کنند و ضرورت ورود آن به سازمان احساس شده است. همچنین هرچند فقدان یک مقیاس یا یک تعریف پذیرفته شده ی مورد قبول اکثریت مانع گسترش آن شده است. با وجود این کاربرد آن در سازمان غیر قابل انکار است. به همین علت در اینجا تعاریف مختلفی از معنویت در کار ارائه شده است.

- ۱- معنویت در کار در برگیرنده ی مفهومی از احساس تمامیت و به هم پیوستگی در کار و درک ارزش های عمیق در کار است.
- ۲- معنویت در کار در برگیرنده تلاش برای جستجو و یافتن هدف غایی در یک فرد برای زندگی کاری به منظور برقراری ارتباط قوی بین فرد و همکاران و دیگر افرادی که به نحوی در کارش مشارکت دارند و همچنین سازگاری یا یگانگی بین باورهای اساسی یک فرد با ارزش های سازمانی می باشد.
- ۳- معنویت در کار نیرویی الهام بخش و برانگیزاننده جهت جستجوی مداوم برای یافتن هدف و معنا در زندگی کاری، درک عمیق و ژرفا از ارزش کار زندگی پهنآوری عالم هستی موجودات محیط طبیعی و نظام های باور شخصی است.

مدل علی رهبری معنوی:

(شکل شماره ۱)

- ایجاد مقاصد مشترک
- توانمند کردن سایرین
- نفوذ و تاثیرگذاری بر دیگران
- دارای بصیرت و دانش
- خدمتگزار
- ایجاد تحول در خود، دیگران و سازمان
- بحث و نتیجه گیری:

سازوکار رهبری و مدیریت توأم با معنویت به گونه ای است که سازمان را به سمت سازمانی ارگانیک سوق می دهد که سازمان می تواند با شرایط معقول محیطی به سرعت هماهنگ شده و امکان انعطاف پذیری و آزادی عمل بیشتری را برای کارکنان فراهم نماید. ارتباطات موازی، تعهد به اهداف و وظیفه ای، روابط نزدیک شغلی تخصصی و همکاری و همراهی کارکنان از ویژگی های رهبری معنوی است و در سازمانی با رهبری معنوی کارکنان احساس می کنند که مورد توجه و احترام و اعتماد و در تصمیم گیری ها مشارکت دارند و برای انجام کار برانگیخته می شوند و از طرفی زمانیکه افراد برای انجام کار برانگیخته می شوند، با رضایت خاطر به انجام وظایف خود می پردازند.

(امین ناصری، کارشناس ارشد مدیریت)

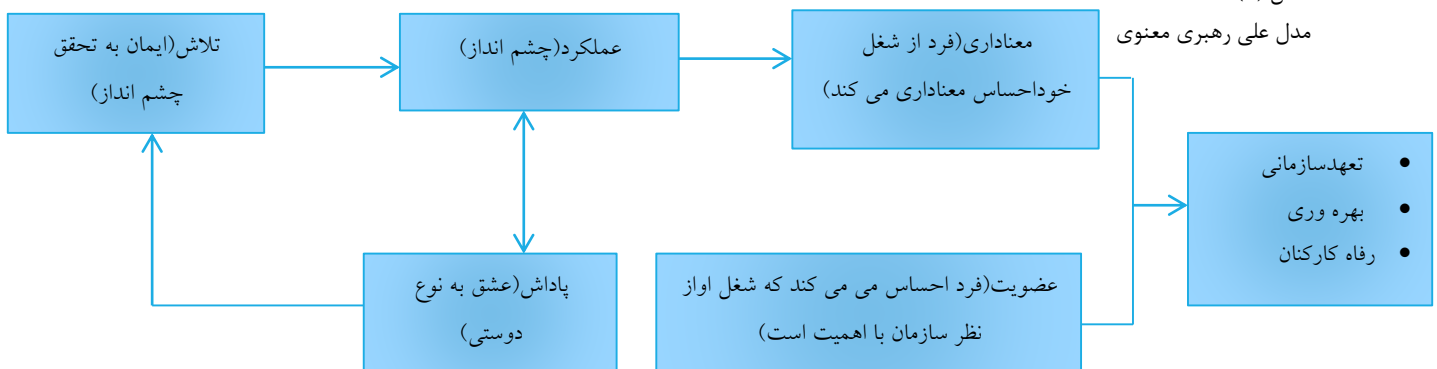
منابع فارسی:

- ۱- نرگسیان، عباس (۱۳۸۷)، «نقش رهبری معنوی در توانمند سازی کارکنان دانشگاه تهران» مجله دانش مدیریت دولتی، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۷، ص ۸۶-۶۷.
- ۲- وست، ویلیام (۱۳۸۳)، «روان درمانی و معنویت» مترجمان شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن. تهران، رشد
- ۳- جوانمرد، حبیب اله، ((رهبری معنوی و کاربرد آن در سازمان)).
- ۴- احمدی، سیدعلی اکبر، ((بررسی نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان)). هفتمین کنفرانس توسعه منابع انسانی.
- ۵- علیرضا کوشکی جهرمی، حسن بودلایی، بهروز پورولی، ((مطالعه رهبری معنوی به عنوان عاملی اثرگذار بر کارآفرینی در سازمانها))، اولین همایش ملی مدیریت.
- ۶- مرادی، محمد (۱۳۸۵)، ((توسعه معنوی کارکنان))، سومین کنفرانس توسعه منابع انسانی.

منابع لاتین:

7- Korac- Kakabadase.N:Kouzmin A.(2002) spirituality and Leadership Praxis. Journal of Managerial Psychology Vol.17 No 3.pp.165-182

شکل (۱)



نتایج سازمانی → نیازهای پیروان برای دستیابی به بقای معنوی و ارزش های رهبری → رفتار، طرز تلقی ها



دکتر سید مهدی الوانی از بزرگان و چهره های ماندگار علم مدیریت دولتی ایران :

سید مهدی الوانی در دی ماه سال ۱۳۲۳ شمسی در محله امیریه تهران متولد شد.

آموزش ابتدایی را در مدرسه بیهقی شروع کرد، سپس از مدرسه بیهقی به مدرسه مصباح مرجانی رفت و از آنجا گواهینامه ششم ابتدایی را اخذ کرد. سال اول دوره متوسطه را در دبیرستان حکیم نظامی گذراند.

ابتدا دوره ای را به عنوان آموزش نظامی در پادگان شاه آباد غرب که اکنون اسلام آباد غرب نام گرفته است، گذراند. دوره آموزشی به سرعت سپری شد و در توزیع نیرو، به عنوان سپاهی دانش در دهکده سردهلق که از توابع صحنه کرمانشاه بود جایابی شد.

خلاصه بعد از مدتی از ده مرخص شد و به تهران رفت. رشته ادبیات انگلیس را در دانشگاه ملی شروع کرد. در محضر استادانی چون دکتر سید صادق گوهرین که تفسیر مثنوی میگفتند و استاد عماد خراسانی که ترجمه میگفتند و استاد کریمان که ادبیات فارسی را تدوین میکردند آموزش دید.

پس از دوره لیسانس، وارد فوق لیسانس مدیریت آموزش و پرورش در دانشگاه تهران شد، در آنجا نیز استادانی چون دکتر کاردان، دکتر سرمه، دکتر نیساری، دکتر برهان منش، دکتر شریفی، ... حضور داشتند. سپس به فوق لیسانس علوم اداری در دانشگاه تهران رفت و آنجا هم از استادانی چون دکتر بشارت، دکتر اقتداری، دکتر صدقی، دکتر اکبری درس آموخت و در همین ایام کار خود را بصورت رسمی در وزارت کشاورزی آغاز کرد، شغلش کارشناس بهبود روشها بود. مدتی که در آنجا کار کرد رئیس اداره شد و چون علاقه وی به تدریس و تعلیم بیشتر بود به مرکز آموزش مدیریت دولتی که متولی آموزش مدیران است، منتقل و مربی آموزشی شد.

پس از عزیمت به آمریکا در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، فوق لیسانس و دکترای مدیریت دولتی گرفت. در آنجا فیلسوفی بود به نام راموس که برزیلی تبار بود. دکتر الوانی برای درک مطالبش سعی وافر می کرد و مقاله ی «نقد عقل ابزاری» بخشی از تأثیرات استاد راموس بر وی بود.

در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت. انقلاب تغییرات بسیاری در همه جا از جمله دانشگاهها به وجود آورده بود. با فراز و نشیب ها و برخی بی مهریها ساخت و مراتب مختلف دانشگاهی را طی کرد و در سال ۱۳۷۰ استاد شد و در سال ۱۳۷۶ به عنوان استاد نمونه انتخاب گردید. مدتی رییس دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی و زمانی هم مدیر گروه مدیریت دولتی بود، در این دوران بود که شروع به نوشتن کتاب و مقالاتی کرد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی می باشد.

آینده فضا نوردی در تسخیر زنان ایرانی



یاسمین مقبلی از زنان پیشگام ایرانی در عرصه فضا نوردی :

به نقل از دویچه‌وله، ۱۲ نفر که از میان ۱۸ هزار متقاضی شرکت در دوره دو ساله فضا نوردی ۲۰۱۷ ناسا انتخاب شده‌اند افزون بر یاسمین مقبلی، چهار زن و هفت مرد هستند. ناسا به تازگی در مراسمی رسمی این ۱۲ فضا نورد برگزیده خود را معرفی کرده است. یاسمین مقبلی متولد شهر "باد ناوهایم" در آلمان و بزرگ شده شهر بالدوین در ایالت نیویورک آمریکا است. در مراسم معرفی این گروه مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا نیز سخنرانی کرد. مقبلی پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان بالدوین، در رشته مهندسی هوافضا در دانشگاه پرآوازه "ام‌آی‌تی" ادامه تحصیل داد و از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. او همچنین از مدرسه عالی نیروی دریایی در ایالت کالیفرنیا مدرک کارشناسی ارشد در رشته هوافضا دریافت کرده است. به گفته ناسا، یاسمین مقبلی به هنگام گزینش برای شرکت در دوره فضا نوردی ۲۰۱۷ مسئول تست هلیکوپترهای اچ - ۱ و افسر تضمین کیفیت و ایوونیک (الکترونیک هوانوردی) گردان یکم عملیات و سنجش تفنگداران ایالات متحده آمریکا بوده و در شهر یوما در ایالت آریزونا مشغول به خدمت بوده است. یاسمین مقبلی که ۳۳ ساله است، دارای چهار نشان تقدیر نیروی هوایی، نیروی دریایی و تفنگداران، سه نشان کارایی و موفقیت نیروی دریایی و تفنگداران و چندین تقدیرنامه است.

او همچنین از فارغ‌التحصیل ممتاز دوره خود در مدرسه خلبانی بوده و جایزه برجسته فرمانده ویلی مک‌کول را برای این موفقیت دریافت کرده است. به گفته ناسا، مقبلی بیش از ۱۶۰۰ ساعت پرواز و ۱۵۰ ساعت مأموریت‌های مبارزه‌ای در کارنامه خود دارد. ناسا از سال ۱۹۵۹ تا کنون ۲۲ دوره آموزشی برگزار کرده است. در حال حاضر ۴۴ فضا نورد در خدمت این سازمان هستند. اعضای برگزیده دوره آموزشی ۲۰۱۷ بین ۲۹ تا ۴۲ سال دارند. یاسمین مقبلی دوره آموزشی فضا نوردی ناسا را در ماه اوت همراه با دیگر اعضای گروه آغاز خواهد کرد و پس از پایان دوره، تا زمان اعزام مأموریت به فضا مشغول انجام وظایف فنی در دفتر فضا نوردی خواهد شد. به گفته سازمان ناسا شمار تقاضاها برای شرکت در دوره آموزشی فضا نوردی ۲۰۱۷ بی‌سابقه بوده است. برای این دوره ۱۸ هزار نفر تقاضا داده بودند که نسبت به آخرین دوره در سال ۲۰۱۱ شمار متقاضی‌ها بیش از سه برابر بوده است. ناسا قصد دارد در سال ۲۰۲۱ قدرتمندترین موشک تاریخ را به فضا پرتاب کند. این موشک با نام "سامانه پرتاب فضایی (SLS)" قرار است فضا نوردان آمریکایی را به ماه ببرد. موشک یاد شده برای نخستین بار به صورت بدون سرنشین در سال ۲۰۱۸ آزمایش خواهد شد و سپس سه سال بعد دو فضا نورد آمریکایی با آن به ماه این موشک کپسول فضایی "اوریون" (تصویر شبیه‌سازی شده کامپیوتری) را با خود حمل می‌کند که ناسا برای پروازهای فضایی به ماه و مریخ با بودجه ۲۳ میلیارد دلاری طراحی کرده است. اوریون می‌تواند حداکثر شش فضا نورد را در خود جای دهد. در سال ۲۰۱۴ اوریون نخستین پرواز آزمایشی بدون سرنشین خود را با موفقیت پشت سر گذاشت.

پلیس های لامبورگینی سوار



دبی تنها شهری در دنیاست که پلیس‌های آن با لامبورگینی تردد میکنند. دلیل آن این است که بتوانند از ماشین های تندرو پولداران سریعتر بگذرند.

خدا حافظ سیگار :



دانشمندان در حال پژوهش برای تولید واکنشی ضد سیگار هستند. این واکنس از رسیدن نیکوتین به بخش لذت مغز جلوگیری کرده و در نتیجه لذتی که در سیگار کشیدن وجود دارد را از بین می برد.

ترفندی برای کاهش سرعت

برخی از کشورها در مسیرهایی که راننده باید در آن به آهستگی برانند، از نقاشی های سه بعدی استفاده میکنند تا راننده با خطای دید پدید آمده سرعتش را کم کند .



از همه جا سردتر !

آیا میدانستید؟

سردترین نقطه دنیا روستایی است در سیبری به نام اویمیاکن؛ جالب است بدانید دمای هوا در این روستا به ۶۸ درجه زیر صفر می رسد!



مناره سلجوقی گلبایگان :

یکی از بلندترین مناره های قرن پنجم هجری قمری است با پلکانی مارپیچ و همچنین دوکبیه در بالا و پایین که منقش به خط کوفی است .





در دانشگاه

میگم بد هم نیست حدائقل اینه که از بی کاری در میای سه چهار سال میری دانشگاه شاید یه چیزی هم شدی خدا را چه دیدی!

باید زود فرار کنم
اخه دنبالمند.

هی استن ، چرا
ترسیدی ؟

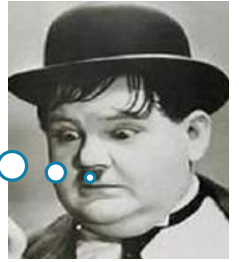
شروع



جدی میگی ؟
اونوقت اگه برم
دانشگاه میتونم
انگشتم را خودم
بشمارم ؟



دوباره چه خرابکاری
کردی ؟



جدی میگی تو هم میای
؟ حالا چه رشته ای
بریم البته فرقی نمیکنه
مهم اینه که بریم
دانشگاه من رشته
پرورش کرم خاکی را
خیلی دوست دارم

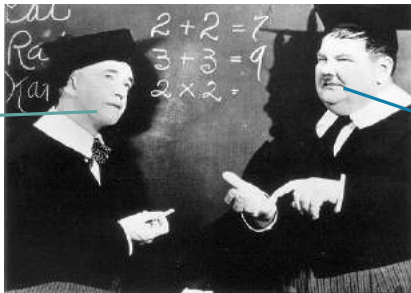


اون را که مطمئن
نیستم ولی خودم
هم باهات میام
ثبت نام میکنم
دو تایى بریم
دانشگاه

هیچی به خدا ! چند روز پیش رفتم
کافی نت برای یارانه ثبت نام کردم
حالا می گن دانشگاه قبول شدی



فکر کنم
بشه ۱۰
چون من ۱۰
تاانگشت
بیشتر
ندارم



هی استن !
بگو بینم حالا امروز
که سر کلاس
ریاضی مهندسی
هستیم ۵+۶ چند
میشه ؟

به حق حرف های نشنیده تو که تا
پنجم ابتدایی بیشتردرس نخوندی
تو را چه به دانشگاه خخخخخخ



من هنوز هم
میگم برگردیم
من مطمئنم
بالاخره تو
مدرک
میگیری !



هی البورا
بیا زودتر فرار کنیم
بریم از این شهر
من که گفتم
دانشگاه به درد ما
نمیخوره .

نمیدونم خودم هم نفهمیدم چطور
قبول شدم اخه من تو شمردن
انگشتم هم مشکل دارم



اره اولیور
جونم تازه
دارن بهم
زنگ میزنن
بیا فوق
لیسانس
ثبت نام کن



هی استن !
دیدى بهت
گفتم بالاخره
مدرک
لیسانستو
میگیری

خودم هم نخواستم برم اما الان توی پارک نشسته بودم
یهو دیدم یه ماشین جلو پام ترمز کرد خواستند به زور
ببرنم دانشگاه ثبت نامم کنن ولی من فرار کردم تازه یه
ماشین هم نبود چند تا ماشین بود از دانشگاه های
مختلف

خوب مگه
چییه ؟ نرو
ثبت نام کن



وای نه
خدای
من !

نه نه باید
بیای من فوق
لیسانس
میخوام





لورل و هاردی : نام زوج کمدین مشهور دهه‌های بیست تا پنجاه سینمای آمریکا است.

استن لورل متولد ۱۶ ژوئن ۱۸۹۰ در انگلستان است و اولیور هاردی متولد ۱۸ ژانویه ۱۸۹۲ در ایالات متحده است.

استن لورل و اولیور هاردی در سال ۱۹۱۹ در کمپانی فاکس قرن بیستم و در فیلم سگ خوشبخت (که در ۱۹۲۱ اکران شد) همکاری خود را آغاز کردند و سپس به استودیوی فیلم سازی هال روچ پیوستند. اما اولین فیلم دو نفره آنها «شلوار پوشاندن به فیلیپ» در سال ۱۹۲۷ آغاز همکاری رسمی این دو بود و این همکاری در حدود سی سال ادامه یافت.

طنزهای لورل و هاردی در زمان حیات ایشان هیچگاه نتوانست توجه منتقدین را به خود جلب کند و تنها فیلم جمعه موسیقی محصول ۱۹۳۲ توانست برنده جایزه اسکار فیلم کوتاه شود. اما بر عکس در میان مردم جهان طرفداران زیادی داشتند.

الیور لورل هاردی محل تولد : هارلم جورجیا تاریخ تولد : ۱۸ ژانویه ۱۸۹۲ تاریخ مرگ: ۷ اگوست ۱۹۵۷ در

سن ۶۵ سالگی



الیورنورل هاردی در ۱۸ ژانویه ۱۸۹۲ در هارلم جورجیا به دنیا آمد مادر و پدرش اسکاتلندی بودند، پدر الیور هاردی در جنوب جورجیا سر کارگر خطوط راه آهن بود و راه اندازی خطوط بین شهرهای جورجیا را به عهده داشت.

او در سال ۱۸۹۰ با امیلی مادر الیور که بیوه بود ازدواج کرد که در واقع دومین ازدواجش بود. امیلی ۴ فرزند داشت که با ورود الیور جمع بچه ها به ۵ رسید. الیور در کودکی بسیار شیرین و با مزه بود. خواهر و برادرهای ناتنی اش او را دوست داشتند و او را نورل خطاب می کردند وقتی ۱۰ ماهه بود در ۲۳ نوامبر ۱۸۹۲ پدرش به طور ناگهانی از دنیا رفت و مادرش زندگی را به تنهایی اداره می کرد. لذا برای سیر کردن شکم بچه ها در یک هتل در جورجیا مشغول به خدمتکاری شد. اما بد شانسی آورد و اخراج شد و به ناچار همراه خانواده به سوی آتلانتا حرکت کردند و به امید یافتن کار در آنجا سکنی گزیدند. امیلی خوشبختانه توانست در یکی از هتلهای آتلانتا کار بیابد. نورل همیشه دنبال مادرش بود زیرا کوچکترین عضو خانواده به شمار می رفت.



او از کودکی به آواز خوانی علاقه داشت. در هتلهایی که مادرش کار می کرد، آواز می خواند. صدای دلنشینی هم داشت. او مهمانان و مسافران هتل را سرگرم می کرد و آن ها هم برای تشویق او پول یا هدیه می دادند. وقتی امیلی علاقه و استعداد او را دید نورل ۸ ساله را در مدرسه موسیقی آتلانتا ثبت نام کرد. نورل علاوه بر موسیقی به ارتش و نظامی گری علاقه مند بود. او می خواست وارد ارتش شود اما خواهر ناتنی اش الیزابت او را تشویق کرد تا در همان مدرسه موسیقی بماند.

او تا سال ۱۹۱۰ در مدرسه موسیقی به تحصیل پرداخت. در آن زمان نادرش در هتل بالدوین سرپرست خدمتکاران شده بود. نورل در یک تئاتر متحرک (سینمای ابتدای آن زمان) مسئول راه اندازی و پروژکتور شد. همچنین آواز هم می خواند. به دلیل داشتن صدای صاف و دلنشینش عضو گروه آماتوری به نام قرن بیستم شد. همان زلمات نام الیور را که نام پدرش بود برای خود گزید. اما خانواده اش او را نورل صدا می کردند.

مادرش از اینکه می دید فرزندش در موسیقی موفق است خوشحال بود. مادرش می گفت: نورل کودکی بیش نبود که با هم نزدیک فال بین رفتیم. فال بین به او گفت روزی فرا رسید که نامت آوازه جهان خواهد شد. تو به زودی محبوب همگان در سراسر عالم می شوی. او در سال ۱۹۱۳ به فلوریدا رفت و در چند فیلم کوتاه بازی کرد و همچنین در کلوب های شبانه نمایشهایی همراه با آواز و رقص برگزار می کرد.

او در سن ۲۱ سالگی با مادلین سالوشین آشنا شد. او نیز آواز خوان اپرا و نوازنده پیانو بود، به این ترتیب اولین ازدواجش صورت گرفت. مدتی در فلوریدا زندگی می کرد و لقب babe را بر خود گذاشت او در این زمینه چنین نظری داشت در فلوریدا وقتی در تئاتر کار می کرد، برای کوتاه کردن موهایم به یک سلمانی نزدیک محل کارم می رفتم صاحب سلمانی یک مرد ایتالیایی بود که با لهجه خاصی انگلیسی حرف می زد.

با هم دوست شده بودیم. او وقتی موهایم را کوتاه می کرد و صورتم را اصلاح می نمود به من می گفت nice babe یعنی خوب شدی بچه. از همان زمان دوستانم مرا بچه صدا می زدند. الیور قد بلند و درشت هیکل بود ۱۸۵ سانتی متر و قد و ۱۳۶ کیلو وزن داشت. به گفته خودش خانواده اش درشت هیکل بودند.

او با قیافه ای بشاش و خنده رو، صورتی گشت آلود و شکمی بزرگ می توانست کمدین خوبی باشد. اما هیچگاه نمی توانست در نقش های منفی بازی کند زیرا صورتی مهربان و خونگرم داشت. الیور در فلوریدا متولد شد. او در سال ۱۹۱۶ در به نیوجرسی سفر کرد و در کمپانی فیلم سازی کینگ بی استخدام شد و به همراه گروه فیلم سازان به کالیفرنیا رفت تا در آنجا فیلم بازی کند. او در سال ۱۹۱۹ در جنوب کالیفرنیا سکنی گزید و فیلم های تجاری بازی کرد. در همانجا بود که به طور اتفاقی با استن لورل آشنا شد و به دلیل متضاد بودن اندامش توانستند در کنار یکدیگر طنز پردازان خوبی باشند و مورد توجه قرار گیرند.

لذا آن دو در فیلم سگ خوش شانس در واقع اولین فیلم شان بازی کردند و مورد تشویق مردم قرار گرفتند. این فیلم نقطه عطفی برای آشنایی این دو یکدیگر شد. این دو فهمیدند بهتر است در کنار هم به خلق فیلم های کمدی بپردازند. الیور با همسرش اختلاف سلیقه داشت لذا در سال ۱۹۲۱ از هم جدا شدند و با میرتل لی آشنا شد و ازدواج دومش پذیرفت. در سال ۱۹۲۶ الیور و استن یک قرار داد طولانی مدت با استودیوی هال روچ در هالیوود امضا کردند که سوپ اردک دومین فیلم شان بود. تا سال ۱۹۲۹ آن دو کمدین در ۱۳ فیلم خلق کردند. بعضی از فیلم هایشان صامت بود. متأسفانه الیور در دومین ازدواجش هم شانس نیاورد. میرتل زنی بی بند و بار و شراب خوار بود و بیشتر وقتش را در کافه ها می گذراند. از این رو الیور تصمیم به جدایی گرفت. او در آن زمان با ویولا مورس آشنا شد در سال ۱۹۳۱ استن و الیور در فیلم ما را ببخشید بازی کردند. در سال ۱۹۳۲ فیلم جمعه موسیقی را ساختند و هنر نمایی نمودند. این فیلم به دلیل بازی طبیعی و بی نظیر کمدی استن و لورل جایزه اسکار را دریافت کرد. از سال ۱۹۲۶ تا آن زمان لورل و استن بی وقفه در کنار هم کار کردند. ۷ سال کار پر در پی آن دو را خسته و تصمیم گفتند به سفر بروند. الیور به انگلیس رفت و از آنجا به اسکاتلند. سرزمین پدرش سفر کرد. او علاقه ای خاصی به بازی گلف داشت.

او در مدت سفرش توانست مدتی به ورزش گلف بپردازد. میرتل خود را به الیور رساند و تلاش کرد که رضایت او را جلب کند و با هم آشتی کنند. الیور هم به شرط اینکه میرتل دست از میخوارگی بردارد. زندگی مشترکشان را از سر گرفتند و با هم یک کشتی بخار به نیویورک رفتند. الیور در طی سفرش مورد استقبال مردم به ویژه خبرنگاران قرار گرفت. او فهمیده بود که دیگر یک ستاره سینما کمدی شده است. و از این موضوع خوشحال بود او به هر شهری که می رسید جمعیت زیادی برای دیدنش می آمدند و او را تمجید می کردند. مسافرت الیور ۶ هفته به طول انجامید.

او در این سفر متوجه شد که چه قدر به استن لورل علاقه دارد و نمی تواند حتی یک لحظه بدون او زندگی کند. در مدت ۱۲ سال کار با یکدیگر یک رابطه صمیمی و دوستانه میانشان به وجود آمده بود. آن دو جدا از همکاربودن مانند دو برادر یکدیگر را دوست داشتند و به هم احترام می گذاشتند. آن دو روز به روز میان مردم مشهورتر می شدند و طرفداران زیادی پیدا می کردند به گفته میرتل الیور اصلا حس نمی کرد فردی کمدی باشد اما ذاتا حالتی طنز داشت. در سال ۱۹۳۵ الیور و استن در چهار فیلم نقش آفریدند.

هنوز الیور با میرتل زندگی می کرد اما میرتل به قولش عمل نکرد و دوباره دست به مشروب خواری زد و به مکانهای نامناسب رفت و آمد داشت. مردم او را به عنوان همسر الیور می شناختند و از دیدن او ناراحت می شدند الیور هم شرمند بود از این رو سرانجام در سال ۱۹۳۷ به طور رسمی از هم جدا شدند. در سال ۱۹۳۸ به بعد در دو فیلم احمقها در آکسفورد و دو بد شانس در هواپیما را بازی کردند که یکی از جالب ترین فیلم هایشان محسوب می شد. علیرغم اینکه همه فکر می کردند الیور با ویولامورس ازدواج می کنند اما در سال ۱۹۴۰ هنگام تمرین فیلم احمقها در دریا با لوسیلا هنرپیشه هالیوود آشنا شد و با هم ازدوج کردند.

سال ۱۹۶۱ او برای یک عمر زندگی هنری اش موفق به دریافت جایزه اسکار افتخاری شد. او در زندگی خود ۶ بار با ۵ زن ازدواج کرد.

اولین همسر لورل Mae Dahlberg از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۵ بود

دومین همسر لورل Lois Neilson از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۴ بود

سومین همسر لورل Virginia Ruth Rogers از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ بود

در چهارمین ازدواج خود دوبار با همسر سومش Virginia Ruth Rogers از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ بود.

پنجمین همسر لورل Vera Ivanova Shuvalova از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ بود

ششمین همسر لورل Ida Kitaeva Raphael از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۵ بود

لورل آخرین سال‌های عمر خود را در آپارتمان کوچکی در اوشیناهتل در سنت مونیکا سپری کرد و وقت خود را به جواب دادن به نامه‌ها و تلفن‌های طرفدارانش می‌گذراند. سرانجام وی نیز در ۲۳ فوریه ۱۹۶۵ در سن ۷۴ سالگی چند روز پس از حمله قلبی درگذشت و در بخشی از وصیت نامه خود نوشته بود اگر کسی در مراسم درگذشت من گریه کند دیگر با او صحبت نخواهم کرد.

لورل وهاردی در پیری



همسر سوم استن لورل



همسر دوم استن لورل



همسر اول الیور هاردی



ششمین و آخرین همسر استن لورل



آن دو با کمپانی فوکس قرارداد بستند و به همراه گروه خود به اروپا سفر کردند. ابتدا به انگلیس رفتند و سپس به پاریس و در آنجا مرود استقبال گرم مردم روبرو شدند. بعد به هلند و در نهایت به سوئد سفر کردند و به هر کجا که پا می‌گذاشتند شادی و خنده را به ارمغان می‌آوردند. در سال ۱۹۵۲ الیور بیمار شد. درد در ناحیه چپ بدنش زندگی را برایش مختل کرده بود. لدار الیور و استن مجبور شدند به آمریکا بازگردند و به این ترتیب مسافرتشان ۹ ماه طول کشید.

او در می ۱۹۵۴ دچار حمله قلبی شد و پزشکان به او توصیه کردند که رژیم غذایی بگیرد. در ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۶ دوباره دچار حمله قلبی شد و حالش رو به وخامت رفت او حتی نمی‌توانست تکلم کند. در خانه بستری شد لوسیلا در کنارش بود. او در آگوست ۱۹۵۷ دچار چند حمله پی در پی قلبی شد و به حال کما رفت و دیگر چشم باز نکرد. الیور هاردی در ۷ آگوست ۱۹۵۷ در سن ۶۵ سالگی دیده از جهان فروبست و او را در باغ والهالا در قسمت شمالی هالیوود در قسمت هنرمندان دفن کردند. در مراسم تدفینش استن لورل بسیار بی‌تابی می‌کرد. او بهترین دوست و همکارش را از دست داده بود. البته استن لورل نیز در آن زمان از ناراحتی قلبی رنج می‌برد و پزشکان او را منع کردند که در مراسم تدفین الیور شرکت کند. اما استن لورل نمی‌توانست مرگ دوستش را فراموش کند.



قبر الیور هاردی



استن لورل: تاریخ تولد ۱۶ ژوئن ۱۸۹۰ آلورستون، کمبریج، انگلستان
تاریخ فوت ۲۳ فبریه ۱۹۶۵ سانتا مونیکا، کالیفرنیا، آمریکا
نام اصلی آرتور استنلی جفرسون Arthur Stanley Jefferson
قد: ۱٫۷۳



پدرش، علاوه بر بازیگری، نمایشنامه نویسی و کارگردانی، مدیر یک سالن نمایش تئاتر و مادرش هم یک بازیگر بود. به این ترتیب استن مانند «باستر کیتن» و «چارلی چاپلین از کودکی با دنیای نمایش آشنا بود و یک بازیگر غریزی شمرده می‌شد پس از آنکه استن در ۱۷ سالگی تحصیلاتش به اتمام رسید کار در سالن نمایش را با شور و شوق فرازینده‌ای آغاز کرد و در سال ۱۹۰۷ و دو سال بعد از «چاپلین» به گروه نمایشی معروف «فرد کارنو» پیوست که در سراسر انگلستان برنامه اجرا می‌کردند. در سال ۱۹۱۰ این گروه به آمریکا سفر کرد و «استن» جوان برای اولین بار پایش به این کشور باز شد. وی در همین زمان، مدتی هم اتاقی چاپلین بود که شخصیت وی، روی او و سبک کمدی اولیه اش بسیار تأثیر گذاشت. در دومین سفرش با گروه «فرد کارنو» به آمریکا در سال ۱۹۱۳، کارش مورد توجه یک تهیه کننده فیلمهای کمدی قرار گرفت و تصمیم گرفت در آمریکا بماند. او در اولین فیلمش با نام «دیوانه‌ها در ماه مه» به سال ۱۹۱۷ به قدری خنده دار و موفق ظاهر شد که تصمیم گرفت در سینمای کمدی باقی بماند و از این سال تا سال ۱۹۲۷ که با «الیور هاردی» زوج کمدی تشکیل داد، تقریباً در ۸۰ فیلم کوتاه ۲ حلقه ای ظاهر شد.

اما شخصیت کمیک استن در این سالها بسیار متفاوت با چیزی بود که در زوج لورل و هاردی دیده شد. او در این فیلمها به هیچ وجه آن شخصیت آشکارا کودن و ابله نبود، بلکه اتفاقاً برعکس آدم سریع، باهوش و پرتحرکی بود که برای زندگی بهتر و موفقیتش از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کرد و سماجتی فرازینده داشت. وی به دلیل اینکه مدتها در گروه (فرد کارنو) نقش علی البدل چاپلین را بازی می‌کرد، در حرکات بدنی و میمیکهای صورت و حتی حرکات دستها، بسیار از چاپلین تقلید می‌کرد. وی بیشتر بار کمدیش بدنی بود و خیلی کم از ترکیب چهره استثنایی اش بهره می‌گرفت، انگار هنوز آن مؤلفه های خارق العاده و بی نظیر صورتش در الفای کمیک بلاهت آمیز صورتش را پیدا نکرده بود. میمیک صورتش در بهترین حالات تقلیدی صرف از میمیکهای چاپلین بود و هنوز آن ادا و اطوارهای چهره ای وسیعی چون گریه های کودکانه، جمع شدن صورتش در گریه کردن، لبخندهای ابلهانه، سر خاراندنهای متمادی در حالت گیجی ... را در لورل نمی‌دیدیم. فاکتورهایی که بعداً آنها را در همبازی بودن با هاردی کشف کرد و باعث جذابیت و محبوب شدنش نزد مخاطب و منتقدان شد.

معماری سبز :

در چند دهه‌ی گذشته، معماران و سازندگان به دنبال سبز کردن پروژه‌هایشان از طریق عناصر متنوعی از قبیل صرفه جویی در مصرف آب و برق بوده‌اند. بسیاری از ساختمان‌هایی که دارای شرایط ویژه‌اند گواهینامه از انجمن ساختمان سبز ایالات متحده دریافت کرده‌اند. ایده‌ی «ساختمان سبز» به عنوان ایده‌آلی جدید برای طراحی و ساختمان سازی است. موج جدیدی از طراحی معماری در سال‌های اخیر در پاسخ به حرکت رو به رشد به سمت پایداری در هنر و کسب و کار شکل گرفته است. معماری سبز الهام گرفته شده از فرایندهای طبیعی زمین برای ساخت ساختمان‌هایی است که دوستدار طبیعت هستند. از بام‌های سبز گرفته تا پانل‌های خورشیدی تمامی سازه‌ها دارای خلاقیتی بی‌نظیر در حوزه‌ی طراحی معماری سبز هستند.

**معماری طبیعت گرا چیست ؟**

معماری طبیعت گرا سبک تقلیدی نیست بلکه تفسیری از اصول طبیعت برای ساخت فرم‌های طبیعی است. طراحان و معماران از طبیعت برای خلق آثارشان الهام گرفته‌اند. یا ارگانیک، سبک تقلیدی نیست بلکه تفسیری از اصول طبیعت برای ساخت فرم‌های طبیعی است. مهندسين، طراحان و معماران از طبیعت برای خلق آثارشان الهام گرفته‌اند. معماری ارگانیک بسط یافته‌ی طبیعت و اصولی است که به طور تحت اللفظی به معنای ارتباط بین ساختمان و محیط پیرامونش است به نحوی که ساختمان با سایت موجود ترکیب شده باشد. به بیان دیگر فلسفه‌ی معماری طبیعت گرا نمایش‌دهنده‌ی هماهنگی و سازگاری طبیعت، انسان و محل سکونت است و ترکیب کلی حجم معماری به نحوی است که فضای برون و درون با یکدیگر ادغام و یکپارچه و مصالح از طبیعت برگرفته شده است. فرم‌ها بازتابی از مناظر پیرامون و ویژگی‌های سایت است به طور مثال ساختمان‌هایی که به فرم کوه‌ها و سازه‌هایی که به شکل رودخانه‌ها و ابرها هستند. معماران به تقلید از طبیعت نه تنها برای یافتن روش‌های جدید ساختمانی بلکه به یافتن منابع جدید الهام بخش برای بیان زیبایی شناسی علاقه مند هستند.

**روانشاد مهندسی هوشنگ سیحون معمار بزرگ ایرانی :**

او خالق بناهای بی نظیری همچون آرامگاه پور سینا، نادر شاه افشار، خیام، کمال الملک، فردوسی و آثار ماندگاری دیگر بود.

استاد هوشنگ سیحون معروف به پدر معماری مدرن ایران در سال ۱۲۹۹ و در خانواده‌ای اهل موسیقی به دنیا آمد. پدر بزرگ او میرزا عبدالله فراهانی بنیانگذار موسیقی سنتی و معروف به پدر موسیقی سنتی ایران بوده است. این معمار و نقاش معروف ایرانی، استاد معماری و رئیس سابق دانشگاه هنرهای زیبا دانشگاه تهران بود. او پس از پایان تحصیل معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به دعوت آندره گذار، رئیس اداره باستان‌شناسی وقت ایران، برای ادامه تحصیل راهی پاریس شد و در دانشسرای عالی ملی هنرهای زیبای پاریس بوزار طی حدود ۳ سال تحت تعلیم اوتلو زاوارونی، به تکمیل دانش معماری خود پرداخت و در سال ۱۹۴۹ به درجه دکتری هنر رسید. او در بازگشت به ایران در سن ۲۵ سالگی نخستین اثر معماری خود، بنای یادبود آرامگاه بوعلی سینا را طراحی کرد.

وی در نقاشی نیز صاحب سبک بوده است. به گونه‌ای که در سال ۱۹۷۲ میلادی به همراه نقاشانی صاحب نام و معروف از جمله پیکاسو و سالوادور دالی، در نمایشگاهی در ماساچوست شرکت کرد و با کارهای پر پیچ و تاب خطی اش توجه همه منتقدان را به خود جلب کرد. نقاشی‌های او به گونه‌ای است که در آنها هیچگاه خطوط یکدیگر را قطع نمی‌کنند و هنوز کسی نیست که طرحی مانند نقاشی‌های او خلق کند.

برخی از افتخارات و جوایز هوشنگ سیحون:

- کسب رتبه اول در مسابقه دولت و راه آهن ایران (طرح ساختمان ایستگاه راه آهن)

- کسب رتبه اول در مسابقه طراحی آرامگاه بوعلی سینا

- یک دوره ریاست دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران- عضو شورای ملی باستان‌شناسی

- عضو شورای عالی شهرسازی- عضو شورای مرکزی تمام دانشگاه‌های ایران- عضو کمیته

بین‌المللی ایکوموس Icomos- مسئولیت مرمت بناهای تاریخی ایران، به مدت ۱۵ سال- شهروند

افتخاری فرانسه

برخی از آثار هوشنگ سیحون :

- آرامگاه بوعلی سینا

- آرامگاه خیام

- آرامگاه کمال الملک

- طراحی بنای موزه توس

- ساختمان بانک سپه واقع در میدان توپخانه تهران

- سازمان نقشه برداری کل کشور

- کارخانه نخ‌ریسی کوروس اخوان

- کارخانه آرد مرشدی

- سینما آسیا

- سینما ساترال

- کارخانه کانادادرای (زمزم فعلی) در تهران و اهواز

- و حدود ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی

وی در ۵ خرداد سال ۱۳۹۳ در سن ۹۳ سالگی دار فانی را وداع گفت.

**معماری یخی چیست؟**

در برخی از سردترین نقاط جهان، طراحان و معماران از یخ و برف برای ساخت هتل‌های یخی، پاپیون‌ها و سایر سازه‌های موقتی استفاده کرده‌اند. تعداد اندکی از بناهای معماری یخی ساخته شده تا پایان زمستان باقی می‌ماند اما بسیاری از آن‌ها در اندک زمانی که ایستا هستند بسیار عجیب و خارق‌العاده‌اند. سازه‌هایی که در فستیوال‌هایی از یخ و برف هر ساله ارایه شده عبارت است از مجسمه‌ها، برج‌ها و کنده‌کاری‌های عظیمی که شاهکارهای معماری زیبایی هستند که از بلوک‌های یخی خلق شده‌اند. دنیای معماری یخی و برف شامل منظره‌های شهری و حتی قلعه‌هایی است که از یخ درست شده‌اند و در شب این دنیای یخی با چراغ‌های نئونی درخشنده خواهد شد.

خدا حافظ فرمانده

حالا چند سالی از آن روزگار میگذشت پدر از دنیا رفته بود واز او فقط قاب عکسی برای او و مادر پیرش به یادگار مانده بود که همان عکس هم گاه گاهی مخاطب او می شد برای بیان حرفها و آرزوهایش برای شنیدن درد دلها و دردهای ناگفته اش مونسى برای تسلاى قلب رؤف اش

خیلی چیزها تغییر کرده بود اما آنچه هیچ تغییر نکرده بود آرزوهای او بود که هنوز به واقعیت تبدیل نشده بود سن و سالش حالا بیست سال را هم رد کرده بود تا اینکه خبر دار شد دشمنی غدار و تا بن دندان مسلح ناعادلانه بر این سرزمین و مردمانش تاخته و مردمی که جز چند سلاح ساده و ابتدایی چیزی نداشتند با تمام وجود برای خاک و ناموس و وطنشان غیور مردانه جلوی دشمن قد علم کرده اند او هم طاقت نداشت چرا که هر روز عکس هم بازی های دوران بچگی را می دید که بر در و دیوار نقش بسته و یکی پس از دیگری شهید می شوند پس مادر را به خدا سپرد و دل به جاده زد و راهی جبهه شد درست است که از جنگ و خونریزی بدش می آمد اما این بار حرف خاک مقدس سرزمینش بود و باید میرفت .

چند صبحی را در جبهه و جنگ گذراند و دیری نپایید که به خاطر هوش و استعداد سرشارش و شجاعت مثال زدنی اش تبدیل به یکی از فرماندهان جنگ شد و فرماندهی یک گروهان از غواصان را بر عهده گرفت البته در آن روزگار چون حرف گلوله و تیر و تفنگ بود همه به جوانها اعتماد میکردند و همین امر باعث شده بود اکثر فرماندهان جوان و خوش فکر باشند درست بر خلاف حالا

بگذریم ، او حالا یکی از فرماندهان شجاع و بی بدیل جنگ بود و همه به نام فرمانده او را می شناختند خیلی تحویل اش میگرفتند و اعتبار و آبروی خاصی بین همه ی هم زمانش برای خود دست و پا کرده بود ولی همچنان ساده بود و بی ادعا درست مثل بچگی ها

عملیات پشت عملیات ، موفقیت پشت موفقیت ، فرمانده خدا را شکر میکرد که توانسته افتخاری برای کشورش باشد تا مردمش آرام و بی دغدغه با هر دین و گرایشی کنار هم زندگی کنند تا اینکه در یکی از عملیات ها او و یارانش در محاصره دشمن گرفتار آمدند فرمانده خیلی تلاش کرد تا خودش و یارانش را از مهلکه برهاند ولی هر چه تیر داشت به سنگ خورد تا آخرین گلوله جانانه ایستاد خیلی از یارانش جلو ای در سلاح و بالاخره اسیر شد با دستهای بسته و تنی زخمی آری او اسیر شده بود.

فرمانده هنوز ناامید نبود و امید به راهی در تمام وجودش فوران میکرد او امید داشت که خودش و یارانش از مهلکه نجات یابند ولی دشمن هم به این سادگی ها راه را برای فرار باز نمی گذاشت .



سرباز دشمن همه دستهای اسرا را با وحشیگری تمام بست هر آنچه لیاقت خودش و دوستانش بود به فرمانده و یارانش گفت از دشنام گرفته تا تحقیر و تنبیه سرباز عراقی با ته قنداق تفنگ و گاهی با پوتین فرمانده و یارانش را میزد و فرمانده سخت ناراحت می شد وقتی می دید یارانش که عده ای از آنها هم زخمی و پر از خون بودند چنین زیر آماج کتکهای دشمن دست و پا میزدند ولی کاری از دستش ساخته نبود عده ای از یارانش ساعتها بود آب نوشیده بودند و لبهای خشکشان از شدت تشنگی ترک خورده بود و هر چه طلب آب میکردند اصلا انگار نه انگار ، گوشی برای شنیدن وجود نداشت و وجدانی برای ناراحت شدن چند ساعتی گذشت فرمانده و یارانش با دستهای بسته با همان لباسهای غواصی بدون آب و غذا پشت خاکریز دشمن روی خاکها افتاده بودند چرا که همه آنها زنجیر وار دستپایشان به یکدیگر بسته بود و امکان جدا شدن وجود نداشت فرمانده آرام آرام دشمن را نظاره میکرد نمیدانم در ذهنش چه میگذشت شاید فکر میکرد تا دقایقی دیگر خوردو دشمن آنها را سوار میکند و آنها را به یکی از اردوگاههای اسرا پشت جبهه میبرند.

سن و سالش خیلی کم بود هنوز آنقدر ها بزرگ نشده بود تا بفهمد دور و برش چه می گذرد او هنوز در عالم بچگی سیر می کرد و تمام دنیا را در خانه ایی کلنگی میدید که از پدر بزرگ برایشان به یادگار مانده بود خانه ایی که دور تا دور حیاطش پر بود از گل های اقیاقا در میان درختان کهسنال سر به فلک کشیده و حیاطی بزرگ و سنگفرش شده که حوض بزرگ آب با ماهی های قرمزش در میان آن خود نمایی میکرد حیاطی که گاه گاهی میدان بازی او و هم سن و سالهایش که همان بچه های همسایه ها بودند می شد.



آنها اهل بالای شهر نبودند بلکه خانه آنها درست در پایین شهر بود پایین پایین شهر پایین تر از آنچه فکرش را بکنی اما خانه آنها ساده و بی آرایش بود خانه ایی دوست داشتی و به دور از هرگونه تجملات راستش را بخواهید ساکنان خانه از خود خانه هم ساده تر و بی آرایش تر بودند آدم های پاک و صادقی که صداقتشان را حتی در قصه ها هم نمی توان یافت آدم های دوست داشتنی که صداقت و مهربانی در تمام وجودشان موج می زد .

او هم مثل همه هم سن و سالهایش بازی های ساده و کودکانه تمام وقت اش را پر کرده بود بازی هایی که هر روز جذاب و جذاب تر می شد و در ذهن او هر لحظه جز پیدا کردن راهی برای بهتر بازی کردن با هم سن و سال هایش چیز دیگری نمی گذشت پدری داشت زحمت کش و دوست داشتنی که کارگرساده معدنی بود در نزدیکی های شهر هر روز آفتاب طلوع نکرده بقیه غذایی را که مقداری غذا ، نان و پیاز در آن بود داخل خورجین دوچرخه ۲۸ قدیمی اش می گذاشت و از خانه خارج می شد و شب هنگام وقتی همه خواب بودند خسته و بی رمق به خانه پر مهر و محبت شان باز می گشت و بدون این که سرو صدایی کند که مبادا بچه ها بیدار شوند آرام آرام دست و صورت سیاه و پر گرد و غبارش را می شست و بر سر سفره ایی که گاهی اوقات غذایی هم سرد شد بود می نشست و بعد از خوردن غذا خدا را شکر میکرد و باز هم بی سر و صدا دوباره روی تخت زیر درخت گردوی قدیمی به خواب می رفت تا فردا خدا چه خواهد ، او میدانست پدرش چقدر زحمت می کشد چرا که کار کردن در معدنی قدیمی در اعماق زمین کار بسیار سخت و طاقت فرسایی است این را راحت می شد از روی دستهای پینه بسته پدر فهمید اما او به پدر افتخار می کرد و اندازه تمام دنیا پدرش را دوست می داشت .



بگذریم ، تابستان خانه آنها حال و هوایی دیگر داشت چرا که حیاط خانه پر می شد از صدای های و هوی بچه هایی که برای شنا در حوض خانه آنها جمع شده بودند چرا که محله آنها محله ای فقیر نشین بود که بچه هایش مثل بچه های بالای شهر پولی برای تفریح و سرگرمی های نو وامروزی نداشتند و خبری از استخر مجهز و شهر بازی و نبود تنها استخر شیک محله ، حوض خانه آنها بود در میان همه ی بازی های دوران کودکی او از همه بیشتر بازی در آب را دوست داشت چرا که همیشه دوست داشت وقتی بزرگ شد غواص شود غواصی کارآموده و چیره دست که همیشه در آبهای عمیق و پرعمق شنا کندو همیشه در عمق اقیانوس ها با مخلوقات که خداوند در آنجا خلق کرده آشنا شود او این آرزو را هر شب و روز در سر می پروراند حتی در نقاشی های او هم این آرزو کاملا مشهود بود دریایی به رنگ آبی و غواصی در میان آن با پرچمی سه رنگ در کنار ساحل پرچمی سه رنگ و زیبا نماد مردم دوست داشتنی سرزمینش ایران

از کربلای حسین (ع) تا عملیات کربلای ۴ ایران

حماسه کربلای ۴ چه بود؟

چهار منطقه شلمچه، ابوالخصب، مقابل ام‌الرصاص و جزیره مینو برای انجام این عملیات بزرگ انتخاب شد. غواص‌های خودی ساعتی قبل عملیات به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کردند. در این میان، نیروهای دشمن که کاملاً آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای ایرانی شلیک می‌کردند. در مجموع، عملیات خارج از کنترل و هدایت فرماندهی قرار گرفته بود و قبل از هر دستوری یگان‌ها با توجه به نوع وضعیت و هوشیاری و عکس‌العمل دشمن به محض رسیدن به ساحل، درگیری را آغاز می‌کردند. در این حال، رمز عملیات کربلای ۴ اعلام شد و نیروهای عمل‌کننده فقط توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام‌الرصاص، ام‌البابی و بلجانیه نفوذ کنند. در مقابل، نیروهای دشمن با پرتاب پی در پی منور و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عرایض (عقبه برخی از یگان‌ها) و همچنین اجرای آتش موثر روی رودخانه ارون، عملاً سازمان غواص‌ها و نیروهای موج دوم و سوم را به هم زد.

یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام‌الرصاص و نوک بوارین بود که به رغم تلاش بسیاری که برای تصرف آن انجام شد، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک پرحجم تیربار روی آب، از عبور نیروها از تنگه ام‌الرصاص - بوارین جلوگیری کرد. به خاطر حساسیتی که دشمن نسبت به ام‌الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره می‌برد، به طوری که هرگاه از هر خط عقب رانده می‌شد، در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت، مقاومت می‌کرد. در نهایت به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آبی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

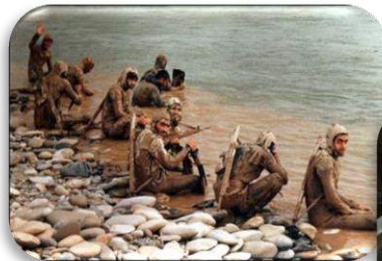
عملیات کربلای ۴ هیچگاه مظلومیت و شجاعت رزمندگان را فراموش نمی‌کند. عملیاتی که رادارهای آمریکائی به جبران قضیه مک فارلین، تمام جزئیات عملیات را به عراقی‌ها داده بودند. رمز عملیات یا محمد(ص) بود که ساعت ۲۲:۴۵ روز سوم دیماه سال ۶۵ اعلام شد. مظلومیت شهدای عملیات کربلای چهار تداعی کننده غربت و مظلومیت اباعبدالله‌الحسین(ع) و یاران باوفایش در روز عاشورا است.

جزیره ام‌الرصاص کجاست؟

جزیره ام‌الرصاص یکی از جزایر ارون رود است که شاهد چندین عملیات بزرگ در طول سال‌های جنگ تحمیلی بوده است. این جزیره که به عنوان یکی از جزایر استراتژیک عراق، همواره جزو برخی محورهای عملیاتی رزمندگان دفاع مقدس قرار می‌گرفته، شاهد شهادت بسیاری از رزمندگان بوده است. عملیات کربلای ۴، عملیات والفجر ۸ و تک ایذایی والفجر ۸ در منطقه ام‌الرصاص به عنوان بخشی از عملیات‌های آبی-خاکی جنگ، مورد توجه بوده و ام‌الرصاص را نیز درگیر کرده است. شهدای زیادی از عملیات دو روزه کربلای ۴ تا عملیات ۷۵ روزه والفجر ۸ به عنوان طولانی‌ترین عملیات هشت سال جنگ تحمیلی در این جزیره به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) اقتدا کردند و آسمانی شدند و پیکرهای مطهر برخی از آن‌ها به خاطر شرایط منطقه و درگیری شدید آنجا باقی مانده و نیروهای خودی توانستند آن‌ها را بازگردانند. نام این شهدا سال‌ها در شمار شهدای مفقودالآثر جای گرفت.



سربازان دشمن حالا کم کم دور هم جمع می‌شدند فرماندهان آنها هم یکی یکی به آنها اضافه می‌شدند و به طرف اسرا می‌آمدند و فرمانده و یارانش را با وحشیگری تمام به زور کتک و سرنیزه به حرکت درآوردند خیلی از یاران فرمانده دیگر توان نداشتند و بقیه به ناچار جور آنها را میکشیدند و آنها را با خود میبردند به مکانی رسیدند که گودالی بزرگ حفر شده بود به عمق دو الی سه متر، فرمانده باز هم متعجب مانده بود و نمی‌دانست در فکر دشمن چه میگذرد دیگر نزدیک‌های ظهر شده بود و آفتاب گرم و سوزان تاب و توان همه رابره بود دیگر چشمهای فرمانده هم درست نمی‌دید از شدت خستگی و بی‌خوابی آنها را به زور باز نگاهداشته بود ناگهان صدایی مهیب و وحشتناک بلند شد همه ساکت شدند نفس‌ها به شمارش افتاد آری فرمانده عراقی بود که دستوری به زیر دستهایش داد فرمانده دید سربازها آمدند یکی یکی فرمانده و یارانش را داخل گودال پرتاب کردند یکی دو تا از یاران فرمانده که به شدت زخمی بودند با همان پرتاب شدن جان دادند و این را از روی بدنشان که تکانی نمیخورد می‌شد فهمید نوبت فرمانده رسید که سرباز بی‌رحم عراقی با وحشیگری خاصی او را به داخل گودال پرتاب کرد فرمانده خواست دستها را حایل کند ولی دستهای بسته بود فرمانده به ناچار با صورت بر زمین خورد تمام صورت او غرق در خون شد پای فرمانده هم به شدت درد گرفت انگار پایش هم شکسته بود فرمانده روی زمین چرخی خورد و چشمهای غرق به خونسش را باز کرد درست نمی‌دید چرا که خاک و خون جلوی دید او را گرفته بود اما از همان روزنه کوچک چشم هایش دهانه گودال را نظاره میکرد یاران یکی پس از دیگری به داخل گودال پرتاب می‌شدند صدای ناله و گریه تمام دشت را فرا گرفته بود اما از همه بیشتر صدای غرش بولدزرها بود که به گوش میرسید فرمانده با کمال تعجب دید که اولین بولدزر خاک را داخل گودال ریخت صدای ناله بچه‌ها بیشتر شد و فرمانده کاری از دستش ساخته نبود نفس کشیدن سخت تر و سخت تر می‌شد صورت فرمانده و یارانش را خاک فرا گرفته بود فرمانده در این لحظه‌های آخر فکر و ذکرش مادر پیرش بود که حالا بعد از او چه بر سرش می‌آمد ولی وقتی نگاه به هم رزمان خود که هر کدام چندین و چند چشم انتظار داشتند که منتظر آمدنشان بودند حتی برخی از آنها بچه‌های کوچک داشتند که منتظر آمدن بابا بودند میدوخت دلش کمی تسلا میگرفت کم کم صدای ناله‌ها کمتر شد صدای بولدزرها هم به گوش نمیرسید گرد و غبار هم فروکش کرد آری فرمانده و یارانش برای همیشه زیر خروارها خاک مدفون شدند فرمانده برای همیشه رفت با تمام آرزوهایش گویا آرزوهای فرمانده هم با او مدفون شد.



خدا حافظ فرمانده میدانم که برای دفاع از خاک مقدس کشور جان دادی ولی ای کاش به این زودی‌ها از بین ما نمریفتی ای کاش بودی و میدیدی چطور بعضی‌ها از نام و نشان شما برای خود دکان ساخته اند وای کاش ادم‌های بزرگ و دوست داشتنی مثل شما هنوز در جامعه ما بودند تا بار سنگین تنهایی را کمتر به دوش میکشیدیم ولی فرمانده اگر هر روز تنها و تنها تر شویم اگر تزویر و ریا تمام جامعه رافراگیردو اگر ریشه نفاق و درویی روز به روز بیشتر شود باز هم کار تو ستودنی است و من و هم سن و سالهایم سر تعظیم در مقابلت خم میکنیم و به یادت میمانیم .

دوستت دارم فرمانده.....

ابراهیم ابراهیمی

سگته مغزی از نمای نزدیک

سگته مغزی، زمانی اتفاق می افتد که رگی خونی در مغز مسدود یا منفجر شود
 علائم:
 سردرد بدون علت - سرگیجه موقع راه رفتن
 بروز مشکل ناگهانی در صحبت کردن



گازوئیل در نوشابه های گازدار!

برای گازدار کردن نوشابه ها از سوخته های فسفیلی استفاده میشود که یکی از آنها گازوئیل است! این گاز استخوان را نابود میکند!



هرگز آدامس نجوید!

اگر در دندانهایتان پرکردگی هایی از جیوه دارید، بدانید جویدن آدامس با دندان پر شده میتواند موجب آزادسازی نورو توکسین که نوعی "سم" است و به عصب آسیب می رساند، شود!



مهمترین علت سندرم مرگ ناگهانی شیرخواران خواباندن شیرخوار به روی شکم است و باید به طور جدی از آن پرهیز نمود



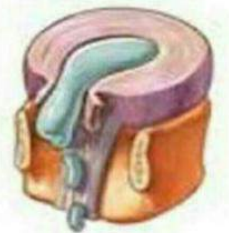
تخریب دیسک



بیرون زدگی دیسک

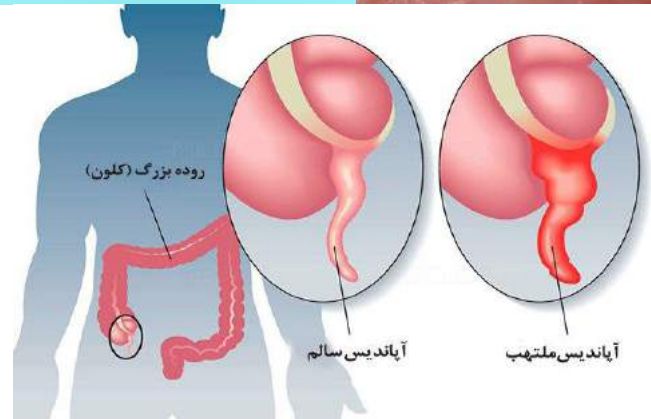


پارگی دیسک



جدا شدن دیسک

انواع دیسک کمر
 برحسب شدت
 آن



برعکس تصور اکثر مردم آپاندیس عضو اضافی و بی فایده ای نیست! در آپاندیس باکتری های مفیدی وجود دارند که می توانند سیستم ایمنی بدن را در هنگام ابتلا به اسهال خونی و ویا، تقویت کنند!

به طور کلی مردان بیشتر از زنان درگیر سرماخوردگی می شوند.



علت این مساله آن است که هورمون استروژن، زنان را در برابر ویروس آنفولانزا و سرماخوردگی مقاومتر می کند.



اگه تو ماشین حالت تهوع دارید واستفراغ میکنید، قبل از سوار شدن اتمکه زنجبیل تازه بخورید تا خیالتون از بابت استفراغ راحت بشه وحالت تهوعتون از بین برود



هسته ی زردآلو حاوی میزان زیادی ویتامین B17 است که در بدن ما به عنوان ماده ای ضد سرطان عمل می کند این ویتامین برای پیشگیری از این بیماری و همچنین درمان آن مؤثر است.



کنسرو ها بدن را دچار کم خونی میکنند!
 در کنسرو ها از مواد نگهدارنده به نام « ادتا » استفاده میشود که بدن انسان را دچار کم خونی و فقر آهن میکند.

چند راه طبیعی برای دندان درد

هیچ دردی را نمی توانید با آن قیاس کنید؛ وقتی می گیرید، تمرکز، آرامش و حواس تان را فلج می کند و رمق انجام هیچ کاری را برای تان باقی نمی گذارد. دندان درد؛ همان دردی که بعید است بارها و بارها گریبان شما را نگرفته باشد و یک روز آرام را برای تان سیاه نکرده باشد .

اگر برای آرام کردن دردهای گاه و بی گاه دندان، همیشه انواع مسکن ها و اسپری های بی حس کننده را در کابینت آشپزخانه نگه می دارید، این مطلب را بخوانید . ما برای آرام کردن درد شما، نسخه های طبیعی، ارزان و بی ضرورتی را در اختیار داریم. پس به این نسخه ها اعتماد کنید و همه داروهای پرضرری که به خاطر ترس از دندان درد در خانه نگه داشته اید را دور بریزید .

داروی شماره یک

روغن میخک : میخک، یک داروی گیاهی برای تسکین دندان درد است. در این گیاه، یک مسکن طبیعی وجود دارد که البته در صورت استفاده درست، به آرام شدن درد شما کمک می کند. اگر بافت لثه یا زبان تان حساس باشد، ریختن روغن روی منطقه دردی می تواند حال تان را بدتر کند، پس برای گرفتن نتیجه دلخواه تان از این روش کمک بگیرید :

دو قطره از روغن میخک را روی یک پنبه بریزید و آن را تا زمان فروکش کردن درد، پشت دندان تان قرار دهید. اما می توانید سراغ راه طبیعی تری هم بروید. کافی است یک دانه میخک را آنقدر بجوید که روغنش بیرون بیاید . میخک را می توانید به مدت نیم ساعت یا تا زمانی که دردتان آرام بگیرد، در دهان خود نگه دارید .

داروی شماره دو

مسکن زنجبیل و فلفل

زنجبیل و فلفل هر دو داروهای ضد درد هستند. شما می توانید هر کدام از این دو ادویه را به طور جداگانه مورد استفاده قرار دهید، چراکه هر دوی این مسکن ها، پیام تسکین درد را به مغز می فرستند. اما برای گرفتن نتیجه بهتر، می توانید مخلوطی از این دو ادویه را تهیه کنید. از روش زیر کمک بگیرید :

میزان مساوی از این دو ادویه را با آب مخلوط کنید و یک سس بسازید. توپ کوچکی از پنبه درست کنید و به میزان کافی به سس مورد نظر آغشته اش کنید. بعد هم آن را درست روی دندان تان (جایی که لثه و زبان شما به آن برخورد نکند) بگذارید و تا زمان فروکش کردن درد یا حداقل تازمانی که طاقتش را دارید، پنبه را از دهان تان خارج نکنید .

داروی شماره سه

محلول آب نمک

نمک یک ضدعفونی کننده قوی است؛ پس اگر درد دندان شما به خاطر عفونت ایجاد شده باشد، استفاده از نمک می تواند زودتر از هر راه دیگری شما را آرام کند. آب نمک دور دندان را ضدعفونی می کند و مایع هایی که باعث التهاب می شوند را خارج می کند. از این روش درمانی می توانید هر زمان که به آن نیاز پیدا کردید، به روش زیر استفاده کنید :

یک قاشق چای خوری نمک را در یک فنجان آب جوش حل کنید تا داروی فوق العاده ای بسازید. این محلول التهاب را کم کرده و بقایای آلودگی را از دهان شما پاک می کند. ۳۰ ثانیه آن را در دهان تان بچرخانید و بعد بیرون بریزید. اگر هم حوصله درست کردن آب نمک را ندارید، یک سرم نمکی از داروخانه بخرید و تا چند روز از محلولی که در سرم وجود دارد غرغره کنید .

عصبانیت و عوارضش رو دست کم نگیرید!

- ☞ تاثیر عصبانیت بر سلامت بدن
- ☞ زخم معده و سرگیجه
- ☞ سر درد و فلج اعضاء
- ☞ از دست دادن توده عضلانی
- ☞ لختگی خون و سکنه مغزی
- ☞ بیماریهای قلبی و تنگی نفس



اثرات عجیب «خنده»

- ☞ بهبود زخم ها را تسریع میکند
- ☞ قلب و عروق را ورزش میدهد
- ☞ دستگاه ایمنی را تقویت میکند
- ☞ هورمون های استرس را میکاهد
- ☞ گردش خون را افزایش و مواد زائد سلول ها را خارج می کند.



هر ته سیگار بعد از بارش باران ۱ متر از خاک اطرافش را آلوده میکند و بعد از سالها در آن خاک دیگر گیاهی رشد نمی کند!

ته سیگار را به امید تجزیه شدن پرت نکنیم.



سماق لثه را تقویت و از خونریزی معده جلوگیری می کند. به دلیل داشتن تانن فراوان قابض و پاک کننده معده می باشد.



مطالعات منتشر شده نشان داده است که نشستن بیش از سه ساعت در روز احتمال مرگ را افزایش می دهد. هر ساله ۴۳۰ هزار مرگ در ۵۴ کشور جهانی بر اثر نداشتن فعالیت و زندگی ساکن اتفاق می افتد.



یکی از بهترین بی حس کننده ها و مسکن های طبیعی درد دندان خیاره که باعث ازبین رفتن درد دندان میشه، یک برش خیار خُتک را روی دندان قرار بدید تا آرام بشه..



مناره شهر گلبایگان :

در زمره بلندترین مناره‌های قرن پنجم هجری قمری است. منار گلبایگان دارای دو در است و در درون آن پلکانی تعبیه شده است. قسمت‌های پایین و بالای مناره مرمت گردیده و دارای کتیبه آجری است که این کتیبه به خط کوفی نوشته شده و فاقد تاریخ می‌باشد و متن کتیبه آن از آیات کلام الله مجید است.

این مناره با قدمتی حدود ۹۰۰ سال در برابر عوامل طبیعی (زلزله، باد، باران، سرما و گرما) سرفراز برجای مانده است و از جمله بلندترین مناره‌های ایران می‌باشد. دو راه پله دارد که بصورت دورانی با ۶۴ پله به بالای مناره می‌توان صعود کرد.

این مناره از زمان سلجوقیان می‌باشد که ساختمان آن را احتمالاً با ساختمان مسجد جامع و بازار چهارسوق همزمان می‌دانند. گفته می‌شود این مناره برای راهنمایی کاروانیان بوده و بالای آن چراغ نصب می‌کرده‌اند و در جنوبی چهارسوق از جلوی مناره شروع می‌شده است.

بازار چهارسوق گلبایگان :

بازار چهارسوق با دهانه‌ای وسیع و طاق بندی و سقف ضربی آجری سبک بناهای سلجوقی را داشته. چهارسوق از یک طرف روبروی مناره شهر گلبایگان و از طرف دیگر به مسجد جامع شهر راه دارد. نزدیکی بازار و مسجد و نقش آن در جامعه قابل بررسی می‌باشد. امروزه بازار جدید و بزرگ گلبایگان در پیرامون بازار چهار سوق گسترش یافته است و این بازار تاریخی را احاطه کرده است.

بازار سنتی گلبایگان همانند بازارهای شهرهای قدیمی ایران دارای طاق های گنبدی ضربی آجری با گوشه های جالب است و به آجرکاری‌های دوران صفوی در بازار بزرگ اصفهان شباهت دارد. بازار سنتی گلبایگان شامل بازار مسگرها، کوزگرا، فرشروشان، بازار گیوه دوزان، بازار اصلی و تعداد زیادی پاساژ می باشد.

مسجد جامع گلبایگان :

مسجد جامع گلبایگان از مساجد مهم تاریخی دوران سلجوقی و از مساجد بزرگ ایران زمین است که با توجه به تاریخ ساخت آن شاید بتوان گفت معماری ایرانی - اسلامی این مسجد الگویی بوده است برای ساخت مسجدهای بزرگ دیگر بویژه مناطقی که در قلمرو حکومت سلجوقیان بودند. و در سال ۵۰۸ هجری قمری، در دوران حکومت ابوشجاع محمدبن ملکشاه سلجوقی بنا شده است.



پیش از آن به استناد نام ابوشجاع که در کتیبه دور گنبد است، زمان ساخت مسجد گلبایگان را بین سال‌های ۴۹۸ تا ۵۱۲ هجری قمری، یعنی دوران حکومت وی، می‌دانستند تا این که باستان شناسان با خواندن کتیبه‌های محراب دریافتند که بخشی از کتیبه‌ها در زیر کف شبستان مسجد است و به احتمال قوی تاریخ بنا هم روی آن نوشته شده است. چنین بود که تاریخ دقیق ساخت مسجد روشن شد.

مسجد جامع گلبایگان به دستور ابونصر ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بابا عبدالملک ساخته شده و نام این شخص در ۲ جای مسجد، یکی در کتیبه دور گنبد و دیگری در حاشیه محراب درج شده است.

امامزاده هفده تن :

امامزاده هفده تن مربوط به دوره صفوی است و در گلبایگان، خیابان هفده تن واقع شده و این اثر در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۱۶ با شماره ثبت ۲۹۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

**ارگ گوگد :**

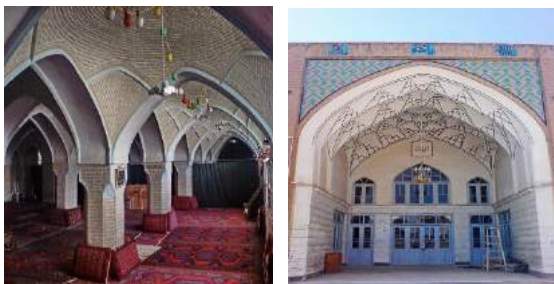
یکی از بناهای قدیمی و دیدنی شهرستان گلبایگان در استان اصفهان می باشد. این ارگ در پنج کیلومتری جاده گلبایگان به تهران و در شهری به نام گوگد (از شهرهای حومه گلبایگان) واقع شده است.



این بنا یکی از بزرگترین بناهای خشت و گلی ایران می‌باشد که به شماره ۲۵۷۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. تاریخ ساخت آن به حدود چهارصد سال پیش باز می‌گردد و تنها سند مکتوبی که از این بنا موجود است متعلق به حدود یکصد و چهل سال پیش می‌باشد که نشان می‌دهد نصف بنای ارگ را علیخان بختیاری به عنوان مهریه به همسرش واگذار کرده است.

مسجد حجت الاسلام :

این مسجد نسبتاً وسیع علاوه بر گنبد و گوشواره‌ها، ایوان بزرگی دارد و روبروی گنبد، شبستان بزرگ و وسیعی با طاق‌های آجری و ستون‌های اغلب سنگی برخی نیز آجری بسیار زیبایی وجود دارد که از لحاظ معماری بسیار اهمیت دارد. این مسجد احتمالاً مربوط به اوایل دوران قاجار است.



سنگ نگاره های گلبایگان : پیشینه این شهر باستانی را نشان می‌دهد. سنگ نگاره های پیشماری در شهرستان گلبایگان یافت شده است. این سنگ نگاره ها گویای دورانی است که بشر به ابزار نخستین شکار (سنگهای تیز) و رام کردن حیوانات و پس از آن کشاورزی و کاشت گیاهان روی آورد. گستردگی و فراوانی سنگ نگاره ها، تنوع تکنیکهای حکاکی، قدمت آنها و... باعث شده تا یکی از گسترده ترین نقوش صخره‌ای ایران در این منطقه قرار گیرد.

در سنگ نگاره های جدید، نشانه هایی از زبانهای باستانی که بر پایه نمادنگاری و ایده نگاری است، دیده می شود. همچنین برخی از حروف نگارهایی که تاکنون کارشناسان معنی آنها را در نیافته اند، در آثار بدست آمده مشاهده شده است.

سنگ نگاره‌ها از لحاظ قدمت و تنوع نقوش در دوره‌های تاریخی ایران برآستی بی نظیر است و سیر تکاملی خط مانند خط سطر، هندی، پهلوی، عربی، فارسی و عبری در این سنگ نگاره‌ها وجود دارد.



هاور کرافت چیست و چگونه کار می کند ؟

هواناو یا هاورکرافت نوعی شناور دریایی است که بر روی بالشتکی از هوا تکیه دارد. هواناو توانایی گذشتن از پهنه های گوناگون بر روی زمین و همچنین گذر از روی آب را دارد.

هاورکرافت، شناوری دو منظوره (آبی- خاکی) است که به روش هوابرد و با استقرار روی بالشتکی از هوای فشرده به آسانی و با نیروی رانش نسبتاً کمی روی سطوح آبی و خاکی حرکت می کند. هوای ورودی به هاورکرافت، از طریق پروانه (fan) به زیر سازه و بالشتک ها منتقل شده و سبب خیزش (hovering) یا بلند شدن وسیله از روی سطح و استقرار آن بر روی توده ای از هوای تحت فشار می شود. بدین ترتیب در زمان حرکت نیروی مقاوم شناوری تا حد قابل توجهی کاهش می یابد و هاورکرافت با استفاده از سیستم رانش و ملخ هوایی به حرکت در می آید.

در این شناورها به سبب جدایی سطح استقرار و بدنه شناور (وجود فاصله هوایی بین آنها)، استفاده از سیستم های رانشی آبی (مثل واترجت) میسر نیست. معلق شدن هاورکرافت روی قشری از هوا این امکان را فراهم می کند که با نیروی کمی بتوان جهت حرکت آنرا تغییر داد. از طرفی این ویژگی، حساسیت هاورکرافت را در برابر نیروهای ناخواسته خارجی (نظیر بادهای جانبی و امواج) به شدت افزایش می دهد، از این رو سیستم های کنترلی خاصی برای این شناورها طراحی شده است که در سایر شناورهای دریایی وجود ندارد .

تاریخچه ساخت :

اولین هواناو در سال ۱۹۵۲ میلادی توسط نوآر بریتانیایی کریستوفر کاکرل ساخته شد. کاکرل با آزمایش های ساده ای به وسیله موتور یک جاروی برقی و دو قوطی استوانه ای اصول کاربردی یک وسیله نقلیه متکی به بالشتک هوا را ثابت کرد. وی نشان داد که زمانی که بالشتک با فشار به بیرون بدمد وسیله نقلیه به آسانی بر روی سطح جنبش پذیر خواهد بود. این کار به آن وسیله نقلیه امکان حرکت بر روی گل نرم، آب و مرداب و مانداب و همچنین زمین سفت را می دهد.

توانمندی های کلی هاور کرافت :

هاورکرافت به سبب ویژگی های خاص طراحی، دارای توانمندی های ویژه ای در زمینه های مختلف است .

به طور خلاصه، توانمندی های هاورکرافت های رده متوسط را می توان به شرح زیر برشمرد :

انجام عملیات آمادی و پشتیبانی در رزم دریایی، به ویژه در مناطق باتلاقی، لجنزار، آبراه های ناشناخته، مناطق کم عمق و مرداب های پوشیده از گیاهان دریایی و نیزار

انجام عملیات گشت ساحلی، مبارزه با قاچاقچیان و انجام عملیات تعقیب و گریز از نواحی کم عمق دریایی تا اغلب قسمت های نوار ساحلی

انجام عملیات هیدروگرافی و بسترشناسی دریا، مطالعات علمی در مناطق ساحلی و فلات قاره و ایجاد آزمایشگاه سیار جهت امور مطالعاتی

انجام عملیات باربری و مسافربری به جزایر کوچکی که عملاً امکان ساخت اسکله و بندرگاه در آنها توجیه اقتصادی نداشته و فاقد چنین تأسیساتی هستند

انجام عملیات امداد رسانی در زمان وقوع حوادث غیرمترقبه، به ویژه سیل و آب گرفتگی، و کمک به مصدومین و مجروحین حادثه

انجام عملیات زیست محیطی، جمع آوری لکه های نفتی در امتداد ساحل و جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست در مناطق کم عمق

انجام عملیات گشتی با سرعت زیاد و جابه جایی فرماندهان و خدمه شناورهای دریایی و پوشش دادن نیازمندی های سازمان بنادر و کشتیرانی

عملیات مین گذاری و مین روبی در سطح آبراه های بین المللی و تنگه های پر تردد و ...

سیستمها و متعلقات :

در یک نگرش ساده، هاورکرافت شامل سازه ای دریایی است که بوسیله یک سیستم بالابر از سطح زمین بلند شده و در نهایت توسط سیستم رانش به حرکت درمی آید. بطور کلی، سیستم های اساسی هاورکرافت به ساختارهای زیر دسته بندی می شوند :

سازه : شامل اتاقک های آب بندی، نشیمن گاه موتور، تکیه گاه ملخ، نشیمن گاه سازه، بالک و مخازن شناوری

سازه انعطاف پذیر : شامل بالشتک و اتصالات

سیستم بالابری : شامل پروانه، کانال حلزونی و متعلقات

سیستم رانش و جلوبری : شامل ملخ، داکت و تجهیزات جانبی

سیستم کنترل سوخت و تعادل : شامل مخزن سوخت، پمپ، شیرهای یک طرفه و لوله های هیدرولیک

سیستم های انتقال قدرت : شامل موتور، تجهیزات انتقال قدرت و متعلقات

سیستم اطفای حریق : شامل مخزن کف، هشدار دهنده، خاموش کننده دستی و ...

سیستم تهویه مطبوع : شامل دمنده هوا، وسایل سرمایش و گرمایش؛

سیستم های الکتریکی : شامل چراغ های ناوبری، روشنایی داخلی، سیم کشی، ژنراتور و ...

سیستم های اویونیک : شامل رادار، GPS، هسونار و ...

سیستم های مکانیکی : شامل مکانیزم لنگر، مکانیزم کشش و ...

تجهیزات نظامی : شامل سلاح، سیستم های جانبی و ...

تجهیزات اضطراری : شامل قایق نجات، جعبه کمک های اولیه



سیستم رانش :

یکی از سیستم های اساسی هاورکرافت، سیستم رانش است. این سیستم که شامل ملخ یا فن می شود، می تواند به شکل های گوناگون نیروی رانش را برای شناور تأمین نماید. معمولاً در شناورهای بزرگ یا شناورهایی که در آنها بازدهی سیستم رانش از اهمیت برخوردار است، از ملخ دارای داکت (duct) استفاده می شود. در سیستم رانش هاورکرافت های نظامی، ملخ های آزاد (بدون داکت) استفاده بیشتری دارند. زیرا در این حالت ملخ قدرت لازم را تأمین می کند و از طرفی با حذف داکت، در وزن کل نیز صرفه جویی می شود. علاوه بر این، مسئله دیگری نظیر آسیب پذیری و دید راداری نیز حذف داکت را الزامی ساخته است. در شناورهای کوچک، که معمولاً با سرعت حداکثر ۸۰ کیلومتر بر ساعت کار می کنند، می توان از پروانه ترکیبی استفاده نمود. منظور از پروانه ترکیبی حالتی است که حدود یک سوم نیروی پروانه برای خیزش و دو سوم آن برای رانش استفاده می شود. استفاده از ملخ دارای داکت در سیستم رانش، برای شناورهای مسافربری دارای موتورهای دیزلی، بسیار رایج است. به علت وجود ذرات گرد و خاک و سنگریزه های حاصل از عمل بالابری، ضرورت ایجاد تمهیدات اضافی برای حفاظت از لبه حمله پره های ملخ و پروانه ضروری است. با توجه به سرعت دورانی ملخ، ذرات آب نیز مانند سمباده عمل می کنند و در نتیجه استفاده از روکش در کل پره و خصوصاً لبه حمله ضروری است. قابل ذکر است که در شناورهای اولیه از ملخ های آلومینیومی استفاده می شد. اگرچه ملخ های مذکور کارآیی خوبی داشتند، اما از نظر سایش لبه حمله و مقاومت در برخورد با اجرام معلق آسیب پذیر بودند. تداوم حرکت در سواحل شنی و وجود نمک و ترشحات نمکی نیز سبب تشدید این سایش می شد . عوامل مهم در انتخاب ملخ عبارتند از : سرعت دورانی، سرعت شناوری، قطر، زاویه گام، وتر یا پهنای پره، کارآیی، نیروی رانش و توان ورودی. هر یک از عوامل مذکور محدودیتی را در انتخاب ملخ اعمال می کنند. در عمل چهار عامل اصلی در انتخاب ملخ وجود دارد که عبارتند از توان ورودی به ملخ، سرعت شناوری، دور موتور و نیروی رانش لازم. بر همین اساس، در حال حاضر روش انتخاب ملخ به این صورت است که پس از انجام طراحی چیدمانی و محاسبات اولیه، بر اساس نیروهای پسای هیدرودینامیکی و حداکثر سرعت، مقدار نیروی رانش تعیین می شود. از دیگر سو، توان ورودی به ملخ با توجه به محدودیت های موتور مشخص می شود و محدودیت قطر نیز با نظر سرتراح به کارخانجات سازنده اعلام می شود تا نمودار مشخصه ملخ تهیه و ارسال شود و به همراه تعیین قیمت، انتخاب نهایی صورت گیرد. البته این اولین گام در انتخاب هندسه یک ملخ است و در مرحله بعد جنس ملخ، نوع تنظیم، روکش های ضدسایش، عمر مفید، مقاومت در برابر خوردگی، نحوه اتصال و تغییر گام آن مطرح می شود. اغلب به علت وجود عدم قطعیت در ثابت نگه داشتن همه عوامل انتخاب ملخ به صورت مقایسه ای انجام می شود.

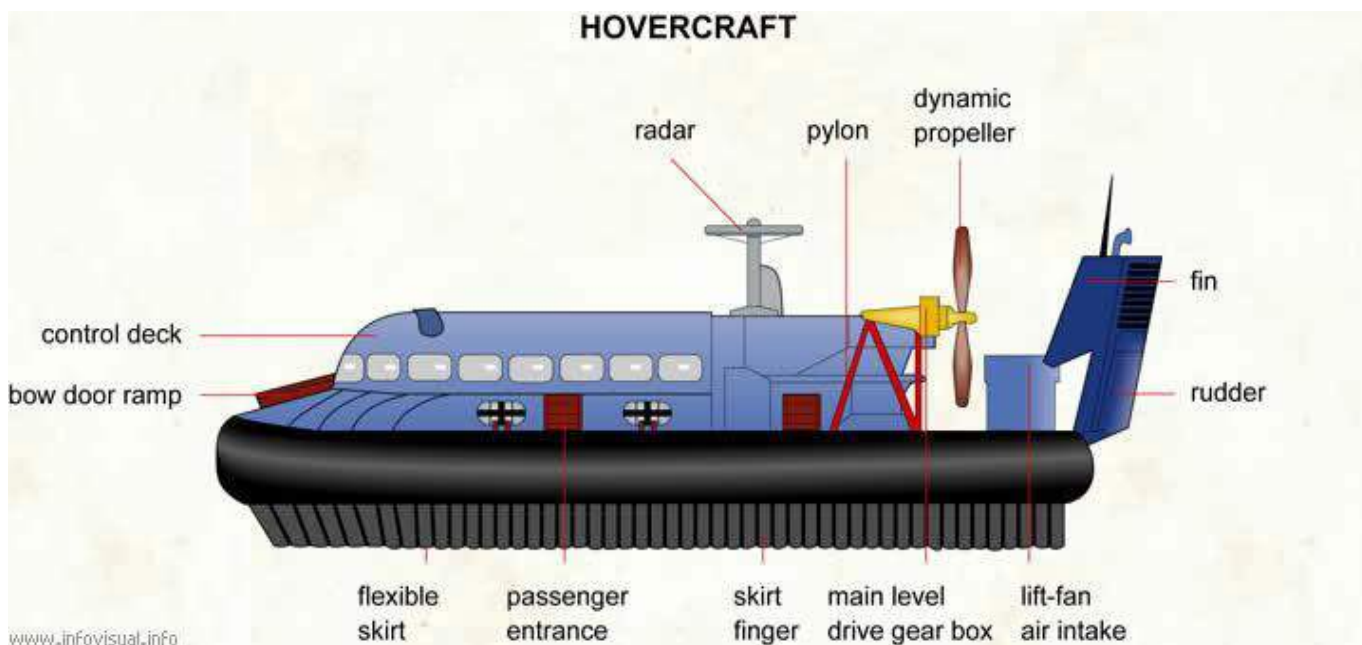
تجهیزات جانبی ملخ و سیستم رانش برای کنترل هاورکرافت :

استفاده از تجهیزات کنترلی رانش، به عنوان عاملی مهم در کنترل راستای حرکت شناور حائز اهمیت است. در برخی از مدل های هاورکرافت، با استفاده از داکت های گردان، جهت حرکت هاورکرافت تغییر می کند. این سیستم دارای قابلیت مانور بسیار بوده و تنها عیب آن سنگین شدن پایه های تقویتی و توان مصرفی موتور است. بهره گیری از این سیستم در هاورکرافت های سنگین نظامی موجب برتری مانور و رزم دریایی شده و به توانایی های عملیاتی شناور می افزاید. سیستم کنترل گام ملخ و تغییر نیروی رانش نیز جزو تجهیزات کنترلی سیستم رانش محسوب می شوند. در این سیستم با استفاده از تغییر گام ملخ سرعت شناور کنترل می شود و در وضعیت گام صفر، سرعت به صفر کاهش می یابد. استفاده از ملخ دارای گام متغیر یکی از کارآمدترین شیوه های کنترل حرکت هاورکرافت است. در گام صفر، ملخ نیروی رانشی تولید نمی کند و هاورکرافت در ایستایی کامل است. با افزایش گام، نیروی رانشی تولید شده افزایش می یابد، به نحوی که در حداکثر گام، نیروی رانش به بیشترین میزان خود می رسد. سیستم کنترل گام ملخ که به روشهای برقی یا هیدرولیک عمل تغییر گام را انجام می دهد، یکی از مهم ترین سیستم های کنترلی هاورکرافت به شمار می رود . یکی دیگر از سیستم های کنترل هاورکرافت، بکارگیری بخشی از جریان هوای پروانه است. در این روش با هدایت جریان هوای پروانه و خروج آن از ناحیه دماغه، سبب تغییر جهت هاورکرافت و گردش های موضعی آن می شود. به علت محدودیت های ساختاری و ظرفیت موتور، نمی توان از این سیستم در بسیاری از طرح های هاورکرافت استفاده نمود .

حضور هاورکرافت در ایران :

مطالعه تاریخچه حضور هاورکرافت در ایران و نیز بررسی موقعیت جغرافیایی کشور، در درک نیاز ایران به حضور چنین وسایلی در ناوگان حمل و نقل کشوری مؤثر است. بنابراین در ادامه به شرح مختصری از نحوه ورود این وسیله به ایران و نقش آن در جنگ تحمیلی می پردازیم. در خلال سال های ۱۹۶۸-۱۹۷۵ نیروی دریایی ایران اقدام به خرید ۸ فروند هاورکرافت SR.N6 و ۶ فروند هاورکرافت BH-7 نمود .

کشور ایران جزو معدود کشورهایی است که در همان سال های اولیه تولید هاورکرافت نظامی به این تکنولوژی شناورها دست یافت، و با داشتن بزرگترین ناوگان هاورکرافت در سطح منطقه، به تقویت نقش نظامی خود در منطقه پرداخت. ایران با داشتن مرز آبی در حاشیه شمالی خلیج فارس و با تملک بیشترین تعداد جزایر در محدوده آب های منطقه و با توجه به جغرافیای منطقه به وسایلی نیاز دارد که بتواند به کمک آن ها در کمترین زمان و در هر منطقه از نوار ساحلی مرزی و محدوده جزایر ایرانی، به انجام عملیات نظامی و به ویژه جابه جایی نیرو بپردازد. امنیت در خلیج فارس مهمترین موضوع مورد توجه تولید کنندگان نفت منطقه و بزرگترین مصرف کنندگان نفت جهان است. پس نقش هاورکرافت در تأمین توازن دفاعی کشور حائز اهمیت بسیار است. در جریان جنگ ایران و عراق، در غیاب کارشناسان خارجی، استفاده مناسب از هاورکرافت در حمله های رزمندگان ایران در جبهه های جنوبی و به ویژه در جریان انتقال نیرو از مناطق هور و حوضچه های آبی جنوبی عراق، بسیار کارآمد بود و همین امر یکی از عوامل مهم پیروزی در نواحی باتلاقی، و مردابی جنوب عراق به حساب می آید .



معبد شائولین : به چینی (少林寺): یک معبد بودایی است که در استان هنان در جمهوری خلق چین قرار گرفته است. در طول تاریخ، این معبد بارها و بارها تخریب و مجدداً بازسازی شده است. یکی از تخریب‌ها در سال ۱۶۴۷ توسط دودمان چینگ صورت گرفت که برای جلوگیری از فعالیت‌های ضدحکومتی، معبد ویران شد. این ویرانی کمک بسیاری به اشاعه ی هنرهای رزمی راهبان معبد کرد. در سال ۱۹۲۸، فرماندهی به نام "شی یوسان" معبد را به آتش کشید. او بسیاری از دست‌نوشته‌ها را از بین برد و سرسرای معبد و همچنین کتابخانه ی آن را ویران کرد. انقلاب فرهنگی در چین به یک‌باره راهبان و بودا را از این کشور محو کرد و برای سال‌ها، معبد خاموش ماند.

در نیمه ی دوم قرن بیستم، حزب کمونیست چین از شائولین برای دوره‌های آموزشی راهبان دروغین خود استفاده کرد (یعنی همان گارد سرخ و ارتش سرخ چین). این حزب، معبد و تمام بخش‌های آن — از گورستان افراد مذهبی یعنی "تالین" گرفته تا استخر نُه اژدها — را هدف گلوله‌های آتشین خود قرار دادند.

سرانجام و به‌دنبال نمایش فیلم *معبد شائولین* جت لی در سال ۱۹۸۲، این معبد توسط دولت چین به‌عنوان یک مکان توریستی رسمی، بازسازی گردید. از آن به بعد، گروه‌های رزمی کار در سراسر دنیا شروع به فرستادن کمک‌های نقدی خود جهت حفظ و نگهداری از این معبد قدیمی کردند و خواستار پاسداری از حجاری‌های در ورودی معبد شدند.

حزب کمونیست چین در صدد این است که انحصار خود بر معبد شائولین را دوباره پس گیرد. این حزب نمی‌خواهد که امتیازات انحصاری و سودمند یادگارهای شائولین را از دست بدهد. نهایتاً در آگوست ۱۹۹۹، استاد "شی یونگ زی" برای به دست‌گیری مقام مدیریت شائولین منصوب شد. او سیزدهمین راهب بودایی موفق در مدیریت شائولین، پس از "زو تینگ فویو" بوده است.

در مارس ۲۰۰۶، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، اولین رهبر خارجی‌ای شد که از معبد بازدید کرده است. در سال ۲۰۱۰، در جریان سی و چهارمین نشست کمیته میراث جهانی یونسکو، که در کشور برزیل برگزار شد، این معبد به‌عنوان میراث جهانی به ثبت رسید.

تصاویر تمرینات رزمی راهبان در معبد شائولین



شهر ممنوعه یا کاخ موزه گوگانگ (Gugong): بنا به روایتی بزرگترین و محافظت شده‌ترین کاخ کشور چین می‌باشد. این قصر باشکوه در شهر پکن و در شمال میدان تینانمن (Tinanmen) امروزی واقع شده است که زمانی محل اقامت امپراتوران سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴) و سلسله چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۱) بود. این مجموعه قصر در کل شاهد حکومت ۲۴ تن از امپراتوران چین در دوره‌های مختلف بوده است.

شهر ممنوعه را می‌توان جزو ۵ کاخ مشهور دنیا قلمداد کرد. در اساطیر چین این قصر را جایگاه خدایان می‌دانستند و مردم عادی اجازه بازدید از آن را به هیچ عنوان نداشتند. وسعت این مجموعه چیزی در حدود ۷۴ هکتار می‌باشد و گودالی با عمق ۶ متر دور آن را احاطه کرده است. شکلی مستطیل گونه دارد و دیوارها در حدود ۶،۵ متر ارتفاع دارد. شهر ممنوعه در مجموع شامل ۹۸۰ ساختمان و ۸۷۰۷ اتاق می‌باشد. ۴ برج بزرگ با سقف‌های شکیل و زیبا در چهار گوشه مستطیل واقع شده است. ورودی اصلی در میدان دروازه تینانمن قرار گرفته. قصر به دو قسمت اندرونی و بیرونی تقسیم بنده شده که اندرونی جایگاه سلاطین و بزرگان و بیرونی جایگاه کارگران و زیردستان بوده است. در درون قصر جوی آبی نیز جریان دارد که ۵ پل با کنده‌کاری زیبا طرفین را به هم وصل می‌کند.



هرم بزرگ جیزه : جزو اولین شگفتی‌های دنیا است که توسط یونانی‌ها به هرم بزرگ خوفو و یا هرم بزرگ فرعون خنوپس نیز معروف است. این هرم یکی از عجایب جهان باستان می‌باشد که از گذشته یادگار مانده است. سالانه گردشگران بیشماری از سراسر دنیا برای دیدن این بنا به گورستان جیزه که نزدیک به شهر قاهره (پایتخت مصر) است سفر می‌کنند. جرم تقریبی این بنا ۵,۹ میلیون تن و حجمش ۲,۶ میلیون متر مکعب تخمین زده می‌شود. هرم جیزه از سنگ‌های درخشان و سفید پوشیده شده است و هنگامی که پرتو خورشید به آن می‌تابد بسان جواهری در زیر نور آفتاب تلالو می‌کند و این شگفتی نشان دهنده‌ی کمال طراحی در ساخت بنا در جهان باستان است. گردشگران بسیاری که از هرم بزرگ جیزه بازدید کردند اتفاق نظر دارند که محیطی بسیار معنوی و سرشار از انرژی مثبت در آنجا حکم فرماست و سالانه گروه‌های مذهبی زیادی بعنوان مکانی معنوی و عرفانی از این بنا دیدن می‌کنند.



باغ های معلق بابل : به گفته‌ی مورخان یونانی باغ‌های شگفت‌انگیز و زیبای بابل به دستور شاه نوبوچادزار دوم (بخت‌النصر دوم) در حدود شش صد سال قبل از میلاد مسیح ساخته شد است. بر طبق روایات متعدد علت احداث این باغ هدیه و پیشکش نوبوچادزار به همسر خود آمی‌تیس، دختر پادشاه مادها بود. آن دو برای اتحاد و دوستی بین ملت هایشان تن به این ازدواج داده بودند. ملکه که در سرزمین مادری خود به کوهستان سرسبز و پوشیده از گل و گیاه عادت کرده بود با آمدن به بابل و دیدن دشت‌های آفتاب سوخته و خشک آنجا دلگیر و افسرده شد. شاه نوبوچادزار دوم نیز برای شاد کردن همسرش به زیردستانش دستور داد تا کوهی مصنوعی به همراه پشت بام‌های سرسبز و پر از درخت احداث کنند. با این وجود تعداد بیشماری از تاریخ دانان و مورخان عصر جدید درباره وجود این باغ‌ها دچار تردید شده‌اند و دلیل موجه خود را موجود نبودن هیچ گونه لوح و نشانی از دوران سومری‌ها درباره باغ‌های معلق بابل می‌دانند. البته شرح حال‌هایی از قصرها و شهرهای عصر شاه نوبوچادزار دوم وجود دارد ولی بسیار جای شگفتی است که فقط تاریخ نویسان یونانی از وجود این باغ‌های زیبا و سرسبز بگویند و خود باستان شناسان محلی به هیچ عنوان خبری از این باغ‌ها ندهند. تاریخ دانان عصر حاضر علت زیانزد شدن باغ‌های معلق بابل را به این صورت شرح می‌دهند که سربازان اسکندر مقدونی هنگامی که از بابل به سوی کشور خود یعنی یونان بازگشتند، برای هموطنان خود از باغ‌ها و بام‌های سرسبز و همینطور سنگ فرش‌های تمیز و مرتب بابل سخن گفتند. شاعران یونانی نیز توصیفاتی را از باغ‌های معلق بابل و از زبان این سربازان برای عصر ما به عنوان یکی از عجایب جهان به یادگار گذاشتند.



فانوس اسکندریه : یکی از هفت عجایب جهان باستان است. این فانوس عظیم در جزیره فاروس در ساحل شهر اسکندریه مصر قرار داشت و به منظور هدایت ملوانانی که قصد سفر به این شهر را داشتند، توسط اسکندر مقدونی بنا شد و در حدود ۱۵ قرن روشن بود. متأسفانه این فانوس یکی از شش شگفتی جهان باستان بشمار می‌آید که دیگر اثری از آن باقی نمانده است. معمولاً از آن برای کمک به دریانوردان برای یافتن ساحل و دیدبانان برای رویت کشتی‌های جنگی استفاده میشد. دو تل آتش بزرگ در بالای فانوس قرار داشت که در شب روشن میشد و نور عظیمی را ایجاد میکرد. همینطور در بدنه‌ی فانوس از آینه‌های جلا یافته استفاده شده بود که در طول روز اشعه خورشید را به زیبایی منعکس میکرد. در کل ساختار فانوس را میتوان به سه بخش کلی تقسیم نمود : ۱- پایه مستطیل شکل. ۲- بخش هشت ضلعی میانی. ۳- بخش استوانه ایی بالای فانوس.



امپایر استیت : نام ساختمانی واقع در خیابان پنجم و کوچه ۳۴ منهتن نیویورک است. این بنا از زمان ساخت تا به امروز توجه بسیاری را به خود معطوف کرده و سالانه میلیون‌ها توریست برای دیدن آن رهسپار آمریکا می‌شوند. مصالح ساختمانی استفاده شده در نمای آن حدود بیش از ۲۰۰ هزار فوت مکعب سنگ آهک و سنگ خرازی هندی می‌باشد و از طبقه ششم به بعد از آلومینیوم، کروم، نیکل و فولاد استفاده شده و همچنین در داخل لابی سنگ مرمر درجه یک وارداتی فرانسه، ایتالیا، بلژیک و آلمان مورد استفاده قرار گرفته است. ارتفاع امپایر استیت تا نوک آنتن ۴۴۸ متر است و منطقه‌ای به وسعت ۸۳,۸۶ فوت مربع را پوشش میدهد. روزهای جشن و تعطیلات در بالای ساختمان آتش بازی بزرگی همراه با انواع و اقسام رنگ‌ها برگزار می‌شود. در سالیان اخیر ارتفاع آنتن را از ۴۴۳,۲ به ۴۴۸,۷ متر ارتقا دادند. رصدخانه‌های امپایر استیت در طبقات ۸۶ و ۱۰۲ قرار گرفته که برای بیننده مناظر بدیع و فوق العاده‌ای از منهتن را به ارمغان می‌آورد به طوری که در طول روز می‌توان تا حدود ۸۰ مایل مسافت اطراف شهر را مشاهده نمود. همچنین این طبقات جزو پر جاذبه‌ترین مکان‌های شهر نیویورک می‌باشد. درهای رصدخانه از ساعت ۹:۳۰ صبح گشوده شده و تا پاسی از شب پذیرای بازدیدکنندگان می‌باشد. برای ورود به ساختمان باید از درب‌های ورودی

کوچه پنجم استفاده کرد و در صف انتظار بازرسی بدنی و امنیتی ایستاد. ساخت بنا در ۱۷ مارس ۱۹۳۰ در بحبوحه‌ی رکود اقتصادی آغاز شد. سرمایه‌گذاران اصلی را می‌توان والتر کریسلرو و جان جاکوب راسکوب (خالق جنرال موتور) دانست اما شرکت‌های Shreve, Lamb و Harmon نیز در ساخت بنا مشارکت داشتند. حفاری برای ساخت فونداسیون (پایه ساختمان) در ۲۲ ژانویه ۱۹۳۰ شروع شد. یکی از دستاوردهای مهم امپایر استیت را می‌توان ساخت و ساز سریع‌تر دانست به طوری که تا اواخر سال ۱۹۳۰، ۸۸ طبقه آن کامل شد. طبقات فوقانی به شکل برج شیشه‌ای-فولادی است که در حدود ۲۰۰ فوت ارتفاع دارد و در قسمت انتهایی به شکل گنبد می‌شود. در اول می سال ۱۹۳۱ رئیس جمهور هربرت هورور با فشردن دکمه‌ای در واشنگتن دی سی چراغ‌های امپایر استیت را روشن کرد و به طور رسمی آن را افتتاح نمود.



نازک کاری و تکمیل کامل ساختمان در حدود ۱۸ ماه زمان برد و برای ساخت آن در حدود ۷ میلیون ساعت کار، ۶۰,۰۰۰ تن فولاد و ۱۰ میلیون آجر مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۸۵ آنتن تلویزیون در نوک ساختمان نصب شد. امپایر استیت تا ۴۰ سال بعد از ساخته شدنش بلندترین آسمان خراش دنیا به حساب می‌آمد و به عنوان لوکشن ۴۰ فیلم کوچک و بزرگ، همانند کینگ کنگ و بی خوابی در سیاتل مورد استفاده قرار گرفت..



بیماری ایدز یکی از اساسی ترین معضلات بهداشتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روحی، روانی و... جوامع بشری می باشد. این بیماری از سال ۱۹۸۱ در داخل کشورها و فراسوی مرزها به سرعت رو به گسترش است که همه افراد را بدون در نظر گرفتن جنسیت، سن، منطقه جغرافیایی، نژاد مورد حمله قرار می دهد.

پاندمی (ایمی جهانی) این بیماری بزرگترین چالش قرن پس از جنگ جهانی دوم میباشد. ایدز بیماری سندرمیک و نشان دهنده مراحل آخر ابتلا به ویروس نارسیایی ایمنی انسان (اچ آی وی) است. ایدز یک بیماری عفونی واگیردار است که توسط ویروسی بنام اچ آی وی منتقل میشود. اچ آی وی به سیستم ایمنی بدن حمله کرده، دفاع بدن را در مقابل عوامل بیماریزا از بین می برد. از زمانیکه ویروس وارد بدن فرد شده تا زمانیکه علائم بیماری ایدز ظاهر شود ۵ تا ۱۵ سال طول می کشد. در این مدت فرد مبتلا به اچ آی وی هیچ علامتی نداشته و کاملاً سالم به نظر میرسد، در حالیکه ویروس در بدن او وجود داشته و در صورت وجود رفتارهای پرخطر قابل سرایت به دیگران است. ایدز مرحله نهائی عفونت اچ آی وی است. ویروس ایدز در بدن تکثیر یافته، دفاع بدن را از بین برده و علائم بیماری به اشکال مختلف خود را نشان میدهد. از آنجاکه ویروس ایدز باعث تخریب سیستم ایمنی شده، فرد را به انواع عفونتها و سرطانها مستعد میسازد و علائم بیماری بسیار متنوع خواهد بود.

مهمترین راه های انتقال عبارتند از:



تماس خونی، شامل تزریق خون و فرآورده های خونی آلوده، استفاده مشترک از وسایل تیز و برنده مثل سرنگ و سوزن، تیغ، سوزن خالکوبی، مسواک.

ویروس ایدز با روش های زیر منتقل نمی شود

Nonotextnet.ir



انتقال از مادر مبتلا به نوزاد در طی حاملگی، زایمان و شیردهی.

تماس جنسی محافظت نشده با فرد مبتلا.

۱- خون و فرآورده های خونی:

هرگاه خون فردی آلوده به ویروس باشد در صورتی که با خون فرد دیگری تماس پیدا کند میتواند بیماری را انتقال دهد. این حالت ممکن است در زمان انتقال خون اتفاق بیفتد اما توجه به این نکته ضروری است که در حال حاضر در ایران تمام خون های اهدائی از نظراحتمال آلودگی به اچ آی وی ارزیابی میشوند و در صورت آلوده بودن استفاده نمی شوند پس این خطر به حداقل ممکن میرسد. اما به هر روش دیگری اگر خون آلوده به ویروس وارد خون فرد سالم شود میتواند ویروس را منتقل کند که این حالت در زندگی روزمره و معمولی با رعایت اصول بهداشتی بندرت اتفاق می افتد مثلاً اگر فردی که مبتلا به اچ آی وی است با یک سرنگ، تزریقی انجام دهد و با همان سرنگ و سوزن که آغشته به خون آن فرد است بلافاصله فرد دیگری تزریق کند به گونه ای که خونی که در سرسوزن یا سرنگ است وارد خون فرد دوم شود احتمال ابتلای وی بالا خواهد بود. به همین ترتیب هر جسم برنده و نوک تیزی که آغشته به خون آلوده به اچ آی وی است در صورتی که موجب ایجاد خراش یا بریدگی در بدن فرد سالم شود ممکن است سبب انتقال ویروس شود لذا اعمالی مانند خالکوبی، حجامت، سوراخ کردن گوش، ختنه، اعمال جراحی و خدمات دندانپزشکی اگر با وسایل غیر استریل انجام شود میتواند با خطر انتقال ویروس همراه باشد. بخاطر داشته باشید اچ آی وی در خارج از بدن با مواد ضد عفونی کننده مثل وایتکس و حرارت سریعاً از بین میرود. پس این اعمال اگر با وسایل استریل و تمیز انجام شود خطری ندارد. از آنجا که اغلب مصرف کنندگان تزریقی مواد رعایت اصول بهداشتی را نمی کنند و از یک سرنگ و سوزن تعداد زیادی بصورت مشترک استفاده می کنند لذا خطر انتشار ویروس در این گروه بسیار زیاد است یکی از شایعترین راههای انتشار در بعضی کشورها از جمله کشور ما اعتیاد تزریقی است.

۲- مادر به کودک:

بیشترین احتمال انتقال از مادر مبتلا به کودک وی، در اواخر زمان بارداری و خصوصاً هنگام زایمان و هنگام شیردهی اتفاق می افتد. برای پیشگیری از انتقال از این طریق به زنان مبتلا به اچ آی وی توصیه میشود باردار نشوند. در صورت بروز حاملگی از هفته ۱۴ بارداری پیشگیری دارویی با داروهای ضد تروروویروسی انجام شده و زایمان نیز بصورت سزارین انجام خواهد شد. چون ویروس اچ آی وی از طریق شیردهی نیز به نوزاد منتقل میشود، نوزادان مادران مبتلا با شیر مصنوعی تغذیه خواهند شد و بلافاصله پس از تولد تحت درمان پیشگیری با داروهای ضد تروروویروسی قرار خواهند گرفت.

۳- تماس جنسی محافظت نشده:

یکی دیگر از مایعات بدن که حاوی تعداد زیادی گلبول سفید است ترشحات جنسی است پس ترشحات جنسی در فردی که اچ آی وی وارد بدنش شده است مبتلا به این ویروس است و در صورتی که این ترشحات با مخاط تناسلی فرد سالم تماس پیدا کند، میتواند باعث انتقال ویروس شود توجه کنید این خطر برای همه افراد وجود دارد مثلاً اگر فردی مصرف کننده تزریقی مواد باشد و از آن طریق به اچ آی وی مبتلا شده باشد، همسر وی نیز هنگام تماس جنسی میتواند به این ویروس مبتلا شود. لازم به ذکر است وجود هر گونه التهاب و عفونتهای دیگر در دستگاه تناسلی، خطر این انتقال را افزایش میدهند. در هر حال تماس جنسی در بسیاری از کشورهای دنیا از شایعترین راههای انتقال اچ آی وی است. بهترین راه پیشگیری از انتقال ویروس از این راه استفاده صحیح از کاندوم در تماسهای جنسی است. راههای عدم انتقال اچ آی وی:

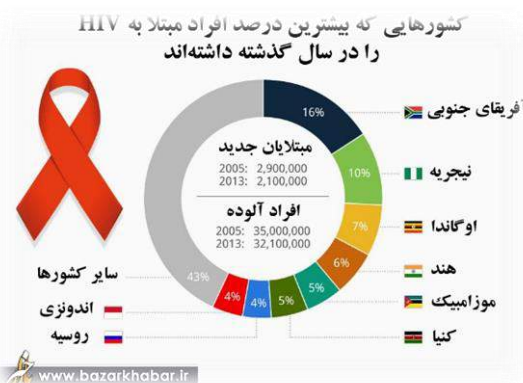
ویروس ایدز از طریق تماس های عادی مثل کارکردن با یکدیگر، هم صحبت شدن، همسفر بودن، دست دادن، بوسیدن، روابط اجتماعی مثل سوار شدن در اتوبوس و تاکسی سرایت نمی کند. ویروس ایدز از طریق استفاده از حمام عمومی، استخر و توالت قابل انتقال نیست.

ویروس ایدز از طریق لباس، پوشاک، پتو و رختخواب قابل انتقال نیست.

عطسه، سرفه و نیش حشرات نمیتواند باعث انتقال اچ آی وی به شخص سالم شود.

تماس پوست سالم با ترشحات جنسی مردانه و زنانه، بزاق، ادرار، اشک، عرق، محتوای معده و غیره منجر به سرایت بیماری نمیشود.

بنابراین جدا ساختن افراد مبتلا به اچ آی وی لزومی نداشته، به راحتی میتوان در کنار یک فرد مبتلا به اچ آی وی زندگی کرد.



علائم بالینی:

اگر چه سیر عفونت اچ آی وی در میان بیماران ممکن است متغیر باشد، اما الگوی شایعی در بیماران دیده میشود. از زمان ورود ویروس به بدن تا ورود به مرحله عفونت پیشرفته اچ آی وی، بیمار مراحل مختلفی را طی میکند که به شرح ذیل است:

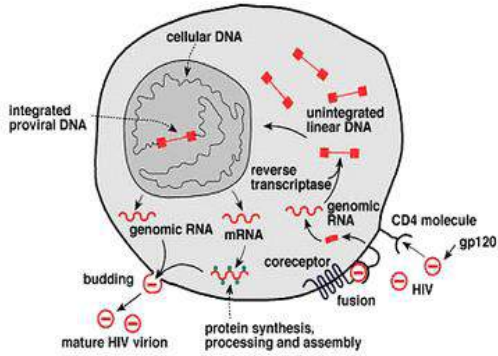
سندرم حاد اچ آی وی: حدود سه تا شش هفته بعد از تماس با ویروس اچ آی وی، بیمار علائم بالینی مشابه منونوکلئوز عفونی با علائم تب، سردرد، زکام و بزرگی غدد لنفاوی را نشان میدهد. البته این علائم تنها در ۵۰ تا ۷۰ درصد بیماران مشاهده میشود. در این دوره بار ویروسی (تعداد ویروس در خون) بسیار بالاست. طی یک تا سه هفته پاسخ ایمنی در بدن ایجاد شده، بار ویروس کاهش می یابد. علائم بالینی این مرحله بعد از مدتی (حداکثر دو ماه از زمان ورود ویروس) فروکش میکند؛ ولی بیمار وارد مرحله بدون علامت میشود.

دوره نهفته: پس از عفونت اولیه و تکثیر ویروس و به دنبال آن تغییرات ایمنولوژیک ویژه اچ آی وی، اغلب بیماران یک دوره نهفته را تجربه میکنند که سالها طول میکشد. طی این دوره سیستم ایمنی تخریب شده که این تخریب با کاهش تعداد سلولهای CD4 تظاهر مییابد. در این دوره بیماری در حال پیشرفت است.

بیماری آشکار بالینی: تخریب پیشرونده سیستم ایمنی که در اغلب بیماران رخ میدهد، سرانجام به بیماری آشکار بالینی با علائم و نشانه های بیماری زمینه ای و یا عفونتها و بدخیمی های فرصت طلب می انجامد. برخی از علائم در این دوران عبارتند از:

کاهش وزن بدون توجیه.

Replication Cycle of HIV



عفونت مکرر دستگاه تنفس فوقانی (سینوزیت، برونشیت، اوتیت مدیا، فارنژیت).

علائم پوستی (زخم های مکرر دهانی، درماتیت).

اسهال مزمن بیش از یکماه.

تب بیش از یکماه.

کاندیدای دهانی و کاندیدیاز مری

سل ریوی در یکسال اخیر و یا سل خارج ریوی.

عفونتهای باکتریایی شدید (باکتری، پنومونی، مننژیت، عفونت مفصل، درگیریهای مغزی).

هریس مزمن بیش از یکماه.

تنها راه تشخیص قطعی ابتلا به اچ آی وی آزمایش خون است. این آزمایش در سه مرحله انجام میشود. در دو مرحله اول با روش موسوم به الیزا و در مرحله نهائی به روش وسترن بلات آزمایش انجام می شود. از آنجا که تفسیر تست با پیچیدگی های خاص روبروست، بهتر است انجام تست حتما همراه با ارائه مشاوره توسط افراد دوره دیده باشد.

پس از ورود اچ آی وی به بدن، پادتن ها در خون ترشح می شوند. آزمایش های تشخیص عفونت اچ آی وی در واقع میزان این پادتن ها را اندازه می گیرند. برای اینکه پادتن در خون قابل اندازه گیری باشد دو هفته تا سه ماه و گاهی بیشتر (۶ ماه) زمان لازم است. به این دوره، دوره پنجره می گویند. در این دوره اگرچه فرد مبتلا به اچ آی وی بوده ولی آزمایش او منفی است. در مواردیکه احتمال ابتلا زیاد است، پس از یک آزمایش منفی توصیه می شود سه ماه و شش ماه بعد از رفتار پرخطر مجدداً آزمایش تکرار شود، مشروط به اینکه در این فاصله فرد رفتارهای پرخطر مرتبط با بیماری را نداشته باشد. بیماری ایدز در حال حاضر درمان قطعی ندارد. ولی با درمان های موجود طول عمر بیماران بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته و کیفیت زندگی آنان نیز بهتر میشود. ولی این درمانها باعث حذف ویروس از بدن نمیشوند. با کاهش میزان ویروس در خون افراد مبتلا توسط درمان های شناخته شده احتمال انتقال نیز کمتر شده است. در صورتی که مادر مبتلا به اچ آی وی نیز به موقع شناسایی شده و تحت درمان پیشگیری قرار گرفته باشد و یا در هر حال از میزان بار ویروسی پایینی برخوردار باشد و نیز زایمان وی بدون عارضه و پیش از موعد زایمان و به صورت سزارین صورت گیرد و نوزادش را نیز با شیر خود تغذیه نکند این احتمال بسیار پایین خواهد بود.

گروه های در معرض خطر:

با توجه به راههای خاص انتقال اچ آی وی همه افرادی که به نوعی دارای رفتارهای پرخطر مرتبط با اچ آی وی هستند در معرض خطر می باشند.

از جمله افرادیکه شرکاء جنسی متعدد دارند

افرادی که تماسهای جنسی با افراد متعدد داشته و از کاندوم نمی کنند.

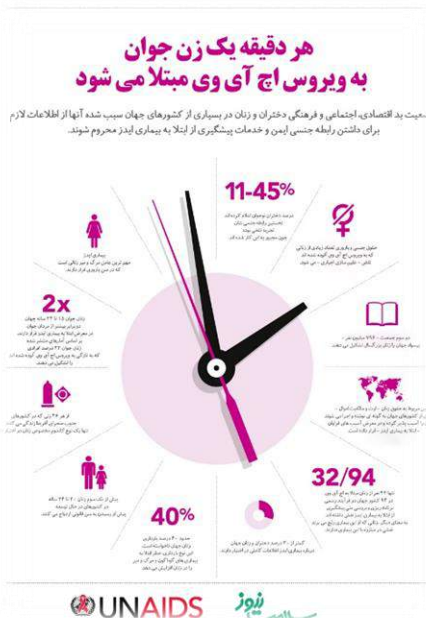
مصرف کنندگان تزریقی مواد که در تزریق از وسایل مشترک استفاده می کنند.

همسران و شرکاء جنسی مصرف کنندگان تزریقی مواد راههای پیشگیری از انتقال ویروس اچ آی وی به بدن:

آموزش همگانی در مورد HIV و ایدز و رفتارهای پرخطر مرتبط با آن به عموم مردم جامعه و بخصوص گروه های در معرض خطر.

کنترل خون و فرآورده های خونی

وفاداری به همسر و عدم بی بندوباری



بررسی اهداف قیام امام حسین (ع) :

کسی که بخواهد به حقیقت قیام عاشورا تا حدّ زیادی پی ببرد، باید در گام نخست، با مطالعه کامل در باره امام حسین (ع)، به زندگی، شخصیت و مقام حضرت به عنوان امام معصوم، شناخت لازم و کافی پیدا کند و سپس با مطالعه و تعمق لازم در بیانات و گفتار حضرت که در مقاطع مختلف قیام و حتی پیش از آغاز آن در باره انگیزه حرکت خویش بیان کرده است، با حقیقت و ماهیت قیام آن حضرت تا حدّ زیادی آشنا خواهد شد.



۱- امام حسین (ع) در مکه در جمع گروهی از علما و نخبگان دیگر مناطق اسلامی با ایراد خطبه‌ای شورانگیز و کوبنده، ضمن یادآوری وظیفه سنگین و تکلیف خطیر علما و بزرگان شهرها درباره پاسداری از کیان دین و اعتقادات مسلمانان و پیامدهای سکوت در برابر جنایات امویان، از خاموشی آنان در برابر سیاست‌های دین‌ستیزانه حاکمان اموی انتقاد کرده و هرگونه همراهی و سازش با آنان را گناه نابخشودنی دانستند.

«خدا یا تو می‌دانی آنچه از طرف ما انجام گرفته است (از سخنان و اقدامات برضد حاکمان اموی) به خاطر رقابت و سبقت جویی در فرمانروایی و افزون‌خواهی در متاع ناچیز دنیا نبوده است، بلکه برای این است که نشانه‌های دینت را (به مردم) نشان دهیم (برپاگردانیم) و اصلاح در سرزمین‌هایت را آشکار کنیم. می‌خواهیم بندگان ستم‌دیده‌ات در امان باشند و به واجبات و سنت‌ها و احکامات عمل شود...» (تحف العقول، ص ۲۳۹)

از این جملات می‌توان چهار هدف استخراج کرد:

الف) احیای مظاهر و نشانه‌های اسلام اصیل و ناب محمدی

ب) اصلاح و بهبود وضع مردم سرزمین‌های اسلامی

ج) مبارزه با ستمگران اموی جهت تأمین امنیت برای مردم ستم‌دیده

د) فراهم ساختن بستری مناسب برای عمل به احکام و واجبات الهی

۲- امام حسین علیه السلام هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه وصیت نامه ای نوشت و با مهر خویش مهور ساخت و به برادرش محمد حنفیه تحویل داد. امام در وصیت نامه اش پس از بیان عقیده خویش درباره توحید و نبوت و معاد، هدف خود را از این سفر این چنین بیان نمود:

«من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از شهر خود بیرون آمدم؛ بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت و احیای سنت و قانون جدم، رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم، علی بن ابی طالب (ع) است.» (مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۴، ص ۹۷)

و در زیارت‌های مختلف که از قول ائمه اطهار (ع) در باره امام حسین (ع) وارد شده، این تعبیر فراوان دیده می‌شود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۷۸)

«گواهی می‌دهم که تو نماز را بپا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی»

امام حسین (ع) یکی از اهداف خود را احیای به سیره رسول‌خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) همانند برپایی نماز بیان می‌کند. لذا در روز عاشورا، در میدان نبرد، همگی نماز می‌خوانند تا اهمیت آن را بیان کنند.

از این عبارات، اهداف ذیل را می‌توان برداشت کرد:

الف) طلب اصلاح در امور امت پیامبر (ص)

ب) امر به معروف

ج) نهی از منکر

د) عمل به سیره رسول‌خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) همانند برپایی نماز

۳- حسین بن علی (ع) در نامه‌ای که به شیعیان بصره نوشتند، فرمودند: «من شما را به زنده کردن نشانه‌های حقّ و نابود کردن بدعت‌ها می‌خوانم». (طبری، ج ۷، ص ۲۴۰)

لذا این اهداف را می‌توان استخراج کرد:

الف) دعوت (و عمل) به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص)

ب) احیای سنت پیامبر (ص) که از بین رفته است، و برپایی مظاهر حقّ و حقیقت

ج) از بین بردن بدعت‌ها (که جایگزین احکام خدا و سنت پیامبر شده است.)



۴- ابا عبدالله در خطبه‌ای که پس از برخورد با حرّ بن یزید ریاحی در منزل «بَيْضَه» ایراد فرمودند، انگیزه قیام خود را با استناد به فرمایش پیامبر (ص) چنین بیان کردند:

«ای مردم! رسول‌خدا (ص) فرمودند: کسی که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و بی‌مان الهی را شکسته و با سنت رسول‌خدا (ص) مخالفت ورزیده در میان بندگان خدا با گناه و تجاوزگری رفتار می‌کند، ولی در برابر او با کردار و گفتار خود برنخیزد، برخدا است که او را در جایگاه (عذاب‌آور) آن ستمگر قرار دهد. هان ای مردم) بدانید که این‌ها تن به فرمانبری از شیطان داده و اطاعت از فرمان الهی را رها کرده و فساد را نمایان ساخته و حدود خدا را تعطیل نموده‌اند، درآمده‌های عمومی (بیت المال) مسلمانان را به خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده‌اند و من شایسته‌ترین فرد برای تغییر دادن (سرنوشت و امور مسلمانان) هستم.» (مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۴)

از این خطبه و یا نامه، علت قیام سیدالشهدا را می‌توان این امر دانست که حاکمان بنی‌امیه (به ویژه یزید) اقدامات ضدّ دینی زیر را مرتکب شده‌اند:

الف) فرمانبری از خدا را رها کرده و به اطاعت از شیطان رو آورده‌اند؛

ب) فساد را (در زمین) آشکار کرده‌اند؛

ج) حدود الهی را تعطیل کرده‌اند؛

د) بیت‌المال را به خود اختصاص داده‌اند؛

ه) حرام خدا را حلال و حلال الهی را حرام کرده‌اند.

از این رو است که در زیارات وارده در باره امام حسین (ع) می‌خوانیم:

«شهادت می‌دهم که تو حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام کردی و نماز را بپا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و (مسلمانان را) با پند و اندرز نیکو، به راه روش خود، فراخواندی.» (مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین، ص ۱۷۹)

۵- امام حسین علیه السلام هنگامی که رهسپار کربلا بودند در توجیه حرکت خویش چنین فرمودند:

آیا نمی‌بینید که به حقّ عمل نمی‌شود و از باطل دست برنمی‌دارند؟! به طوری که مؤمن حق دارد که به مرگ و دیدار خدا مشتاق باشد. به راستی، من چنین مرگی را جز سعادت ندانم و زندگی در کنار ظالمان را جز هلاکت نخوانم» (تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۴۲۷)

بیانی دیگر در مقابل پیشنهاد عبدالله که حضرت را بین کشته شدن و بین بیعت کردن با یزید مخیر کرده بود، می‌فرماید: «...هیئات منّا الذلّة یأبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون...» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۹۹)

و یا فرمود: «هیئات منّا اخذ الدنیه آبی الله ذلک و رسوله...» (مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۵) «از ما دور باد که پستی را پیشه خود کنیم، (چرا که) خدا و رسول او از آن ابا دارند». و نیز در جای دیگر فرمود: «مرگ در عزت، بهتر از زندگی در ذلت است». (مناقب آل‌ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵)

از مجموع این سخنان، این اهداف را می‌توان برداشت کرد:

الف) ترویج حق و عمل به آن

ب) نهی از ترویج باطل و بازداشتن از عمل به آن

ج) عدم پذیرش زندگی ذلت‌بار و ننگین دنیا و انتخاب زندگی با سعادت آخرت.

۶- امام صادق (ع) در زیارت اربعین، هدف از نهضت حسینی را چنین بیان می‌فرماید:

حسین بن علی (ع) جان خویش را در راه تو (خدا) فدا کرد تا بندگان را از بی‌خبری و سرگردانی گمراهی نجات دهد. (تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۶)

از دیدگاه امام صادق (ع)، سیدالشهدا (ع) با نهضت عاشورا، اهداف زیر را تعقیب می‌کردند:

الف) نجات مسلمانان از بی‌خبری نسبت به احکام دین و وظایف خویش در برابر پروردگار

ب) رهایی بندگان خدا از گمراهی با آگاه ساختن آنان به لزوم پیروی از رهبران واقعی دین



نتیجه:

با اندکی دقت در اهداف استخراج شده از این بیانات، ملاحظه می‌شود که امام (ع) حقیقت قیام خویش را، مبارزه با منکرات فراوان در جامعه اسلامی و تبلیغ و ترویج معروف در بین مسلمانان، اعلام می‌کنند. بنابراین، فلسفه اصلی و نهایی نهضت حضرت را می‌توان در یک هدف جامع و کلی یعنی «احیای فرهنگ اسلام اصیل و ناب محمدی (ص) و زدودن زنگارهای تحریف و بدعت از دین جدّشان» خلاصه کرد.

بنابراین امام حسین (ع) برای یاری دین خدا حرکت کرد، نه برای سلطنت و ریاست. همراه آوردن زنان و فرزندان و حتی علی اصغر (ع) شش ماهه، شاهد بر این مدعا است. زیرا کسی که هدفش از جنگ، رسیدن به قدرت باشد، هیچگاه زن و فرزندان را همراه خود نمی‌آورد.

چارلز دیکنس درباره قیام امام حسین (ع) می‌گوید: اگر منظور امام حسین (ع) جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود، من نفهمیدم چرا خواهران و زنان و اطفاکش به همراه او بودند؟! پس عقل چنین حکم می‌کند که او فقط به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد. (کتاب «درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت»)

لذا امام حسین (ع) در زمانی قیام نمود که انحراف دستگاه حکومت چند برابر شده بود. از نظر اجتماعی نیز اوضاع بر اثر ظلم و بیدادگری حاکم، مردم را به ستوه آورده و ناراضی عمومی بیداد می‌کرد. بنابراین یکی از شرایط انقلاب فراهم آمده بود ولی شرط دیگر (که وجود روح حماسه و ایثارگری است) جز در تعداد اندکی فراهم نبود. بنابراین بر امام لازم بود که از همین مقدار استفاده کند و موقعیت را از دست ندهد. و هر چند در چنان وضعیتی نمی‌توانست پیروزی نظامی به دست آورد، ولی حرکتی پدید آورد که پایه نظام ستمگر را لرزاند و روح خروش و حماسه را در کالبد مسلمانان و همه آزادی خواهان جهان دمید و آثار بسیار گران بهایی در تاریخ بشر بر جای گذارد.



طلوع مهر

صبح روز سوم شعبان سال چهارم هجری، شهر مدینه میزبان کودک نورسیده‌ای بود که در خانه‌ی فاطمه (سلام الله علیها) و علی (علیه السلام) چشم به جهان گشود و بعدها به "سید الشهداء ملقب شد. این طفل نورسیده، دومین فرزند خانواده‌ای است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از نزول آیه‌ی تطهیر، بارها آن‌ها را با عنوان "اهل بیت نبوت" مورد خطاب قرار داده و بر آن‌ها سلام کرده بود مادر او فاطمه (سلام الله علیها)، دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یکی از برترین زنان تاریخ است که به جهت بلندی معرفت، فضایل اخلاقی و پاکی و طهارت، زبانتود خاصّ و عام بوده و خداوند در بیان شأن و جایگاه رفیعش، در قرآن مکرّر سخن گفته است علی (علیه السلام) نیز که دومین فرزند پسر خود را در آغوش می‌گرفت، اولین مسلمان، برترین دانای دین، وصی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شه‌سوار اسلام و بالاترین سخنور عرب است که سوابقی بی نظیر در ایثار و دفاع از دین خدا در سراسر دوران ظهور و گسترش دین اسلام دارد؛ تا آن‌جا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دستور حضرت حق، بارها و بارها از او سخن گفته، او را ستوده و سرانجام او را به عنوان جانشین خود معرفی کرده بود.

نام گذاری:

در آن روز فرخنده، طفل را به محضر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردند. علی (علیه السلام) آنچنان که وظیفه داشت و نیز به رسم ادب و احترام، از ایشان خواست که همچون فرزند نخست، نام گذاری این نورسیده را نیز بر عهده گیرند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم به امر الاهی او را به نام فرزند هارون، "حسین" خواند نامی که معرّب نام عبری "شبیبر"، نام پسر کوچک‌تر هارون؛ جانشین موسی (علیه السلام)؛ بود. محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و موسی، علی و هارون، شیر و حسن، شبیر و حسین؛ تشابهی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعدها آن را در یک واقعه‌ی بسیار مهمّ تاریخی یادآوری کرد و خطاب به علی (علیه السلام) فرمود: "یا علی! جایگاه تو نسبت به من، نظیر جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ با این تفاوت که سلسله‌ی پیامبران با من خاتمه می‌یابد.

از جوانی تا جوانی:

اما سالیان خوش کودکی حسین (علیه السلام) به زودی به پایان رسید. حدوداً هفت ساله بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مسلمانان را با نبوهی از سفارش‌ها، توصیه‌ها و دستورات قطعی در مورد اهل بیت خود تنها گذاشت و جهان اسلام را غرق در ماتم کرد.

هنوز مراسم دفن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام نشده بود که فتنه‌ها برای دستبرد به "ولایت امر"، ظهور کرد و دستورات اکید و توصیه‌های مکرّر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فراموشی سپرده شد. واقعه‌ی بزرگی همچون غدیر در پرده‌ی غفلت و تغافل رفت و علی رغم معرفی مکرّر علی (علیه السلام) به عنوان جانشین و وصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، توصیه‌های اکید ایشان در مورد او نادیده گرفته شده، حکومت اسلامی غصب گردید. حتی فدک (دهستان حاصلخیز اهدایی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دختر خود)، به وسیله‌ی حکومت وقت به زور گرفته شد. ریحانه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هفت ساله بود که مادر خود را نیز بر اثر جراحات و صدمات وارده از غائله‌ی بیعت، از دست داد. داغ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مادر از یک سو و ستمی که بر پدر رفته و فشارهای حکومت از دیگر سو، روح پاک حسین (علیه السلام) را سخت می‌آزرد. این دوران مصادف بود با زمان حکومت خلفای سه گانه. اما این تمام ناراحتی‌ها نبود. ماجرای دیگر نیز او را بیشتر و عمیق‌تر آزرده خاطر می‌ساخت. او نگران انحراف اسلام از مسیر حقیقی خویش بود.

در این مدت حسین (علیه السلام) به عنوان یک مسلمان و مأموم، پیوسته بر مسیر حرکت علی (علیه السلام) راه می‌سپرد. از هر فرصتی برای دفاع از حق استفاده می‌کرد و به مردم در مورد تحریف اسلام هشدار می‌داد. در زمان خلافت خلیفه‌ی دوم، روزی مسجد پر از جمعیت بود و حسین (علیه السلام) که ده سال بیشتر نداشت در مسجد نشسته بود. خلیفه بالای منبر رفت و ضمن گفتاری خود را اولی و برتر از جان مؤمنان، یعنی صاحب اختیار آنان، خواند. در این وقت حسین (علیه السلام) از میان انبوه جمعیت برخاست و فریاد زد: "از منبر پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پایین بیا؛ این منبر، منبر پدر تو نیست!" عمر در پاسخ گفت: "سوگند به جانم، این منبر، منبر پدر تو است. پدر من منبری نداشت...". اما گفتگو میان آن دو هم‌چنان ادامه یافت تا عمر از منبر پایین آمد. زمانه بر همین منوال ادامه پیدا کرد و بارها اتفاقات ناگواری پیش آمد که دل حسین (علیه السلام) را به درد آورد.

در دوران جوانی، وقتی خلیفه‌ی سوم، ابوذّر (رحمة الله علیه)، بار نزدیک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به جرم اعتراض نسبت به انحرافات حکومت وقت از مسیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، تبعید کرد و مشایعت او را ممنوع نمود، حسین (علیه السلام) به همراه پدر و برادر، علی رغم حکم خلیفه و به نشانه‌ی اعتراض، به بدرقه‌ی او رفتند. حسین (علیه السلام) هنگام وداع به ابوذّر (رحمة الله علیه) فرمود: "ای عمو جان، پروردگار بزرگ قادر و تواناست. او می‌تواند هرچه را که بر تو وارد شده تغییر دهد. این مردم، دنیا و زندگی و آسایش را از تو گرفتند؛ اما تو دینت را از دستبرد آنان حفظ کردی. به راستی که تو از دنیا و دنیاداران بی‌نیازی و دنیای مردم پیش چشم‌ناچیز است؛ ولی این مردم به راه و روش تو بسیار نیازمندند. دل قوی دار و از حرص و ذلت دوری کن. خود را مباح و به خدا پناه ببر؛ زیرا مقاومت نشانه‌ی دینداری و بزرگواری است.

مسجد جامع گلپایگان :

مسجد جامع گلپایگان از مساجد مهم تاریخی دوران سلجوقی و از مساجد بزرگ ایران زمین بوده که با توجه به تاریخ ساخت آن شاید بتوان گفت معماری ایرانی - اسلامی این مسجد الگویی بوده است برای ساخت مسجدهای بزرگ دیگر به ویژه مناطقی که در قلمرو حکومت سلجوقیان بودند. مسجد جامع گلپایگان در سال ۵۰۸ هجری قمری، در دوران حکومت ابوشجاع محمد بن ملکشاه سلجوقی بنا شده است .

پیش از آن به استناد نام ابوشجاع که در کتیبه دور گنبد است، زمان ساخت مسجد گلپایگان را بین سال‌های ۴۹۸ تا ۵۱۲ هجری قمری، یعنی دوران حکومت وی، می‌دانستند تا این که باستان شناسان با خواندن کتیبه‌های محراب دریافتند که بخشی از کتیبه‌ها در زیر کف شبستان مسجد است و به احتمال قوی تاریخ بنا هم روی آن نوشته شده است. چنین بود که تاریخ دقیق ساخت مسجد روشن شد .

مسجد جامع گلپایگان به دستور ابونصر ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بابا عبدالملک ساخته شده و نام این شخص در ۲ جای مسجد، یکی در کتیبه دور گنبد و دیگری در حاشیه محراب درج شده است .

این مسجد را یک معمار قزوینی به نام ابوعمر بن محمد القزوینی (معروف به بواسار کسرار) ساخته و نام او نیز در بالای محراب در زیر کتیبه دور گنبد، در ۲ سطح نقش بسته است .

از دیگر آثاری که نام سلطان ابوشجاع محمد بن ملکشاه سلجوقی به یادگار روی آنها نقش بسته است، عبارتند از منار مسجد جامع ساوه به تاریخ ۵۰۴ هجری، مسجد جامع قزوین به تاریخ ۵۰۸ هجری، ۲ حجره در مسجد جامع دیار بکر ترکیه به تاریخ ۵۱۱ هجری و دیوار روبه روی شبستان مسجد اموی در دمشق به تاریخ ۵۰۳ هجری قمری.

وقتی تاریخ ساخت مسجد گلپایگان را با تاریخ ساخت مسجدهایی دیگر که در دیار بکر، سوریه، قزوین و ساوه می‌سنجیم، می‌فهمیم که در یک دوره کوتاه چند ساله از سال ۵۰۳ تا ۵۱۱ هجری قمری چند مسجد در دوره حکومت سلجوقی و مناطق دور از هم بنا شده است که با توجه به این نکته از یک سو در می‌یابیم که حکومت‌ها، در طول تاریخ، برای کسب مشروعیت و نشان دادن اقتدار و وسعت قلمرو خود به مسجد به عنوان یک رکن اساسی نگریده‌اند. از سوی دیگر شاید بررسی‌های دقیق در شیوه معماری این مسجدها تشابهات قابل توجهی را نشان دهد .

مسجد جامع گلپایگان و شکارچیان گنج سر در مسجد گلپایگان از سمت داخل محوطه رو به صحن با آجرهای آبی رنگ با جمله «یا علی» بصورت زیبایی مزین شده و شبستان اصلی مسجد جامع گلپایگان همچون سایر بناهای عصر سلجوقی فاقد کاشی کاری است .

در کتیبه‌های مسجد جامع گلپایگان که شرح نوشته‌ها به خط کوفی است، نام ابابکر صدیق، عمر بن خطاب، عثمان، علی ابن ابیطالب و طلحه و زبیر و عبدالرحمن بن عوف آمده است.

محراب مسجد از دو بخش تشکیل شده است که در قسمت پایینی متصل به کف محراب و در قسمت بالای محراب کلمات «الله احد» و «الله صمد» به خط کوفی مشهود است . آیاتی از قرآن کریم نیز در اطراف محراب بزرگ مسجد جامع گلپایگان به خط کوفی نقش بسته است .



یک انسان که به هدف اش ایمان دارد از نود و نه نفر که برای رسیدن به هدفشان
سخت تلاش می کنند ، موفق تر است .

(دکتر حسابی)

روح پروردگار از یک دوست به نماند نیست

